

خبرنامه، سال هجدهم، شماره ۶۶ ■ بهار ۱۳۹۷

سخن اول

تأملی در باب هوش و خرد و نسبت آن با زمان؛ رضا داوری اردکانی
 اخبار و گزارش‌ها

یکصد و بیست و دومین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان علوم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی دار فانی را وداع گفت

تجلیل از پژوهشگر جوان برجسته علوم پایه کشور، منتخب فرهنگستان علوم، ۱۳۹۷

انتشار شماره جدید مجله «پژوهش‌های راهبردی در علوم کشاورزی و منابع طبیعی»

انتشار شماره جدید مجله «نامه فرهنگستان علوم»

همایش شیمی و چالش‌های روز کشور

جلسه شورای همگانی گروه علوم مهندسی با موضوع آینده پژوهی علم

نقشه جامع علمی کشور؛ سخنرانی دکتر محمود مهرداد شکریه

زهریه‌های قارچی؛ اهمیت و نقش آنها در بهداشت عمومی کشاورزی؛ سخنرانی دکتر مهدی رزاقی ایبانه

تب برقکی و وضعیت آن در ایران؛ سخنرانی دکتر صمد اطفال‌زاده

انتشار شماره جدید «فصلنامه آموزش مهندسی ایران»

اعضا

سخن دکتر یوسف نبوتی در مراسم افتاب‌ری رئیس جمهوری

روابط انسان و طبیعت از دیدگاه قرآن مجید؛ دکتر سید مصطفی محقق داماد

هبوط، آمدن برای بازگشتن است؛ دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی

خلاصه طرح پژوهشی خاتمه‌یافته «اطاله دادرسی در امور مدنی و راهکارها»؛ دکتر سید حسین صفایی

تقویت روحیه خودباوری با ترویج موفقیت‌های علمی و فناوری؛ دکتر محمدرضا مختبر دزفولی

لرزم ترجمه دستاوردهای مطالعاتی به سه زبان «علم»، «حکومت‌مردان» و «عموم جامعه»؛ دکتر حسن ظهور

امنیت غذایی، تأمین آب کشاورزی و اصلاح ساختار مصرف؛ دکتر محمد شاهدی

چرا وقوع زلزله‌ها را نمی‌توان پیش‌بینی کرد؟؛ دکتر علی درویش‌زاده

گرم‌شدن زمین، نابودی سفره‌های آب زیرزمینی و تغییر اقلیم؛ دکتر مهدی زارع

معرفی

آکادمی علوم و هنرهای اروپا

کتاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگستان علوم
جمهوری اسلامی ایران

The Academy of Sciences
Islamic Republic of Iran





The Academy of Sciences
Islamic Republic of Iran

خبرنامه، سال هجدهم، شماره ۶۶ ■ بهار ۱۳۹۷

صاحب امتیاز: فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران

مدیر مسئول: دکتر رضا داوری اردکانی

سردبیر: دکتر حسین نمازی

مدیر داخلی: مهندس سیدعلی پزشکی

همکاران تحریریه: بهاره برزگر - بردیا برهان مهر

مدیر هنری: مجید میرابزاده

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، خروجی فرهنگستان‌های
جمهوری اسلامی ایران و کتابخانه ملی، فرهنگستان علوم، دفتر ریاست

کدپستی: ۱۵۳۷۶۳۳۱۱۱ - صندوق پستی: ۵۳۱۸-۱۹۳۹۵

تلفن: ۸۸۶۴۵۵۹۲ - دورنگار: ۸۸۶۴۵۵۹۸

تارنما: www.ias.ac.ir - رایانامه: info@ias.ac.ir

شماره سامانه پیامک فرهنگستان: ۲۱۸۸۶۴۵۵۹۲

«مسئولیت مطالب به عهده گویندگان و نویسندگان است»

فهرست

سخن اول

۴

■ تأملی در باب هوش و خرد و نسبت آن با زمان؛ رضا داوری اردکانی

اخبار و گزارش‌ها

۲۱

■ جلسات شورای علمی

■ یکصد و بیست و دومین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان علوم

■ حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی دارفانی را وداع گفت

■ بازدید رئیس فرهنگستان علوم از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

■ پنجمین جشنواره آموزش دانشگاه تهران

■ تجلیل از دکتر مرتضی خوشخوی در سومین همایش ملی آموزش عالی

■ دکتر سید مهدی الوانی؛ برنده جایزه افضل‌پور

■ تجلیل از دکتر حسن تاج‌بخش در دانشکده طب ایرانی

■ انتشار شماره جدید مجله «پژوهش‌های راهبردی در علوم کشاورزی و

منابع طبیعی»

■ زهرابه‌های فارچی؛ اهمیت و نقش آنها در بهداشت عمومی کشاورزی؛ دکتر

مهدی رزاقی ایبانه

■ انتشار شماره جدید مجله «نامه فرهنگستان علوم»

■ همایش شیمی و جالش‌های روز کشور

■ جلسه شورای همگانی گروه علوم مهندسی با موضوع آینده‌پژوهی علم

■ نقشه جامع علمی کشور؛ سخنرانی دکتر محمود مهرداد شکریه

■ تجلیل از ۶ پژوهشگر جوان برجسته علوم پایه کشور، منتخب فرهنگستان

علوم، ۱۳۹۷

■ تب برفکی و وضعیت آن در ایران؛ دکتر صمد لطف‌اله زاده

■ درگذشت کاربردزاد امین و خدوم فرهنگستان علوم

■ انتشار شماره جدید «فصلنامه آموزش مهندسی ایران»

اعضا

۴۵

■ سخن دکتر یوسف ثبوتی در مراسم افطاری رئیس جمهوری

■ روابط انسان و طبیعت از دیدگاه قرآن مجید؛ دکتر سیدمصطفی

محقق داماد

■ هبوط، آمدن برای بازگشتن است؛ دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی

■ خلاصه طرح پژوهشی خاتمه‌یافته «امتاله دادرسی در امور مدنی و

راهکارها»؛ دکتر سیدحسین صفایی

■ تقویت روحیه خودباوری با ترویج موفقیت‌های علمی و فناوری؛ دکتر

محمدرضا مخبردزفولی

■ لزوم ترجمه دستاوردهای مطالعاتی به سه زبان «علم»، «حکومت‌مردان» و

«عموم جامعه»؛ دکتر حسن ظهور

■ امنیت غذایی، تأمین آب کشاورزی و اصلاح ساختار مصرف؛ دکتر محمد

شاهدی

■ چرا وقوع زلزله‌ها را نمی‌توان پیش‌بینی کرد؟؛ دکتر علی درویش‌زاده

■ گرم‌شدن زمین؛ نابودی سفره‌های آب زیرزمینی و تغییر اقلیم؛ دکتر مهدی

زارع

معرفی

۶۶

■ آکادمی علوم و هنرهای اروپا

کتاب

۷۰

■ فرهنگ و پیشرفت مطلوب (مجموعه گفتگو با دکتر مهدی گلشنی)

■ نسبیت؛ خاص و عام؛ اثر: دکتر یوسف ثبوتی

■ مخاطرات زمین ایران، بیرونی و درونی (زلزله و آتشفشان)؛ اثر: دکتر علی

درویش‌زاده و دکتر مهدی زارع

■ خلاصه اخبار به انگلیسی

3-8



تأملی در باب هوش و خرد و نسبتشان با زمان

رضا داوری اردکانی

اشاره

یادداشت‌هایی که برای این دفتر نوشته‌ام بیشتر درباره علم بوده و کمتر به وضع و مقام خرد و نسبتش با علم نظر شده است. این بار نیز صرفاً نظری به خرد در زمان کنونی انداخته‌ام تا هم حق صحبت هفتاد ساله با فلسفه را اندکی ادا کرده باشم، هم تذکر دهم که اگر خرد رو نهان کند، کار جهان و زندگی آدمی به خطر می‌افتد زیرا علم و تکنولوژی به آینده زندگی و مصلحت آدمیان و غم و شادی آنان کاری ندارند و به این جهت است که علم به پشتوانه خرد نیاز دارد و اگر از حمایت و همراهی آن محروم شود نظم درونش دستخوش اختلال می‌شود و چه بسا که در راه ویرانگری قرار گیرد.

بحث کرده‌اند اما غالباً وجود آن را مسلم انگاشته و در باب آن کمتر پرسش و چون و چرا کرده‌اند. در فلسفه رسمی، عقل مقوم ذات آدمی و قوه درک کلیات و مایه برخورداری از علم است ولی در این نوشته عقل به معنی یک قوه نفسانی و شأن ناطقه نفس و مرتبه‌ای از مراتب وجود نیست بلکه مراد از آن استعداد درک تاریخی هستی و زمان و زبان و شرایط امکان دانستن و عمل کردن است. این عقل شأنی یا جزئی از روان‌شناسی اشخاص و افراد نیست بلکه در زمان و تاریخ پدید می‌آید و ظهور خاص می‌یابد و گاهی دستخوش ضعف و

۱- از امام صادق (ع) نقل شده است که «علم درک تفاوت هاست». از جمله تفاوت‌هایی که ما کمتر به آن توجه داریم تفاوت عقل هاست. تفاوت دیگری که نمی‌دانم آیا از میان متأخران کسی به آن توجه کرده است یا نه تفاوت خرد با هوش است. در اینکه خرد راهگشا و کارساز زندگی است، تردید نیست اما اعتقاد به اهمیت خرد نباید ما را از غیبت و غیاب آن در بعضی زمان‌ها غافل سازد. به عبارت دیگر حرمت لفظ و مفهوم و شهرت نام خرد نباید ما را از بودن یا نبودن آن غافل سازد. فیلسوفان گاهی در ماهیت عقل



زوال می‌شود. عقل دوران تجدد عقل تاریخی است البته همیشه و همه جا تنها آدمیانند که باید به حکم عقل کار کنند. ظهور عقل هم در وجود آدمیان است مع هذا عقل وجودی مستقل از افراد و اشخاص دارد. با این تلقی خرد دیگر چیزی نیست که مردمان را به آن بخوانیم و آنها به آن رو کنند و به آسانی بتوانند کار خود را به دستور آن انجام دهند حتی در جاهایی که در زمانی کارها به راهنمایی صورتی از خرد انجام شده است، وقتی مدد خرد منقطع شده است، آن جهان نیز به زوال و پریشانی رو کرده است. اروپا پس از آغاز قرون وسطی و در آغاز رنسانس به چشمه تازه‌ای از عقل دست یافت. این عقل در طی قرن‌ها بسط یافت و اروپا جهان را با آن دگرگون کرد و در ویرانی و آبادیش کوشید و اکنون پس از چهارصد سال کم‌کم دارد زوال خرد را حس می‌کند. البته هنوز کارها به کلی از روال و مدار خرد خودبنیاد جدید خارج نشده و ساده‌لوحی است که ببنداریم قبل از اینکه نظم دیگری در افق آینده پدیدار شود، تجدد رخت برمی‌بندد. در جهان توسعه نیافته پیرو غرب متجدد، قضیه صورت دیگری دارد. بخشی از این جهان احیاناً وارث یک سنت مفهومی و عقلی است و عقل را امر بالفعلی می‌داند که همواره می‌توان از راهنمایی‌اش برخوردار شد. عقلی که معمولاً می‌پندارند، هست و ثابت است. عقل قدیم البته هنوز در ارگانون ارسطو و شفای بوعلی و به طور کلی در همه کتاب‌های فلسفه تا دوره جدید وجود دارد اما این عقل، دیگر کارساز زندگی کنونی نیست. همه مردم جهان به رسم جهان جدید که ساخته عقل جهان‌ساز است زندگی می‌کنند و توقع نباید داشت که عقل قدیم بتواند راهنمای زندگی زمان تجدد و تجدد مآبی باشد. این عقل در بیرون از کتاب‌های فلسفه وجود ندارد و به فرض اینکه در جایی هم وجود داشته باشد، ما راه خانه‌اش را گم کرده‌ایم و نمی‌دانیم که در شرایط کنونی جهان آثارش چیست و وجودش را در کجا می‌توان یافت و اگر نیست چرا ملتفت نبودنش نیستیم و به آن فکر نمی‌کنیم. ما اکنون مثل قرن‌های پیش آثار ابن سینا و ملاصدرا را می‌آموزیم. این آثار به یک معنی عقل متحصل و محقق است اما به وجود این عقل متحصل صرفاً از طریق آموزش نمی‌توان راه برد و به فرض راه بردن به آن، با آن نمی‌توان در کار جهان جدید و در راه

من به درستی در نمی‌یابم که چگونه انسان در جامعه و سیاست جدید هوموساگر شده است آنچه می‌فهمم اینست که تروریسم می‌خواهد به نظریه حکومت مبدل شود و جای سیاست را بگیرد. در این تلقی، انسان گوشت قربانی و موجودی هیچ و پوچ است که هم آسان و بی‌دلیل می‌کشد و هم ارزان کشته می‌شود. او موجودی برای کشتن و کشته شدن با بی‌رحمانه‌ترین روش‌هاست

توسعه کارسازی کرد. اگر آن عقل با همه اهمیتش، توانایی طرح و رهبری و کارسازی برنامه توسعه داشت، چرا تاریخ پیشرفت علمی تکنیکی و توسعه اجتماعی اقتصادی از دویست سیصد سال دورتر نمی‌رود. به نظر می‌رسد که جهان جدید به عقلی متفاوت با عقل قبل از رنسانس رسیده و با این عقل توانسته است علم و تکنولوژی و سیاست جدید را پدید آورد و توسعه دهد. کشورهای توسعه نیافته غالباً این عقل را از طریق آثار مادی و تکنیکش شناختند البته بعضی اصول و اوصاف آن به صورت لقلقه زبان مشهور شد اما چون درباره آنها تأمل نکردند و کسی نپرسید که این اصول در عقل قدیم ما چه جایی داشته است، آنها هم جایگاهی در جان جامعه نیافتند تا بتوانند مؤثر شوند. اما به هر حال در عداد مسلمات درآمدند. مگر نه اینکه به تبع جهان متجدد این حرف مشهور را پیوسته تکرار می‌کنیم که نیروهای طبیعت را باید با علم مهار کرد. اصل پیشرفت و تکامل را هم که بی‌چون و چرا پذیرفته‌ایم ولی اینها در وجود و درک ما به مرتبه عقل نرسیده بلکه در ردیف عادات لفظی و روان‌شناختی باقی مانده‌اند و به همین جهت پندارهای سطحی و ظاهری‌اند و تعارض و حتی نسبتشان با آراء و اعتقادات و فرهنگ موروث درک نمی‌شود. در جهان توسعه یافته وضع به صورت دیگری است. در این جهان تعارض میان موجودینی و وجودینی چندان شدید نیست که هر کس تصورات خود را واقعیت انگارد ولی





اینجا بیشتر ورطه‌ای میان این دو وضع وجود دارد و در این ورطه پندار، یا اصلاً مشکل و مسئله‌ای نیست یا اگر باشد به آسانی رفع و حل می‌شود. وقتی می‌گوییم هیچ مشکل و مسئله‌ای وجود ندارد لابد چرخ امور اداری و آموزشی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی به خوبی می‌گردد و آب و هوای کشور و بخصوص خوزستان هم خیلی خوب است و اگر مشکلی مثل مشکل ارز و طلا و بانک‌های خودرو هم پیش آید، به زودی و به آسانی رفع می‌شود. حقیقتاً خوشبینی در شرایط کنونی هنر بزرگی است. وقتی می‌بینیم که هر یک از این حوزه‌ها نه فقط مشکل‌ها دارند بلکه وجودشان عین مشکل است، چه امیدی به آینده می‌توانیم داشته باشیم. این رسم مدیریتی که در سازمان‌های اداری جاری است، به جای اینکه کارگشایی کند بر مشکل‌ها می‌افزاید و منشأ فساد و باعث پدید آمدن مشکل در حوزه‌های دیگر می‌شود. گاهی اعتراض می‌کنند که کار تو فلسفه است و این‌ها که می‌نویسی مسائل اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و متعلق به قلمرو آراء همگانی است و ربطی به فلسفه ندارد بلکه اهل سیاست و دانشمندان علوم اجتماعی باید به آنها بپردازند. اولاً چه کنیم که دانشمندان کمتر به این مسائل می‌پردازند. ثانیاً سخن در صورتی درست است که فلسفه در مسائل مدیریت و آموزش و پرورش و کتاب و سینما و بانکداری وارد شده باشد ولی وقتی پرسش می‌شود که این سازمان اداری و اقتصاد و فرهنگ و آموزش چیست و از کجا آمده و کارش در کجا و چرا می‌لنگد پرسش، پرسش فلسفی است. هر چند که مسائل اقتصاد و جامعه و فرهنگ و مدیریت و تعلیم و تربیت در علوم اجتماعی خاص طرح و پژوهش می‌شود. آیا طرح پرسشی که عنوان شد مداخله در علوم دیگر است؟ اینجا مسئله این نیست که سازمان‌های اداری را چگونه باید ترتیب داد یا اصلاح کرد و برنامه و روش تدریس چه و چگونه باید باشد. پرسش اینست که سازمان‌های اداری ما چه می‌کنند و راهنمای عمل و میزان و ملاک کار و کارکردشان چیست و آموزش و پرورش‌مان چه حاصلی دارد و آیا حاصل کارش با غایتی که از آموزش و پرورش در نظر است، تناسب و تناظر دارد یا نه و اگر سازمان اداری و نظام کار و درس و مدرسه بی‌سامان است، این بی‌سامانی از کجاست و چرا کارها سامان نمی‌یابد. آیا وجود و دوام بی‌نظمی و

بی‌سامانی نشانه دوری از خرد نیست؟ می‌بینید که این بحث‌ها ربطی به مشهورات ندارد و دعوت به این هم نیست که برویم خرد زمان‌های قدیم یا خرد رنسانس و دوران منورالفکری و ... را بیاوریم و راهنمای خود قرار دهیم زیرا آن خرد‌ها در تاریخ و با تاریخ تحقق یافته‌اند و در جایی پنهان نشده‌اند که آنها را پیدا کنیم. چرخ زمان و تاریخ معمولاً با نظم می‌گردد و اگر نام این نظم خرد باشد وقتی به گردش کارها نگاه می‌کنیم و این نظم را نمی‌یابیم، باید ببیندیشیم که مبادا راه خرد را گم کرده باشیم.

۲- پیداست که زندگی مردمان باید نظم و سامان داشته باشد و مصالح آن رعایت شود. اگر عقل مصلحت بین پیوندش از همه جا قطع شود و از جایی مدد نگیرد، کارش به سکون و مرگ می‌کشد. پس کسانی باید باشند که به تعبیر مولوی راهی به عقل عقل داشته باشند و اگر آشنای عقل عقل نمی‌شوند به باطن خرد دوران جدید راه یابند زیرا با رجوع به باطن علم و عقل ظاهر است که تشخیص مصالح و نظم و سامان زندگی امکان می‌یابد و ضمان می‌شود. اگر در جایی نظم و مصلحت گم شده است و حرف و قیل و قال فراوان است، عقل هم در کار نیست و می‌بینیم که با گم شدن عقل اکنون جهان در آستانه آشوب کلی قرار گرفته است. این آشوب را می‌توان در آخرین مرتبه به آشوب رابطه میان زمین و آسمان بازگرداند. اکنون وجود آدمی نیز مجال و میدان جنگ میان زمین و آسمان شده است. آدمی وقتی در بهترین وضع صلح و سلامت قرار دارد که رابطه لطف و دوستی میان آسمان و زمین وجودش برقرار باشد ولی در تاریخ‌ها هرگز برقراری این تعادل آسان نبوده است زیرا یا زمین وجود آدمی می‌خواهد به آسمان برود یا آسمانش می‌خواهد تا مرتبه زمین تنزل پیدا کند و این بالا رفتن و پایین آمدن صورت‌های متفاوت دارد. در قرون وسطی زمین وجود انسانی را خوار انگاشتند و آن را زائده آسمان (و نه سایه آن) یافتند. در دوره جدید سودای غلبه زمین بر همه چیز و من جمله بر آسمان پیش آمد. اکنون در مواقع و مواردی رؤیای قرون وسطی به صورت دنکیشتویسم با سودای تجدد در جان گروه‌های بزرگی از مردمان به هم آمیخته و آشوبی پدید آمده است که گرفتاران زمین از آسمان می‌گویند و اندک آسمانیان، مانده‌اند که در این واویلا روح و فکر

چه بگویند و چه نکنند. اگر کسی بگوید این آشوب به صورت بی‌خردی ظاهر می‌شود یا فرع و حاصل فقدان و گم شدن خرد و بی‌بهره شدن آدمی از آنست، چندان بی‌بهره نگفته است. شاید بگویند در نقد خرد نباید تا آنجا پیش رفت که وجود آن را به کلی نفی کرد و نگران آشوب و پریشانی و سرگشتگی و تباهی کلی بود. در اینجا غرض انکار عقل یا نفی دعوت به جستجوی آن نیست بلکه سخن در تلازم عقل و سلامت نظام زندگی است. هر جا این سلامت نباشد باید نگران پشت کردن خرد بود. عقل، فرع تفکر است. اگر این فرع نباشد سیاست و اخلاق به خطر می‌افتد. در دهه‌های اخیر اختفای خرد در همه جای جهان کم و بیش احساس می‌شود. تا اوایل قرن گذشته میلادی اگر به اروپا نگاه می‌کردیم، آن را عالمی بالنسبه منظم اما پراز تضاد می‌دیدیم که آزادی و قهر و عدل و ظلم و حق و باطل را با هم می‌خواست. ما هم در دهه‌های اخیر گاهی نسبت خود با غرب را در ذیل غربزدگی تفسیر کرده‌ایم و مثلاً شرط آزادی و رهایی از قید ستم و قهر سیاسی و اقتصادی را گذشت از غربزدگی دانسته‌ایم. کسانی هم در غرب و جهان توسعه یافته سخن از گذشت از تجدد و پایان و زوال خردی که تجدد با آن ساخته شده است می‌گویند و گشایش راه آینده را در این گذشت می‌دانند. اما اینجا غربزدگی لایه‌های سخت‌تری دارد. اینکه معنی غربزدگی چنانکه باید در دیار ما درک نشد، بی‌وجه نبود زیرا ما هنوز با خرد تجدد آشنا نشده، گرفتار وجهی از غربزدگی شدیم که راه به هیچ جا نمی‌یافت. اگر کسانی گمان کردند که غربزدگی ای‌تلا به بیماری تقلید از غرب است، ملامتشان نباید کرد. غربزدگی در اصل وضعی است که در آن آدمی با غرور، خود را بنیاد و دائرمدار هستی می‌داند و زمانی که ناتوانان و ناتوان‌ترها و بی‌خبران دچار چنین داعیه‌ای شوند، نگران زوال خرد باید بود و مگر در این زمان چشم‌ها نابینا و گوش‌ها کر و زبان‌ها لال یا مبتلی به بی‌پرواگویی نشده است؟ راستی چشم‌ها چرا ورطه خطر نمی‌بینند و سخن تذکر در گوش‌ها نمی‌گیرد. چه شده است که زشت را زیبا و زیبا را زشت، حق را ناحق و ناحق و باطل را حق و خوب را بد و بد را خوب می‌بینیم تا آنجا که گاهی در نمی‌یابیم که مثلاً ۲ از ۷۴ کوچک‌تر است و اگر ۲ را بزرگ‌تر بدانیم کسی اعتراض نمی‌کند.

۳- تاریخ غربی با ظهور انسان مدنی بالطبع در فلسفه ارسطو آغاز شد. در وجود انسان مدنی بالطبع بود که سیاست و زندگی با هم کنار آمدند یا زمینه کنار آمدنشان فراهم شد. به نظر بنیانگذاران فلسفه، مدینه جایگاه شایسته زندگی انسانی بود. بی‌وجه نیست که در فلسفه افلاطون و ارسطو این همه بر اخلاق و فضایل تأکید می‌شود. در نظر این دو فیلسوف، سیاست و اخلاق کاملاً به هم بسته‌اند. اینکه می‌گویند ارسطو بیش از استادش به اخلاق و استقلال آن از سیاست مایل بوده است، در نظر ظاهر نادرست نیست اما وقتی خوب تأمل کنیم درمی‌یابیم که مسئله به هیچ وجه مسئله تقدم مدینه بر اخلاق یا اخلاق بر مدینه نبوده است. مسئله اینست که آدمی به عنوان عضو مدینه شأنی ورای وجود فردی که مجموعه‌ای از نیازهای حیوانی است، دارد. به این نکته مخصوصاً از آن جهت باید توجه شود که انسان موجودی که صرفاً مجموعه‌ای از نیازهای طبیعی به علاوه قوه عاقله باشد، نیست. بلکه عقل او با زندگی مدنی ملازمه دارد. اگر این را آغاز تاریخ غربی بدانیم باید ببینیم این تاریخ چگونه بسط یافته و مخصوصاً در دوره جدید چه صورتی پیدا کرده است. تاریخ، تاریخ انسان است و دوران‌ها را می‌توان بر حسب اینکه انسان در آنها چه شأن و مقامی دارد، از هم تشخیص داد و تفکیک کرد. از شرق قدیم و حکمت آن در این جا نمی‌توان بحث کرد. اکنون دیگر شرق وجود ندارد و جهان کنونی یکسره غربی است. تاریخ غربی هم از یونان آغاز شده است. در تفکر قدیم انسان اگر شأنی داشت به اعتبار مظهریتش بود. او آئینه و مظهری بود که در آن حق پدیدار می‌شد. در جهان یونانی انسانی ظهور کرد که لایق زندگی در مدینه دوستی و آزادی بود. یونانیان مدینه را نیز از روی نظام جهان صورت‌پردازی کردند. آدمی علم و عقل را از جهانی فرامی‌گرفت که دارای مراتب بود و عقل و علم مراتب والای آن به حساب می‌آمد. یونانیان بر اساس سنخیت وجود آدمی و فهم و خرد او با جهان، بنای علم مطابق با واقع را گذاشتند. در دوره اسلامی و در قرون وسطی با اثبات وجود ذهن، اصل مطابقت علم با واقع پذیرفته و تحکیم شد اما این مطابقت را خدا ضمان می‌شد زیرا خداوند عین علم و وجود بود.

۴- بحث در اینکه این تحول و نزدیک شدن دین و فلسفه به





یکدیگر چه اثری در تحول تاریخ و پدید آمدن دوران تجدد داشته است، مجال دیگر می‌خواهد. مراد از طرح مسئله علم این بود که بدانیم که علم مزیتی برای انسان و بخشی بزرگ به او بود و اگر صورت اخیر آن بیشتر با قدرت نسبت دارد به قهر و ویرانگریش نیز باید اندیشید. در دوره جدید چون معنی واقعیت تغییر کرد اصل مطابقت در علم و عقل جدید هم دیگر جایی نداشت. هر چند که در فهم و عقل مشترک همه و حتی بسیاری از دانشمندان به حکم مشهور علم را مطابق با واقع می‌دانند البته از نظر استادان فلسفه اسلامی و پیروان توماس آکوینسی هنوز اصل مطابقت معتبر است و شاید تردید در آن موجب تعجب شود ولی در این تردید نیست که با پیش آمد تجدد، نظم قدیم بر هم خورده و سنخیت علم و عالم و معلوم دیگر وجه و مناسبت سابق را ندارد زیرا در فلسفه جدید خودآگاهی دکارتی و شک هیومی و فهم کانتی و طرح خرد و روان هگلی جایی برای اصل مطابقت باقی نگذاشته است. تا این معانی درک نشود به دشواری می‌توان دریافت که علم جدید یکی از لوازم تجدد و ستون اصلی جهان جدید و عین قدرت آنست. این قدرت گرچه با بشر و به دست او اعمال می‌شود اما در اختیار اشخاص و گروه‌ها و حتی سیاست‌ها نیست. وقتی سوژه انسانی ظهور کرد رؤیای نیل به جهان آزادی و صلح و سلامت هم پدید آمد و در این راه کوشش‌هایی به عمل آمد که بی‌نتیجه نبود ولی سوژه در همان وضع و جایی که در قرن هجدهم داشت باقی نماند بلکه پس از اینکه به قدرت رسید، به تدریج دچار ضعف شد و اکنون دیگر انسان سوژه نیست بلکه تکنیک سوژه است. منتهی مردم جهان و حتی آنان که سوژه بودنشان چیزی بیش از میل به سوژه شدن نبود، از اینکه تکلیف همه چیز با قدرت تکنیک معین می‌شود، خبر ندارند و نمی‌خواهند خبردار شوند. اینکه کار قدرت علم تکنولوژیک به کجا بکشد خدا می‌داند. این قدرت با وهمی قرین است که نمی‌گذارد آن را بشناسند زیرا در همه جا این پندار غالب است که علم و عقل در خدمت بشر و برای خیر و صلاح او به وجود آمده و اختیارش هم به دست آدمیان است که آن را هرجا و به هر نحو که خواستند به کار ببرند نسبت آدمی با علم و تکنیک را نیز به دشواری می‌توان دریافت اما این سهل و ساده است که بگوییم

بشر اختیار تکنیک را به دست دارد و مخصوصاً سیاست‌ها و سیاستمداران بر این اختیار تأکید می‌کنند ولی از دهه‌های دوم و سوم قرن بیستم تحولی در علم و فلسفه سیاست پدید آمده و در پایان این قرن گفتار بعضی از صاحب‌نظران حاکی از عریانی و بی‌پناهی سیاست در عین داعیه‌داری آنست. آیا سیاست در ظاهر همه‌کاره، در واقع هیچ‌کاره است؟ به این پرسش دشوار پاسخ آماده نمی‌توان داد. در برابر نظر ارسطو در باب «انسان مدنی بالطبع» رأی فوکو را می‌توان در نظر آورد که نسبت زیست و مدینه را در تغییر معنی زیست دیده و سیاست دوره جدید را سیاست زیست حیوانی انگاشته است. نمی‌دانم آیا فیلسوف فرانسوی به تغییر در زیست‌شناسی انسان فکر می‌کرده است یا صرفاً در ترکیب زندگی و سیاست، زندگی را زندگی حیوانی می‌دیده است. تا آنجا که من درک می‌کنم هرگز و هیچوقت انسان حتی اگر از مرتبه بی‌گناهی حیوانی بسیار دور شده باشد، نه فرشته شده است و نه حیوان محض. آدمی هرگز در زندگی از راستی و نیکی و زیبایی به کلی چشم برنداشته است. هر چند که گاهی همه این‌ها را پایمال و برپیر کرده باشد. از ظواهر عبارات فوکو و لحن سخنان بر نمی‌آید که او در بیان خود درباره سیاست قصد تخفیف و ناچیز انگاشتن جامعه مدرن داشته و تنزلی در جایگاه سیاست می‌دیده است. تجربه قرن بیستم متفکران را محتاط کرده است که در نفی وضع موجود در شرایط فروبستگی افق آینده تند نروند. وانگهی اگر اروپاییان برای پایداری یونانی‌چندان اعتبار قائلند که بعضی از مدرن‌ترین‌هایشان دوران مدرن را قاصر از تأسی به پایداری یونانی می‌دانند ضرورتاً عصر جدید و تجدد را ناچیز نمی‌انگارند. فوکو راست می‌گفت که سیاست جدید در کار اقتصاد و جمعیت و بهداشت و آموزش به برآوردن نیازهای کم و بیش طبیعی (نیازهای لذاته و لغیره) آدمیان نظر دارد و این دگرگونی بزرگی در تفکر سیاسی است. اگر ارسطو مدینه را جایگاهی می‌دانست که آدمیان در آن می‌توانستند به کمال و سعادت برسند، جامعه جدید را کسی جایگاه سعادت ندانسته است. این جامعه گرچه به نحو ارگانیک بسط می‌یابد و مراتب و درجات قوت و ضعف و کمال و نقص دارد، مجال و جایگاه ارتقاء آدمیان به منازل کمال اخلاقی و روحی نیست. انسان جامعه جدید

تاریخ‌ها و دوران‌های تاریخی بازگشت و طفره وجود ندارد. در تاریخ گسست روی می‌دهد و بزرگترین گسست‌های تاریخی در دوره تجدد و بر اثر نفوذ و قدرت تجدد در سراسر روی زمین روی داده است. اکنون آینده کشورها با هر سابقه تاریخی که باشند از سرنوشت تجدد جدا نخواهد بود. البته در هیچ جا در مورد اعراض و بازگشت از تجدد، نظر صریحی اظهار نشده است. مگر اینکه مخالفت‌ها را بر اعراض حمل کنیم. اگر روزی هم گذشت از تجدد که هنوز به تفکر در نیامده و شرایط امکان آن فراهم نشده است ممکن شود، راه آن به گذشته برنمی‌گردد بلکه راهی به سوی آینده است و کسی می‌تواند این راه را بجوید و بیابد که با صبر و طاقت بسیار در وضع تاریخی کنونی، تفکر کند و نسبت خود را مخصوصاً با گذشته دریابد ولی در باب چیزی که آثار و نشانه‌های آن هنوز در هیچ جا و بخصوص در تیرگی جهان توسعه نیافته به هیچ وجه پیدا نیست، چه می‌توان گفت؟ جهان توسعه نیافته که هنوز به نامرادی‌ها و ناتوانی‌های خود وقوف ندارد، به جای اینکه به فکر حل مسائل جهان و برقراری عدالت در سراسر روی زمین باشد اگر می‌خواهد راه طی شده تجدد را پیماید، حداقل با نظم و آهنگ پیشرفت غربی آشنا شود و مسائل خود را بشناسد و علم و محکم کاری تکنیک را فراگیرد و به کار برد

شاید برده‌ای باشد که عنوان و نام برده ندارد. این انسان هرچه باشد جهان را راه نمی‌برد بلکه به راه جهان می‌رود و چه بسا که قربانی هیچ و پوچ می‌شود. این دعوی که ما از علم و تکنولوژی به هر نحو و در هر راه که بخواهیم بهره می‌بریم، نشان غفلت از وجود خویش و بیگانگی با زمان و جهان است.

۵- می‌بینیم که اکنون دیگر غربزدگی به صورتی که در تاریخ جدید غربی و در میان ما پدید آمده است، معنای اخلاقی نمی‌تواند داشته باشد و نباید برچسبی برای ملامت و تحقیر و تحقیر تلقی شود ولی در زبان ما لفظ غربزدگی معمولاً بر وضع تقلید از رسوم و آراء و افکار غربی و قبول بی‌تأمل آنچه در غرب پدید آمده است، اطلاق می‌شود و معنی تقلید از غرب و تصدیق و قبول بی‌چون و چرای رسوم غربی دارد و در این معنی است که غربزدگی با بی‌خردی ملازمت پیدا می‌کند. غربزدگی نمی‌گذارد که از خود بیرسیم با غرب و تجدد غربی چه باید کرد؛ و حتی نمی‌گذارد در عین مخالفت شدید با غرب از اجرای هیچ رسمی از رسوم آن سرپیچی کنیم. کار آسان اما بی‌ثمر اینست که غرب را بی‌چون و چرا بپذیریم یا رد کنیم. پذیرفتن بی‌چون و چرایش بی‌خردی در صورت ساده‌لوحی است اما رد و انکارش قبل از تأمل سادگی و ساده‌لوحی نیست و نمی‌دانیم چه

را هوموساکر اگامبن (فیلسوف معاصر ایتالیایی) هم نمی‌توان دانست. هوموساکر آدمی است که دیگر کرامت ندارد. من به درستی در نمی‌یابم که چگونه انسان در جامعه و سیاست جدید هوموساکر شده است (آنچه می‌فهمم اینست که تروریسم می‌خواهد به نظریه حکومت مبدل شود و جای سیاست را بگیرد. در این تلقی، انسان گوشت قربانی و موجودی هیچ و پوچ است که هم آسان و بی‌دلیل می‌کشد و هم ارزان کشته می‌شود. او موجودی برای کشتن و کشته شدن با بی‌رحمانه‌ترین روش‌هاست). فهم این قضیه که انسان جدید چگونه به هوموساکر مبدل می‌شود، دشواری‌ها دارد. این اشکال را به رأی و نظر فوکو هم می‌توان گرفت که زیست و زندگی در گفتار او بسیار کلی است. فوکو به زیست تن نظر دارد و این زیست گرچه می‌تواند زیباشناختی باشد، اخلاقی نیست و شاید از یک حیث به «زندگی در خانه» ارسطو (یعنی کار و زندگی فارغ از اخلاق و سیاست) نزدیک باشد. خانه در مدینه ارسطو جای زحمت و تولید بود. عوامل عمده‌اش زنان و بردگان بودند. آنها در سیاست مدینه دخالت نمی‌کردند و وظیفه‌شان زحمت کشیدن و تحمل کار شاق و دشوار بود. هوموساکر اگامبن گرچه به تاریخ روم تعلق دارد، در اصطلاح فیلسوف و در زمان ما



نامی باید به آن داد. این انکار و رد گاهی به این می ماند که کسی گرفتار خصم بیرون باشد و آسیب های او را تحمل کند و مدام به او ناسزا بگوید و بپندارد که با ناسزاگویی و توهین لفظی کار خصم را می سازد. ظاهراً ما هنوز فکر نکرده ایم که تجدد چه برای جهان آورده و با ما چه کرده و ما با آن چه باید بکنیم؟ این مسائل را صرفاً با رجوع به عقل مشترک نمی توان حل کرد. این پرسش ها، پرسش های عملی و تاریخی است. وقتی می پرسیم چه باید بکنیم برای پاسخ دادن اگر بتوانیم باید به همان چیزی رجوع کنیم که ارسطو آن را فرونزیس (خرد عملی و فضیلت عقلی) نامیده است. فرونزیس کجاست و آیا همه ما آن را در خزانه روح خود داریم که هر وقت لازم شد از آن مدد بگیریم. پاسخی که در این مجال می توان داد اینست که همه ما می توانیم از فضیلت عقلی (فرونزیس) برخوردار و بهره مند باشیم اما همه مردمان همیشه به آن راه ندارند و گاهی از آن بسیار دور و بی بهره اند. اگر ما بتوانیم معنی پرسش ساده و کوچک «با تجدد چه باید کرد» را به درستی دریابیم محالی برای جلوه و ظهور فضیلت عقلی فراهم آورده ایم یا درست بگویم رسیدن به این پرسش و فهم و دریافت آن نشانه ظهور خرد عملی و فضیلت عقلی است. برای مردمی که رسوم تجدد در زندگیشان وارد شده و آن را آشفته کرده است (نه اینکه با آن زندگی کرده باشند) طرح این پرسش و جستجوی خردی که بتواند به آن پاسخ بدهد، باید مهمترین مسئله باشد. همه مسائل فلسفه در نظر یک دانشجوی فلسفه مهم است اما در هر زمان و هر وقت و موقع تاریخی مسائلی هست که بر مسائل دیگر تقدم دارد. اگر بتوانیم بپرسیم که در برابر تجدد چه می توانستیم بکنیم که نکردیم و اکنون چه می توانیم و چه باید بکنیم گویی جای پیمان را در جایی محکم کرده ایم و چه بسا که بتوانیم راه بجویم. در برابر تجدد بر خلاف پندارهای غالب، دو یا چند راه گشوده و هموار وجود نداشته است و وجود ندارد که بتوان یکی را برگزید. اگر کسانی گمان می کنند که تسلیم و قبول بی چون و چرا یا مخالفت نیندیشیده دو راه معین و معلومند، بهتر است اندکی بیندیشند تا دریابند که این دو، دو راه نیستند بلکه اوهام ناشی از ناتوانی ادراک و توجیه کننده انصراف از تفکر و استنکاف از سعی و پیمودن راهند. وقتی

می پرسیم در برابر تجدد چه باید کرد، اولین مرحله باید خروج از سکون و توقف برای گشودن راه باشد. این راه چه می تواند باشد. بسته به اینکه تجدد چگونه درک شده باشد، راه متفاوت می شود. این راه هر چه باشد و به هر جا برسد، نه می تواند از تجدد اعراض کند و نه توان دور زدن آن را دارد بلکه حتی اگر راهی و رای راه تجدد می تواند و باید گشوده شود، ناگزیر از درون تجدد می گذرد. در تاریخ ها و دوران های تاریخی بازگشت و طفره وجود ندارد. در تاریخ گسست روی می دهد و بزرگترین گسست های تاریخی در دوره تجدد و بر اثر نفوذ و قدرت تجدد در سراسر روی زمین روی داده است. اکنون آینده کشورها با هر سابقه تاریخی که باشند از سرنوشت تجدد جدا نخواهد بود. البته در هیچ جا در مورد اعراض و بازگشت از تجدد، نظر صریحی اظهار نشده است. مگر اینکه مخالفت ها را بر اعراض حمل کنیم. اگر روزی هم گذشت از تجدد که هنوز به تفکر در نیامده و شرایط امکان آن فراهم نشده است ممکن شود، راه آن به گذشته بر نمی گردد بلکه راهی به سوی آینده است و کسی می تواند این راه را بجوید و بیابد که با صبر و طاقت بسیار در وضع تاریخی کنونی، تفکر کند و نسبت خود را مخصوصاً با گذشته دریابد ولی در باب چیزی که آثار و نشانه های آن هنوز در هیچ جا و بخصوص در تیرگی جهان توسعه نیافته به هیچ وجه پیدا نیست، چه می توان گفت؟ جهان توسعه نیافته که هنوز به نامرادی ها و ناتوانی های خود وقوف ندارد، به جای اینکه به فکر حل مسائل جهان و برقراری عدالت در سراسر روی زمین باشد اگر می خواهد راه طی شده تجدد را پیماید، حداقل با نظم و آهنگ پیشرفت غربی آشنا شود و مسائل خود را بشناسد و علم و محکم کاری تکنیک را فرا گیرد و به کار برد. در این مقام باید به نکته ای که شاید تا این اواخر به آن توجه نشده است اندیشید. قبلاً گفته شد که معمولاً عقل را با هوش و دانش اشخاص و نخبگان قوم اشتباه می کنند. هوش یک استعداد روان شناسی است که اشخاص از آن کم و بیش بهره دارند. این هوش ارثی و شخصی است و با آن می توان علم آموخت یا ثروت اندوخت و ... کار اصلی هوش فراگرفتن دانش های رسمی و حل مسائل است که اشخاص در زندگی با آن مواجه می شوند. هوش به عقل نزدیکتر است تا به

کار اصلی هوش فراگرفتن دانش‌های رسمی و حلّ مسائلی است که اشخاص در زندگی با آن مواجه می‌شوند. هوش به عقل نزدیکتر است تا به حماقت اما همیشه با حماقت در نمی‌افتد و گاهی به آسانی با آن می‌سازد و به آن عادت می‌کند. هوش هم در دوران عقل وجود دارد و هم در زمان بی‌خردی. اما عقل امری تاریخی است که در زمانی هست و در زمانی دیگر نیست و مگر یونانیان و هندیان و چینیان و ایرانیان در زمان‌هایی صاحب خرد بزرگ نبوده‌اند

خوبی‌ها، فرآورده‌های مطلوب جهان جدید است و بدها هم هر چیزی است که در نظر گیرنده پسندیده نیست ولی مشکل اینست که تاریخ را با گزینش نمی‌سازند. آن که در سودای خود تاریخ را می‌سازد و مواد آن را از دیگران می‌گیرد باید یک طرح کلی در نظر داشته باشد و مواد و مصالحی را که می‌گیرد، بشناسد و بداند در کجا و در چه زمانی به کار می‌آیند. در غیر این صورت او اهل اختیار و انتخاب نیست بلکه مقلدی است که خود را مجتهد می‌انگارد. پیداست که با مطلق‌گزینش مخالفت نمی‌توان کرد پس اندکی به شرایط آن بیندیشیم. گزینش اولاً موقوف و موقوف به برخورداری از خرد تجدد است و تا این خرد نباشد گزینش ممکن و میسر نمی‌شود و شاید دعوی آن وجهی نداشته باشد و ثانیاً گزینش، گزینش اجزاء و جزئیات در نسبت و ارتباطشان با یکدیگر و با اصول و کلیات است زیرا اجزاء یک تاریخ به هم پیوسته‌اند نه اینکه هر یک به صورت مستقل در کنار هم قرار گرفته باشند و وجودشان مستقل از یکدیگر باشد. من در سی چهل سال اخیر تاوان مشروط دانستن این گزینش را کم و بیش پرداخته‌ام اما اکنون می‌توانم پیش‌آمدهای زمان و تاریخ این چند ده ساله را به شهادت بخوانم و بگویم که طرح گزینش چه سودای خام و محال و بیهوده‌ای بوده

حماقت اما همیشه با حماقت در نمی‌افتد و گاهی به آسانی با آن می‌سازد و به آن عادت می‌کند. هوش هم در دوران عقل وجود دارد و هم در زمان بی‌خردی. اما عقل امری تاریخی است که در زمانی هست و در زمانی دیگر نیست و مگر یونانیان و هندیان و چینیان و ایرانیان در زمان‌هایی صاحب خرد بزرگ نبوده‌اند. عقل در درکی که مردم از خود و مبدأ وجود و نیز از زندگی با دیگران در جهان دارند، ظاهر و متحقق می‌شود. عقل را نمی‌توان از معلم رسمی در مدرسه فراگرفت و آن را در مدرسه نمی‌آموزند. اگر در جایی سیاستمداری مدبر پیدا می‌شود که رهبری زندگی و فرهنگ و علم و عمل و اصلاح زندگی مردم را به عهده می‌گیرد، قاعدتاً باید جوانه‌ای از خرد جهان بین در آنجا رویداده باشد. گردانندگان چرخ سیاست، مظاهر پیوستگی و گسیختگی پیوندهای مردم با یکدیگر و با جهان خویشند. اگر پیوستگی غالب است، عقل هم وجود دارد اما وقتی این پیوندها سست می‌شود، هوش و زیرکی و قهر جای خرد را می‌گیرد و دواعی گوناگون پدید می‌آید و چه بسا که هرکس در پی حرص و هوس خود می‌رود. مراد این نیست که برخورداری از خرد تجدد، مایه کمال انسانی است و گذشتگان که با چنین خردی آشنایی نداشتند ناقص و درمانده بودند. خردی که از بود و نبودش بحث می‌کنیم مشکل‌گشای همیشه و همه چیز نیست بلکه داروی درد این زمان و شرط لازم زندگی در این جهان است. اگر این خرد قصورها دارد بی‌خردی را نمی‌توان بر آن ترجیح داد و دعوی‌ها و داعیه‌های بی‌وجه و نامناسب را که راه به جایی نمی‌برد نباید به جای آن گذاشت. وقتی کسانی می‌گویند تجدد را به صورتی خاص و با اصلاح‌ها و تعدیل‌هایی که در نظر دارند، می‌پذیرند اگر نظر به امکان‌های تاریخی خود داشته باشند شاید سخن بخردانه می‌گویند اما بسیار اتفاق افتاده است که اصلاح‌ها و تعدیل‌های پیشنهادی تمنای محال بوده است.

۶- مشهورترین و البته سطحی‌ترین و مقبول‌ترین تلقی از تجدد در جهان در حال توسعه اینست که آن را مجموعه خوب‌ها و بدها بدانیم و گمان کنیم که می‌توان خوب‌هایش را اختیار کرد و بد‌هایش را وا گذاشت. این تلقی چندان کلی و توخالی است که معلوم نیست راجع به چیست. مع‌هذا فرض کنیم که مراد از

است. این سودا با ظاهر بسیار موجهش یک خیال خام است و چون در عمل محقق نمی‌شود راه را می‌بندد و زندگی مردمان و افکار و اذهان آنان را پریشان می‌کند و بر بی‌خردی و ناتوانی سرپوش می‌گذارد و مهلت بی‌عملی و بی‌فکری را تمدید می‌کند. می‌گویند اگر انتخاب نباشد خوب و بد را با هم باید پذیرفت. مسئله اصلی، مسئله فهمیدن و شناختن است نه پذیرفتن و اخذ کردن. مسئله، مسئله با هم پذیرفتن یا نپذیرفتن خوب و بد نیست. مردمان در تاریخ چیزی می‌شوند نه اینکه صرفاً چیزی را بپذیرند. پذیرفتن خوب‌ها وقتی پیش می‌آید که امکان و مجال و آمادگی گزینش فراهم شده باشد و کسانی بر سر دوراهی انتخاب قرار گرفته باشند زیرا انتخاب در هنگام فعل و قرار گرفتن بر سر دوراهی و چند راهی صورت می‌گیرد. اکنون ما در چنین مجالی قرار نداریم. تازه به فرض فراهم بودن مجال انتخاب باید فکر کرد که چگونه می‌توان خوب‌ها را گرفت و بد‌ها را وا گذاشت تاریخ، فروشگاه و انبار کالا نیست که اشیاء را بی ارتباط با هم چیده باشند و بتوان بعضی را انتخاب کرد. اگر این امکان بود چرا تاکنون به جای خوب‌ها در بسیاری موارد بد‌ها را گزینش کرده‌اند یا خوب‌هایی را که گزینش کرده‌اند، خوب نمانده و بد شده است. ما در برابر کالاهای عرضه شده در بازاری نیستیم که هر چه می‌خواهیم برداریم و آنچه را که نیاز نداریم واگذاریم بلکه با تاریخی مواجهیم که جریان دارد. در این تاریخ محدودیت‌ها و امکان‌هایی هست. اگر اهل اختیاریم، در تحقق امکان‌ها می‌کوشیم و البته هر چه دامنه امکان‌های فرا روی ما وسیع‌تر باشد، اختیارمان بیشتر است اما اگر به امکان‌ها و محدودیت‌ها کاری نداریم و لوازم و شرایط تحقق چیزها و کارها را نمی‌دانیم، جز سودای محال و دعوی‌های بیهوده کاری نمی‌توانیم بکنیم و دست خالی می‌مانیم. تاریخ تجدد مجموعه‌ای از وسایل و کالاها و اشیاء پراکنده نیست. البته در نظر ظاهرین همه چیز و از جمله تکنولوژی وسیله‌ای در خدمت انسان است و پیروی از حکومت تکنیک ادراک نمی‌شود و چه بسا که آن را پیروی از حقیقت بیندارند. غافل از اینکه تکنیک قائمه جهان کنونی است و این جهان را راه می‌برد. کسی که آن را مجموعه‌ای از وسایل کاربردی می‌داند، نسبت درست با جهان تکنیک ندارد و از این

نسبت چیزی در نمی‌یابد. در تاریخ یکصد سال اخیر اتفاق افتاده است که کشورهایی به تکنولوژی خاص توجه و اهتمام کرده و در اقتباس، آنها را بر دیگر تکنولوژی‌ها مقدم دانسته و کم و بیش پیشرفت کرده‌اند. در این باب معمولاً وضع علم و تکنولوژی در هند را مثال می‌زنند. هند و شاید شرق آسیا هنوز به کلی از حکمت و خرد قدیم نبوده‌اند و درکی از تجدد و جهان جدید هم دارند و به این جهت است که با اختلاف‌های بسیار در زبان و آئین، تا حدودی از ثبات و نظم و سامان سیاسی و اجتماعی و دینی برخوردارند. پس در امکان اخذ و اقتباس گزینش به طور کلی نزاع و اختلافی نیست. در مرحله توسعه صنعت و تجارت، تاجران و صاحبان صنایع علائق خاص و اختیارهایی دارند اما اگر از قانون و نظم و هماهنگی تکنیک سرپیچی کنند، کار به ناهماهنگی و ناکارآمدی و بی‌تعادلی می‌کشد. گفتن این که ما علم و تکنولوژی را می‌خواهیم به شرط اینکه چنین و چنان باشد و به حرف ما گوش بدهد، نشان اختیار و گزینش نیست. حاکی از نشناختن جهان و تمنای محال است. آدمیان از اختیار برخوردارند اما این اختیار همیشه در حدود امکان‌های تاریخی محدود است. نه اینکه اختیار مطلق و مستقل از تفکر و عمل داشته باشند و بتوانند با زمان و تاریخ هر چه می‌خواهند بکنند. اگر چنین بود خیلی زود زمین به بهشت برین مبدل می‌شد. این همه مدعیان بی‌خرد که در تاریخ بوده‌اند و هستند با تحمیل امیال و هوس‌ها و اوهام خود چهره جهان را از آنچه هست زشت‌تر می‌کردند و جهان را زودتر به سمت نابودی می‌بردند.

۷- همواره در جهان نظمی چه خوب و چه بد بر زندگی مردم زمان حاکم بوده است و هم اکنون هم هنوز از آن نشانی هست. البته صورت‌های این نظم در دوره جدید پیوسته دگرگون می‌شده است و صورت اروپایی قرن نوزدهم آن در قیاس با دوران‌های دیگر تجدد و مخصوصاً با نظام زندگی در ادوار دیگر جلوه خاص یافته و با نظر به همین جلوه است که کسانی تجدد را صورت کامل یا بهترین صورت زندگی بشر می‌انگارند و دموکراسی و سوسیالیسمش را لیبرال دموکرات‌ها و سوسیالیست‌ها بهترین روش و دستورالعمل سیاسی و گاهی مطلق سیاست تلقی می‌کنند. اکنون وضع جهان متجدد

قدری تغییر کرده است چنانکه کشورهایی که در نظم تجدد پیشگام سیاست و شیوه زندگی جدید بوده‌اند با بحران‌های گوناگون اقتصادی و سیاسی و اخلاقی مواجهند و ناگزیر باید به خطر انحطاط بیندیشند. جهان توسعه نیافته هم بی‌اعتنا به تاریخ در اوهام سرگردان است و نمی‌داند هنوز در جهان کنونی راهی جز راه توسعه ندارد و اگر کشوری این راه را طی نکند چه بسا که در معرض خطر فساد کلی قرار گیرد اما راه توسعه را بدون اراده به پیشرفت و خود آگاهی به وضع تاریخی جهان و امکان‌های کشور خود نمی‌توان پیمود. یعنی با خود آگاهی به وضع خود است که می‌توان نسبت با تاریخ غربی را دریافت و راه توسعه را پیمود. این راه جویی در حقیقت نحوی مشارکت در خرد متجددان است. کسانی ممکن است این مشارکت را تسلیم بدانند یا بگویند اکنون دیگر گوش دادن به خرد تجدد دیر شده و وقت آن گذشته است. پیداست که شریک بودن با تسلیم شدن تفاوت دارد. ولی به هر حال ما باید برای آینده فکری بکنیم. گاهی این اشتباهات پیش می‌آید. چنانکه ممکن است کسانی دم از استقلال رأی و آزادی در عمل بزنند. اینها تازمانی که راهی نیافته‌اند (راه، حرف نیست بلکه باید بتوان آن را به رونده نشان داد و در آن سیر کرد) چه بسا کورکورانه از سطح و ظواهر افکار و اعمال پراکنده غربی پیروی کنند و از این پیروی بی‌خبر باشند و حتی شاید پندارند که با استقلال رأی و فکرو با صرف همتی عظیم راهی تازه گشوده و پیش گرفته‌اند. من از دهه‌های چهل و پنجاه با توجه به آغاز دوران پایان تجدد فکر می‌کرده‌ام که نظم غربی کم‌کم دارد خلل برمی‌دارد و بعید نیست که با انقلابی نظیر رنسانس از پا درآید. هنوز هم به این امکان فکر می‌کنم ولی اولاً نشانه‌های یک نهضت روحی و فکری هنوز پیدا نیست. ثانیاً بنای تاریخ ناگهان فرو نمی‌ریزد. چنانکه تاریخ غربی در کهنسالی‌هایش هنوز قدرت آن را دارد که به قول مارکوزه، فرهنگ‌ها و اقدام‌ها و نظرهای مخالف را کانالیزه کند و حتی با اقدام به تحریف آئین‌ها و اعتقادات و کلمات وحی و کتب آسمانی مثلاً از اسلام تروریسم بسازد و مظاهر تبه‌کاری و جنایت و آدم‌کشی عصر مثل بوکو حرام و بن لادن و داعش را مظاهر اسلام معرفی کند. این حادثه برای اولین بار اتفاق نیفتاده است. کار تاریخ، پوشاندن و آشکار

کردن است اما این بار حقیقت در پرده و حجاب نرفته بلکه در مرداب تباهی و نیستی افتاده است. روشنفکرانی که بزرگ‌ترین نگرانشان همکاری فلان فیلسوف یا شاعر با سیاست‌های سرکوبگر و توجیه آن سیاست‌هاست باید توجه کنند که اولاً دنبال مقصر گشتن و بار شکست و ناتوانی را بر دوش دیگران گذاشتن، توجیه ناتوانی در فکر و عمل است. ثانیاً امثال کارل اشمیت که از هیتلر پشتیبانی کردند تأییدشان چندان مؤثر نبوده است که بلایای تاریخی قرن بیستم را به حساب آنان بگذاریم. رابعاً در بحبوحه انحطاط و فساد تجدد مآبی یکسره از صلاح و فساد تجدد گفتن، نادیده گرفتن شرایط زمان و چشم پوشیدن از خطر و فساد است که همه جهان اعم از متجدد و متجددمآب را تهدید می‌کند. در این شرایط بهترین کاری که می‌توان کرد، اندیشیدن به مسائل و اوضاع موجود و سعی در اصلاح آنها با انتظار فعال و رو کردن به تفکر آماده‌گر است. در این انتظار نه فقط توسعه یک نیاز اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است بلکه چگونگی سیر تاریخی آن نیز که می‌تواند جزئی از طرح آماده‌گری باشد، اهمیت دارد. کسی که آماده می‌شود باید بداند که برای چه پیش آمدی باید آماده شود؟ وقتی جهانی رو به تحلیل می‌رود ساکنان آن اگر به آنچه می‌گذرد و پیش می‌آید خود آگاهی یابند، این امکان وجود دارد که از درون حادثه جوانه‌های جهان دیگری بروید و چه بسا که این جوانه‌ها در آب و هوای حکمت و معرفت رشد کند و برو بار بدهد. آثار این آماده‌گری گرچه هنوز در جهان توسعه نیافته ظاهر نشده، جلوه‌هایش را در تفکر جهان غرب کم و بیش می‌توان یافت. جهان توسعه نیافته هنوز نگران آینده نیست. گویی مشکلی در راه خود نمی‌بیند (و چه بسا که راهی نمی‌شناسد و به راه کاری ندارد) و اگر با او از مسائل و مشکلات بگویند، آنها را به چیزی نمی‌گیرد و چون به امکان‌های تاریخی نمی‌اندیشد مسئله و مشکلی هم ندارد. هر تاریخی پایانی دارد تاریخ غربی هم گرچه هنوز قدرتمند است، به پایان خود نزدیک شده است و شاید ظهور نیهیلیسم به صورت تروریسم از نشانه‌های نزدیک‌تر شدن به پایان باشد. مع‌هذا تاریخ

غربی با تروریسم از پا در نمی‌آید و اگر خدای ناکرده تروریسم جهان موجود را از پا درآورد و کار جهان به دست تبهکاران و آدم‌کشان بیفتد کار آدمی ساخته شده است و دیگر تاریخ و آینده‌ای وجود نخواهد داشت و به وجود نخواهد آمد. تاریخ با انقلاب در تفکر آغاز می‌شود و در سایه آن نظم می‌یابد. در جهان توسعه نیافته از تفکر راهبر به نظم خبری نیست و مقدمات اخلاقی و فرهنگی و روحی لازم برای نظم بخشی به زندگی هم کمتر یافت می‌شود. در طی چهل پنجاه سال اخیر معلوم شده است که ستون‌های تاریخ غربی هر چند که ترک هم برداشته باشد، به این آسانی‌ها در هم نمی‌ریزد. اشتباه بزرگی که معمولاً پیش می‌آید اینست که قدرت غربی را صرف قدرت سیاسی و نظامی می‌بینند و در ارزیابی این قدرت هم گاهی چنان دچار توهم می‌شوند که حرف‌های دردناک خنده‌آور می‌زنند. گویندگان این حرف‌ها مسلماً بهره‌ای از هوش دارند و اگر نداشتند احراز مناصبی که دارند برایشان میسر نمی‌شد. آنها هوش دارند اما به ضرورت سخن خردمندانه نمی‌گویند و حتی گاهی با گفت بی‌اساس و بی‌پروای خود آنها را که از خرد بهره‌ای دارند، به تعجب می‌اندازند. هوش اگر با خرد قرین نباشد شاید بی‌باک و خطرناک و خطرآفرین باشد.

۸- تمییز هوش از عقل و درک تفاوت‌های آنها به درک بهتر زمان و شرایط کنونی مدد می‌کند. این دو گرچه لااقل از جهت ظاهر باهم سنخیت و قرابت دارند، ملازم بودنشان ضروری نیست. هوش همیشه و در همه زمان‌ها و مناطق روی زمین هست اما عقل گاه هست و گاه نیست یا اگر هست شاید گرفتار ضعف و سستی باشد. در این صورت از اثربخشی هوش هم کاسته می‌شود. صلاح زندگی وقتی تأمین می‌شود که هوش و خرد به هم نزدیک یا توأم باشند و بعضی مردمان این دورا با هم داشته باشند. صاحب‌نظران و دانایان واجد هر دواند و بی‌جهت نیست که وقتی خرد پوشیده می‌شود، کار آموزش و پژوهش هم مشکل می‌شود و دانشمندان و پژوهندگان نمی‌دانند به چه پژوهش‌هایی باید بپردازند. البته می‌توان به مدد هوش پژوهش کرد اما نمی‌توان تشخیص داد که در هر موقع و مقامی کدام پژوهش مقدم است. بازاریان و مال‌اندوزان در کسب ثروت بیشتر از هوش بهره می‌برند اما برای حفظ ثروت و

هزینه کردن درست آن به اندکی عقل نیازمندند که اگر نداشته باشند، سفاقت و خست شایع می‌شود. اما سیاستمداران به صاحب‌نظران شبیه‌اند یعنی هوش و خرد را توأم باید داشته باشند. دانشمندان و دانایان از این حیث با سیاستمداران تفاوت دارند که خردشان صورت و جلوه علم دارد و با معلوماتشان قرین است. اما سیاستمداران به خرد عملی بیش از معلومات نیاز دارند و رویکردشان به امور باید خردمندانه باشد. سیاستمدار کسی است که خردش بر هوشمندی می‌چرید. متقدمان به کسی که هوش بی‌خبر از خرد ره‌آموزش بود، صاحب جریده (گریزی) می‌گفتند و جریده داشتن را فضیلت نمی‌دانستند. امروز شاید جریده نه فقط نبود فضیلت بلکه عین رذیلت باشد. در جهانی که تناسب‌ها و تعادل‌ها به هم خورده است، اگر راهی برای اصلاح کارها باشد اینست که هوش عامل خرد و فرمانبر آن باشد. در این صورت است که امید صلاح و اصلاح معنی دارد و گرنه مال و منال و وسایل و ابزار و حتی علم و پژوهش همه بی‌سود و ثمر می‌شود و شاید مایه خرابی باشد ولی نمی‌دانیم خرد را در کجا می‌توانیم بیابیم؟

۹- در گزارشی از یک پژوهش دانشگاهی آمده بود که میزان هوش مردمان کاهش یافته است. در کوچه و خیابان و اداره و بیمارستان و در گفتار و کردار هر روزی هم شواهدی می‌توان در تأیید نتیجه پژوهش مزبور یافت. مگر کندی و ناتوانی در کارها و در فهم معانی شایع نیست و در ادارات و سازمان‌های اداری و آموزشی و خدماتی و درمانی ما کارهای بیهوده و عجیب کم صورت می‌گیرد و مهم اینکه اگر حکایت این کارهای عجیب را بازگویند، به ندرت کسی متعجب می‌شود. گویی این آشوب و آشفتگی یک امر عادی و مطابق با موازین خرد است. در این موارد باید مواظب بود که میان هوش و خرد اشتباه نشود. آیا بیهوده‌کاری نشانه کم‌هوشی است یا از بی‌خردی برمی‌آید؟ ظاهراً بیهوده‌کاری بیشتر نشانه کم‌خردی است و کمتر به کم‌هوشی و کم‌شدن هوش بازمی‌گردد. وقتی مثلاً در یک بیمارستان ده بیمار را که تا ظهر باید جراحی شوند، از اول وقت اداری پشت در اطاق عمل در صف نگه می‌دارند و این وضع (که برای خود من پیش آمده است) در نظر پزشکان و بیماران و بیشتر کسانی که خبر آن را می‌شنوند، امری کاملاً عادی و معمولی

اکنون علم تکنولوژیک دیگر در اختیار کسی نیست. سوژه مرده است و اگر سوژه‌ای باشد روح پنهان از چشم ظاهر علم و تکنولوژی است و مردمان ابژه تصرف و دست کاری تکنولوژیند. آنان علم و تکنولوژی را وقتی به صورت کالا درمی‌آید، مصرف می‌کنند. و نه فقط توانایی انصراف از مصرف را ندارند بلکه نمی‌دانند که تکنیک آنها را به خود وابسته کرده و مصرف می‌کند. اینست که اروپا و امریکا هم دیگر جهان خود را تدبیر نمی‌کنند و از عهده تدبیر هم برنمی‌آیند. در آنجا هم هوش و خرد از مدت‌ها پیش میل به جدایی کرده‌اند

بی‌خردی را به کم‌هوشی نسبت دهند و نتیجه بگیرند که هوش کاهش یافته است. می‌دانیم که قبل از تلقی هوش به عنوان یک مسئله روان‌شناسی تفاوت صریحی میان عقل و هوش نبود و مرزهای این دو را معمولاً به دقت نمی‌شناختند. به عبارت دیگر هوش و عقل همیشه و همواره به هم پیوسته بوده‌اند. اگر صاحب‌نظران به اقتضای موقع و مقام و مخصوصاً در اوقاتی که با جلوه‌های مخرب و گمراه‌کننده فهم مواجه می‌شدند از زیرکی و گریزی می‌گفتند، به اشاره هوش را از عقل جدا می‌کردند ولی آنان قصد ورود در مباحث روان‌شناسی نداشتند و نمی‌توانستند داشته باشند بلکه بیشتر در نظر داشتند که ساحت خرد را از بدی و زشتی میرا سازند و به خرد ویرانگری جزئی نامی دیگر و کم و بیش مضموم بدهند. به هرحال اگر زیرکی و گریزی (جریزه) را جلوه‌هایی از هوش بدانیم توجه داشته باشیم هوش در گذشته معنی امروزی نداشته است. چنانکه گاهی هوشیاری را در برابر غفلت می‌آورده‌اند اما عقل گرچه در وجود اشخاص ظاهر می‌شود و اشخاص به صفت خردمندی و بی‌خردی موصوف و متصف می‌شوند، مثل هوش

جلوه می‌کند، قضیه به خرد بازمی‌گردد و کمتر به هوش مربوط است اما وقتی زبان یکدیگر و معنی حرف‌های معمولی را در نمی‌یابیم و بیهوده کاری‌هایی مثلاً در ترافیک و کار و بار کارکنان سازمان‌های اداری و ندانم کاری‌ها و مشکل‌آفرینی‌ها و آشفتگی‌ها و پزیشانی‌ها را حس نمی‌کنیم و تشخیص نمی‌دهیم، با اینکه این همه به عقل بازمی‌گردد، ظاهراً نقصان هوش هم در آنها دخیل است. مشکل اینست که هوش را نمی‌توان به آسانی از عقل جدا کرد و جدا کردن بهره هوشی از خرد و بی‌خردی نیز با یک کار پژوهشی معمولی نمی‌تواند صورت گیرد. در هر صورت تمییز یک امر روان‌شناسی از خرد عمومی که فردی و شخصی نیست و با زمان و تاریخ پیوستگی دارد، کار آسانی نیست. البته این دو به هم بسته‌اند چنانکه اگر خرد نباشد هوش به تنهایی از عهده کارهای بزرگ برنمی‌آید. اگر واقعاً بهره هوشی کاهش یافته باشد، حداقل دو وجه می‌توان برای آن ذکر کرد. یکی اینکه مردم زمان و بخصوص نسل جوان و جوان‌تر تنبل شده‌اند و با دسترسی به اینترنت و زندگی در به اصطلاح فضای مجازی به طرح و حل مسائل احساس نیاز نمی‌کنند زیرا اگر هوش که معمولاً با تست‌ها سنجیده می‌شود، استعداد حل مسئله و پیدا کردن راه برای بیرون آمدن از وضع دشوار یا یاد گرفتن و مهارت پیدا کردن باشد جوانان و کودکان ما کمتر نیاز دارند که هوش خود را به کار اندازند. وجه دوم را در شیوه درس خواندن در مدارس می‌توان دریافت. محصلانی که برای پاسخ گفتن به پرسش‌های سه یا چهار جوابی درس می‌خوانند و وارد دانشگاه می‌شوند ذهنشان خانه‌بندی خاص پیدا می‌کند و ...

۱۰- اگر در آن چه گفته شد چون و چرا شود و اثر جهان مجازی و برنامه‌های درسی مدارس در کم شدن هوش پذیرفته نشود به قضیه از وجه فلسفی می‌توان نظر کرد. چنانکه اشاره شد هوش با عقل تفاوت دارد. هوش امری کم و بیش بیولوژیک و روان‌شناسی است و افراد و اشخاص از حیث هوشمندی اختلاف‌ها دارند ولی کم شدن و زیاد شدن هوش بحث دیگری است. عقل و هوش چون در ظاهر به هم نزدیکند و موارد کاربرد مشترک دارند، غالباً با هم اشتباه می‌شوند و چون کم و زیاد شدن خرد محرز است شاید آثار

مادرزادی نیست. عقل تاریخی است یعنی ظهور و دورانی دارد و چه بسا که دورانش به سر آید (چنانکه مثلاً دوران دولت خرد یونانیان به سر آمد) یعنی ممکن است در یک زمان در میان یک قوم عقل وجود نداشته یا ضعیف باشد و در زمان دیگر راهنما و کارگشای امور شود. به عبارت دیگر عقل‌ها با آغاز یک دوران صورت تازه پیدا می‌کنند و در نظام زندگی مردم وارد می‌شوند. اشخاص هم بر حسب استعداد خود از آن بهره می‌گیرند یا به آن پشت می‌کنند. مع هذا کمتر اتفاق می‌افتد که اشخاص کم‌هوش از فیض خرد و خردمندی برخوردار باشند هر چند که این امر غیر ممکن نیست و البته در دوران حضور خرد کم‌هوشان هم از خرد به کلی محروم نمی‌مانند و بی‌خردی نمی‌کنند. در مقابل در دوران بی‌خردی بسیار اتفاق می‌افتد که اشخاص باهوش از خرد دور و بی‌بهره بمانند و کارهای بی‌خردهانه بکنند یا سخن‌های بی‌خردهانه بگویند یعنی ضرورت ندارد که هر کم‌هوش، بی‌خرد و هر هوشمند، خردمند باشد. اتفاقاً در عصری که خرد پوشیده است، هوشمندان بیشتر در خطر ابتلا به بی‌خردی‌اند زیرا زیرکی‌شان ره‌آموز راه‌های حرص و هوس و شهرت و خودکامی و آرزوپوری می‌شود. در قرون اخیر نیاکان ما کمتر بخت برخورداری از خرد اسلاف قرون دوم تا دوران ورود به تجددمآبی را داشته‌اند. گویی در دو قرن اخیر که بادی از سوی غرب وزیده و بویی از خرد جدید و تجدد آورده، خرد قدیم را پوشانده است. نکته‌ای که درکش آسان نیست و به این جهت تکرارش ضرورت دارد اینست که خرد اروپای جدید با خرد قرون وسطی و خرد دوره اسلامی و یونانی تفاوت کلی داشته است. یونانیان هم در طی دو هزار و پانصد سال تاکنون هرگز به مراتب خردی که نیاکان قدیمشان از آن برخوردار بودند نرسیدند و ظاهراً از رجوع به آن برای دریافت صورت‌های دیگر خرد نیز ناتوان بودند یا به هر حال نشانی از این رجوع را کمتر می‌توان یافت.

۱۱- ما معمولاً اثر عقل را در زندگی عمومی و روابط و مناسبات اجتماعی و فرهنگ و زبان می‌شناسیم یعنی عقل قوه و استعداد فهم و ادراک آنچه هست و روی می‌دهد و همچنین تشخیص باید و نباید و حق و باطل است. گاهی دریچه فهم مردمان باز است و دایره آن وسعت دارد اما گاهی نیز دریچه تنگ می‌شود و فهم کوتاه

می‌آید. در این صورت هوش نیز به زحمت جلوه و اثر کلی دارد و بیشتر در حبس وجود فردی صاحبش و در خدمت او می‌ماند. برای روشن شدن قضیه مثالی بیاورم. در طی دهه‌های اخیر تعداد بسیاری از کودکان و نوجوانان بسیار هوشمند کم و بیش نامور شدند و انتظار می‌رفت که به زودی در زمره دانشمندان بزرگ قرار گیرند که البته بعضی از آنها به مقام دانشمندی هم رسیدند و مخصوصاً آنها که در مراکز علمی جهان کار کردند نامدار شدند اما اکنون خبری از بسیاری از آنها نیست و نمی‌دانیم با هوش خود چه کرده‌اند و با آن به کجا رفته و به کدام مقصد رسیده‌اند. وقتی دایره و مجال فهم و خرد تنگ می‌شود، مسائل هم پوشیده می‌ماند و اشتغال به اوهام جای طرح و حل مسائل را می‌گیرد. کسی که نگران افول خرد و خردمندی است از اینکه بشنود در جایی یا در همه جهان بهره‌هوشی کم شده است، تعجب نمی‌کند زیرا هوش و خرد لااقل در روابط میان آدمیان و در امور معمولی زندگی از هم جدا نیستند. درست است که هوش طبیعی است و نه تاریخی اما در تاریخ باید مجال ظهور بیابد و اگر نیابد از کار می‌افتد. همیشه در همه جای جهان امثال لائوتسه و توسیدید و ارسطو و سوفوکل و سقراط و ابن‌سینا و فردوسی و سعدی و گالیله و دکارت و نیوتن و شکسپیر و گوته و ... بوده‌اند. اینها بخت آن را داشته‌اند که در زمان افق‌های باز به سر می‌برده‌اند و چشم به آن افق‌ها داشته‌اند یا تفکرشان نسبتی با افق داشته است اما هوشمندانی که در دوران فروبستگی افق‌ها به دنیا می‌آیند و زندگی می‌کنند بخت آن را پیدا نمی‌کنند که همه استعدادهای خود را تحقق بخشند. با اینکه نیاز اصلی نیاز به عقل است این هم که میزان هوش رو به کاهش دارد خبر و هشدار بدی است. شاید اشتباه میان هوش و عقل موجب این استنباط باشد زیرا قاعداً هوش که یک امر بیولوژیک و روان‌شناسی است و به معنی درست لفظ، کاهش نمی‌یابد (مگر اینکه تاریخ طبیعی تحول و تکامل داروینی به انتهای قوس صعود رسیده و سیر در قوس نزول را آغاز کرده باشد) بلکه تنبل می‌شود و ظهور و کارایی کمتر پیدا می‌کند. چرا چنین می‌شود؟ وقتی خرد رو به افول دارد نسبت همبستگی و هم‌زمانی میان مردمان سست می‌شود و با عروض این سستی و بیگانه شدن مردمان با یکدیگر نه

فقط مسائل بجای اینکه ناظر به صلاح کلی باشد بیشتر فردی و شخصی می شود بلکه زبان به لکنت می افتد. هوش و زبان هم از هم جدا نیستند. عقل که نباشد پیوند و رابطه نیست و هوش وقتی در جای خود قرار نگیرد، چه می تواند کند. در نبود خرد، زبان علیل است و با علیل شدن زبان، هوش هم کند می شود.

۱۲- اگر بگویید راقم سطور چه حق داشته است و دارد که خود را بیرون از جهان قرار دهد و در باب خرد و بی خردی زمانه حکم کند، ظاهراً سخن موجهی می گوئید و به راستی مگر ملاکی برای سنجش خردمندی و بی خردی وجود دارد؟ در مورد هوش چنانکه گفته شد تست ها و آزمایش هایی هست که تا حدی می توان به آنها اعتماد کرد ولی چگونه بگوییم که فلان گفتار یا کردار خردمندانه است و کدام نیست و بر چه مبنا و با چه جواز می بگوییم که چه باید کرد و چه نباید کرد؟ و اگر بود این همه گفتار ضد و نقیض و مخالف و موافق که به نظر صاحبانشان عین حقیقت است، در افواه نمی گشت. یک ملاک ساده اینست که گفتار و کردار خردمندانه باید به جا باشد و هر قول و فعل بی جایی بی خردانه است ولی چگونه تشخیص دهیم که جایگاه هر قول و فعل کجاست. عقل و رأی در نظر متقدمان و متأخران معنی واحد و ثابت نداشته است و ندارد. متقدمان عقل (عقل نظری علم به چیزهاست و عقل عملی درک بایدها و نبایدها و تشخیص راه صلاح و بهروزی و سعادت است) را راهی به علم و عمل درست می دانستند و معتقد بودند که با علم و عمل درست به سعادت راه می توان برد. ولی در عهد و دوران تجدید عقل دیگر ربطی به معارف (به معنی قدیم آن) ندارد بلکه بنیاد علم تکنولوژیک و کارساز زندگی و کار دنیا است. فعلاً کاری به این معنی نداشته باشیم که مگر می توان سالکان راه حق و کسانی را که به کار دنیای کنونی و خرد آن اعتنایی ندارند، بی خرد دانست یا آنان را که نسبتی میان خرد و اخلاق قائل نیستند به بی خردی منسوب کرد. پرسش اینست که در جهان ما تا چه اندازه رفتارها و کردارها با میزان عقل اداره می شود و دل ها و زبان ها یکی است و مردمان همان می کنند که می گویند و آیا برای رسیدن به مقاصدی که در نظر می گیرند وسایل مناسب می جویند و در وقت مناسب به مقصد می رسند و اگر نرسیدند تحقیق می کنند که مبادا

در تعیین مقصد و مقصود یا در انتخاب راه و وسیله اشتباه کرده باشند. مثلاً وقتی حاصل کار یک سازمان اداری و آموزشی ناچیز و بد باشد باید به چرایی آن فکر کنند. از اینها که بگذریم آیا گروه هایی که بخصوص در منطقه ما مدعی اند با ترور و ایجاد وحشت و دزدی و تبه کاری و تجاوز و آدم کشی به دین و اعتقادات دینی خدمت می کنند و نتایج کار خود را نمی بینند، در درکات بی خردی دست و پا نمی زنند. البته لازمه طرح این پرسش ها تا حدودی بیرون ایستادن از زندگی کنونی است اما شاید روش دیگری را بتوان پیش گرفت و مثلاً به جای شهرت ها و روشنی ها به تاریکی های وضع موجود هم نظر کرد. دیدن تاریکی ها بدبینی نیست، جستجوی راه است. هر مردمی راهی را برمی گزینند و به سوی مقصدی می روند و برای رسیدن به مقصد از وسایلی که کم و بیش معین است استفاده می کنند. گاهی مقاصدی برگزیده می شود که بسیار دور است و روندگان نمی دانند در میان این راه دور چه باید بکنند. این هم ممکن است که قومی دو مقصد دور از هم را در نظر داشته باشد و بخواهد همزمان به هر دو برسد و این تمنای محال یا لاقابل بیهوده است و نمی دانیم چگونه می تواند به مقصد برسد. مردمانی هم هستند که از مقصد و غایت زیاد حرف می زنند اما کوشش لازم برای رسیدن به آنها نمی کنند و حتی کمتر می پرسند که چگونه و با چه وسایلی می توانند به مقصد برسند؟ در چنین وضعی سیاست و حکومت مسئولیت دارد و حتی تدبیر و عملش و آثاری که بر آنها مترتب می شود می تواند ملاکی برای حکم در باب وضع خرد در جامعه باشد. حکومت نماینده کشور است ولی در شرایط دشوار عصر را نیز نباید از نظر دور داشت. امکان پیش آمدن وضعی بدتر از این را هم می توان در نظر آورد. در جهان ما تعداد مردمی که هیچ مقصد و امیدی ندارند و نمی دانند که چرا زندگی می کنند، کم نیست و پیوسته بر این تعداد افزوده می شود. اینها سیاهی های زندگی است. در این وضع روحی و اخلاقی خرد کجاست و چه می کند؟

۱۳- وقتی مردمان نمی دانند چه می کنند و به کجا می خواهند بروند و زندگیشان در مشغولیت با وسایل تکنیک می گذرد، پیداست که به جایی هم نمی رسند زیرا سرگرمی با وسایل تکنیک

آنها را به اکنون چسبانده و با گذشته و آینده بیگانه‌شان کرده است. زندگی وقتی معنی دارد که اتصالی میان گذشته و آینده در اکنون وجود داشته باشد. گاهی طوایفی از مردم مقصودهای موهوم دارند یعنی مقصودهایشان امکان تحقق در زمان و آینده ندارند. آنها بیشتر حرف می‌زنند اما راهی پیش رویشان نیست و قدم همتشان هم قهراً سست است. اینجا تشخیص خردمندی و بی‌خردی چندان هم دشوار نیست و مگر نمی‌توان گفت کسانی که حرف می‌زنند و عمل نمی‌کنند و از بی‌عملی خود غافلند و داعیه‌های بیهوده دارند از خرد پیروی نمی‌کنند؟ غیر از این نشانه‌های دیگری هم هست. آیا مردمی که طلب ندارند و راه نمی‌جویند و می‌پندارند که همه چیز را می‌دانند و خردشان به کمال است از خرد بی‌بهره نمانده‌اند؟ بالاخره برخورداری از خرد و خردمندی هم نشانه‌هایی دارد. اهل خرد چیزی که نمی‌دانند نمی‌گویند و کاری را که نمی‌توانند انجام دهند به عهده نمی‌گیرند. آنها حدّ خود و حدود چیزها و موقع و مقام کارها را می‌شناسند و اندازه را رعایت می‌کنند و برای رسیدن به مقصود وسیله‌های مناسب برمی‌گزینند. یکی دیگر از نشانه‌های برخورداری از خرد صبر و گوش دادن به سخن دیگران و تأمل در آنها و در آراء نیندیشیده خویش است. شخص خردمند به دانش و دانایی خود مغرور نمی‌شود و دست از طلب حق و درستی برنمی‌دارد و مسائل حقیقی را با اوهام اشتباه نمی‌کند و مخصوصاً به طرح درست مسائل می‌اندیشد. چنانکه گفته شد خردمندان هر چه بشنوند در مورد آن می‌اندیشند و موهوم را بر علم و معلوم ترجیح نمی‌دهند. کسانی ممکن است حرف‌های خوب بزنند و حتی به مطلوب‌های خوب و موجه نظر داشته باشند اما اگر مطلوب‌ها رسیدنی نباشند چرا و چگونه باید همت صرف رسیدن به آنها شود. در زمان ما تمنای محال امر رایجی شده است و عجبا و دروغا که در مواردی تمنای محال نه فقط عجیب نمی‌نماید بلکه ضرورت وجودی پیدا می‌کند و از آن‌هایی نمی‌توان یافت و این وضعی است که دیگر امید در آن جایی ندارد و آرزو جای آن را گرفته است. خردمند می‌داند که آرزو پروردن بیهوده است و به همه آرزوها نمی‌توان رسید. به این جهت او بهترین خوب‌های ممکن را می‌جوید و تحقق می‌بخشد. گذشته

را در آینده محقق نمی‌توان کرد. گذشته، گذشته است حتی تجدید عهد با آن اگر ممکن باشد بنای عهد تازه است. اروپاییان هم در رنسانس با یونان و روم تجدید عهد کردند اما این تجدید عهد به مدرنیته (تجدد) رسید. اگر درست باشد که از آثار و نشانه‌های وجود عقل، علم مفید و مؤثر و عمل درست و محکم و آرامش و ثبات و رفق و مدارا و صبر و امید و دوستی و وفاداری به عهد است. هر جا که اینها نیست، خرد هم رخ پوشیده است. چنانکه در قلمرو تکنولوژی هم هر جا محکم کاری هست می‌توان عقل تکنیک را در کار دانست و آنجا که کارها سرهم‌بندی است عقل تکنیک وجود ندارد. در شرایطی که مصرف در همه جای جهان یکسان شده و آشوب و جنگ و اختلاف‌های قومی- قبیله‌ای و مذهبی بسیاری از مناطق جهان را فراگرفته است، عقلی هم که باید حافظ امنیت و ضامن رعایت حدود باشد، رونهان کرده است.

با نظر به این قبیل نشانی‌ها شاید بتوان با خرد کارساز آشنایی پیدا کرد یا به جستجوی آن برآمد. این جستجو در شرایطی که خرد گذشته دارد رو نهان می‌کند و پوشیده می‌شود، حداقل می‌تواند مانع رسمیت یافتن بی‌خردی شود. وقتی برهوت بی‌خردی به سرعت گسترش می‌یابد تا آنجا که گاهی چشم‌ظاهرین هم آن را می‌بیند باید نگران فاجعه بود. مع‌هذا نباید به کلی نومید شد و حتی در برهوت بی‌خردی هم باید امید رویدن گیاه خردمندی را در دل نگاه داشت. متأسفانه در کوچه و بازار که می‌گردیم و به سازمان‌ها و مراکز اجرایی و آموزشی و خدماتی که مراجعه می‌کنیم و حتی در بعضی برنامه‌ها و مقررات و قوانین جاری و حاکم که نظر می‌کنیم در بهترین صورت صرفنظر از بعضی کارهای خوب که شخصی و استثنایی است کمتر نشانی از درک زمان آینده و آشنایی با آن می‌توان یافت.

۱۴- تجدد گرچه گسترش و تحقق صورتی از خرد بود، اکنون به پایان راه خود رسیده و ناگزیر باید با عادات عقلی دو سه قرن گذشته بسازد و به سربرد. در این وضع، از جهان توسعه نیافته که بیشتر با سطح و ظاهر تجدد و رفتار عادی و رسوم هر روزی غرب و جهان متجدد آشنا شده و کمتر با خرد آن انس یافته است چه توقع می‌توان داشت. این جهان بازمانده‌ها یا خاطراتی از خرد قدیم را با

صورت رسمی آداب و اقوال تجدد و مشهورات جهان جدید در هم آمیخته و بیش از یک قرن با آنها به سر برده است بی آنکه از این آمیختگی خبر داشته باشد و بداند که این هردو از ذات خویش دور افتاده و از اثر افتاده‌اند. این مسئله عقل جدید و قدیم و وجود و غیاب آنها در دوران‌های تاریخی مسئله‌ای است که ما کمتر به آن اندیشیده‌ایم. زیرا چنانکه باید به تفکر تاریخی اعتنا و التفات نداشته‌ایم. من هم که پنجاه سال به آن اندیشیده‌ام هنوز تقریباً در همان جا هستم که بوده‌ام. در جوانی می‌خواستم کتابی با عنوان عصر بی‌خردی بنویسم که نتوانستم و حاصل سعیم به صورت رساله کوتاه عصر اوتوبی درآمد. اکنون دوباره سعی دوره جوانی را تکرار کرده‌ام. نمی‌دانم حاصلش چه بوده است. اندکی خامی در آن می‌بینم اما دیگر توان بازنویسش را ندارم.^۱

از نکاتی که در طی مدت قلمزنی آموخته‌ام اینست که سخن گفتن از خرد زمان جسارت می‌خواهد و تاوان دارد. من اگر جسارت چندان در فکر و نظر نداشته‌ام کوشیده‌ام تا آنجا که می‌توانم تند و زنده ننویسم، در این پنجاه سال به تاوان دادن یا لااقل به شنیدن این ملامت که چرا حرف‌های مبهم و نامفهوم می‌زنم، عادت کرده‌ام. هرگز گوش‌ها و چشم‌ها برای شنیدن و خواندن گزارش وضع خرد زمان باز نبوده است و اکنون هم باز نیست. بخصوص که چون خرد را امر شخصی می‌دانند و با هوش اشتباه می‌کنند می‌پندارند که اگر کسی از بی‌خردی زمانه بگوید اشخاص را به بی‌خردی متهم کرده است اما مراد از بی‌خردی زمان، بی‌خردی همه مردمان نیست. مردم خردمند یا مستعد برخورداری از خرد، همواره در همه جا هستند و اگر نباشند جهان در هم می‌ریزد و از هم می‌پاشد اما کار جهان همیشه به دست خرد و خردمندی نیست. در جهانی که حماقت و فساد غلبه دارد خردمندی اهل خرد و صلاح پوشیده بی‌اثر می‌ماند و صلاح اندیشیشان به جایی نمی‌رسد و مگر می‌شود با فساد از خرد گفت. آنها اگر بتوانند خرد پوشیده و صلاح به کار نیامده‌شان را حفظ کنند شاید ذخیره‌ای برای آینده باشند. پس سخن من در نفی خرد و خردمندی نیست. گاهی از بعضی از دوستانم و مخصوصاً دوستان مایل به مذهب اصالت وجود گله دارم که چندان به ماهیت عقل اهمیت می‌دهند

که به وجود و عدم آن اعتنا نمی‌کنند و حال آنکه آنها بهتر از من می‌دانند که فلسفه به وجود نظر دارد و اگر در ماهیت بحث می‌کند، مراد ماهیت موجود است. وقتی در همه جا همه از ضعیف و قوی در سودای قهر و غلبه‌اند و اراذل و اوباش و تبهکاران هم سودای حکومت به سرشان زده است و اقوام و کشورهای کوچک و ضعیف در دوران افول قدرت‌های بزرگ سوداگری، به جان هم افتاده‌اند و با سست شدن پیوندهای درون جامعه‌ها و ظهور فرد به معنای آدمی که هیچ تکیه‌گاه و پناهی ندارد، آشوب و ناامنی سراسر جهان را فراگرفته است جهان باید از خرد و خردمندی بی‌بهره شده باشد که نمی‌تواند از این مصیبت‌ها جلوگیری کند و رهایی یابد. داعش صرفاً یک گروه تروریست تبهکار نیست بلکه از آثار و نشانه‌های پوشیده‌شدن خردی است که قرار بود جهان را کانون عدل و دوستی و صلح و آسودگی کند. اگر در نیمه اول قرن بیستم وقوع دو جنگ بزرگ از آغاز دوران وداع اروپا با خرد خبر می‌داد، در نیمه دوم قرن بیستم جنگ سرد آغاز شد و شدت یافت. در این جنگ با همه پیشرفت‌هایی که در تکنولوژی نظامی پدید آمد هردو طرف نفوذی را که پیش از جنگ بدست آورده بودند تا حدودی از دست دادند. امریکا این معنی را در کوبا و مخصوصاً در ویتنام آزمود. شوروی هم قدری دیرتر در افغانستان به ناتوانیش پی برد. در همین دوران جنگ سرد بود که نهضت‌های ضداستعماری و استقلال‌طلبی در برابر قدرت‌های استعمارگر سر برآوردند. جنگ میان نهضت‌های ضداستعماری با استعمارگران در ظاهر نه شکست خورده داشت و نه پیروز؛ ولی در این جنگ کار نهضت‌های استقلال‌طلب به پایان رسید و در بسیاری کشورهای استقلال‌یافته دست‌نشانندگان قدرت‌های جهانی به قدرت و حکومت رسیدند. این وضع بیش از آن که پیروزی قدرت‌های سوداگر جهانی باشد، شکست نهضت‌های استقلال‌طلب و آغاز تاریخی بود که نامش را با مسامحه باید تاریخ توسعه‌نیافتگی گذاشت. شاید تعبیر تاریخ توسعه‌نیافتگی چندان مناسب نباشد زیرا ناتوانی و سرگردانی و توقف و رکود تاریخ ندارد ولی به هر حال جهان توسعه‌نیافته نیز شب و روز را دوره می‌کند و بهره‌اش از تاریخ و تاریخی بودن همین اندازه است.

۱- این مقاله فصلی است از کتاب «خسوف خرد» و خلاصه‌ای از مطالب آن.

۱۵- اشاره شد که تاریخ هفتاد هشتاد ساله اخیر دو مرحله داشته است. یکی مرحله جنگ سرد که در آن مقابله نظامی جز در یکی دو منطقه پیش نیامد اما در پایان این دوران حوادثی روی داد که جغرافیای سیاست با آن دگرگون شد. این دوران تا آغاز دهه نود قرن بیستم طول کشید و هنوز اندکی از انقراض شوروی نگذشته بود که دوران جنگ سرد به سرآمد و با حمله عراق به ایران دورانی از جنگ تانک‌ها و بمب افکن‌ها و موشک‌ها و سلاح‌های شیمیایی شروع شد و همچنان نیز ادامه دارد. امریکایی که با طراحی و اجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دولت ملی و مورد حمایت مردم ایران را ساقط کرد به عراق و افغانستان و... لشکر کشید و گرچه نمی‌دانیم از این لشکرکشی‌ها چه قصدی داشت و آیا به مقصود خود رسید یا نرسید، می‌دانیم که وضع منطقه را پر آشوب‌تر و بحرانی‌تر کرد. کشورهای اشغال شده درمانده و دچار انواع فقر بودند. کشور اشغال‌گر هم صرف‌نظر از سودهایی که سوداگران‌ش بردند از تجاوز نسنجیده‌ای که کرده بود سود سیاسی نبرد شاید از نظر تاریخی بتوان گفت که در دوران ما سیاست و تدبیر سیاسی رو به ادبار دارد. چرا چنین شده است؟ مگر علم و تکنولوژی در امریکا و اروپای غربی و در ژاپن در اوج قدرت نیست؟ کاش می‌توانستیم دریابیم که مشکل سیاست و تدبیر و فرهنگ و خرد در همین قدرت مهار نشدنی تکنیک نهفته است. از قرن هفدهم قدرت، قدرت دانش تکنولوژیک بوده است. اروپا و امریکا هر چه دارند از علم دارند. آنها تا دهه‌های اخیر همواره قدرت دانش را به سوژه انسانی و به دانشمند نسبت می‌داده‌اند. گویی دانش وسیله‌ای در اختیار آدمیان است تا آن را به هر راه که می‌خواهند ببرند و با آن هر چه می‌خواهند بکنند. اکنون این سوژه انسانی به قول بعضی از صاحب‌نظران مرده است و علم تکنولوژیک دیگر در اختیار کسی نیست. سوژه مرده است و اگر سوژه‌ای باشد روح پنهان از چشم ظاهر علم و تکنولوژی است و مردمان ابژه تصرف و دست‌کاری تکنولوژیند. آنان علم و تکنولوژی را وقتی به صورت کالا درمی‌آید، مصرف می‌کنند. و نه فقط توانایی انصراف از مصرف را ندارند بلکه نمی‌دانند که تکنیک آنها را به خود وابسته کرده و مصرف می‌کند. اینست که اروپا و امریکا هم دیگر جهان خود را تدبیر نمی‌کنند و از عهده تدبیر هم بر نمی‌آیند. در آنجا

هم هوش و خرد از مدت‌ها پیش میل به جدایی کرده‌اند. آیا نباید چنین وضعی را بی‌خردی خواند؟ مراد از این پرسش صدور یک حکم اخلاقی درباره جهان کنونی نیست. کسی هم از بابت مشارکت و حضور در جهان بی‌خرد سرزنش نمی‌شود بلکه جهان در پنجاه سال اخیر جهان دیگری شده است. در دورانی که خرد پدید آمده و به فعلیت رسیده در قرن هجدهم، در همه جا ضعیف شده است مخصوصاً در جاهایی که جامعه هرگز قوام و نظام کافی نداشته است، باید نگران آشوب و پیریشانی بود. هیچکس نمی‌داند با رفتن خرد مدرنیته و حتی بر چیده شدن بساط عقل پراگماتیک، تکلیف جهان و زندگی چه می‌شود و اگر کشمکش‌های بیهوده و آشوبی که دارد جهان را فرامی‌گیرد اندکی بیشتر گسترش یابد چه بر سر جهان می‌آید؟ من افسوس نمی‌خورم که چرا سوژه مرده و تاریخ سویرکتیویته به پایان رسیده است. در انتظار سوژه کنشگر جدید هم ننشسته‌ام. به خرد پراگماتیک امریکایی و ژاپنی و کانادایی هم کاری ندارم بلکه به آشوب و پراکندگی و شورش پدید آمده در دل‌ها و جان‌ها و در وجود گروه‌های بزرگی از مردم در سراسر روی زمین می‌اندیشم که با خرد تکنیک هیچ نسبتی ندارند اما با مصرف وسایل ویرانگر تکنیک، جهان و زندگی مردمان را تباہ می‌کنند. به هوش باید بود که با نابودی و تباہی خرد جهان جدید، نه سوژه کنشگری که بعضی جامعه‌شناسان اروپایی در انتظارش به سر می‌برند پدید می‌آید و نه هیچ یک از صورت‌های حکمت و خرد قدیم باز می‌گردد ولی با گوش دادن به حکمت‌های ائمه و اولیاء دین و حکیمان و اشارات شاعرانه بعضی از متفکران و صاحب‌نظران جدید و معاصر امید را در دل نگاه باید داشت زیرا در بحبوحه بلا و خطر است که کوکب هدایت از گوشه‌ای بیرون می‌آید. جهان اگر با ابتلا به «عجب علم» تکنولوژیک از شادی و رستگاری غافل نشود و درنگ کند که بر او چه گذشته و بر سرش چه آمده است شاید درنگش آغاز دیگری از تاریخ انسان باشد. این یادداشت دعوتی است به تفکر برای آینده و اینکه در یکصد سال اخیر چه کرده و چه اندوخته‌ایم و بی‌زاد راه و توشه به کجا داریم می‌رویم. آیا خبر داریم که راه پر مخافت است و پرتگاه‌های هولناک دارد. لاقل به فکر پرتگاه باشیم.

اخبار و گزارش‌ها



جلسات شورای علمی

جلسات شورای علمی فرهنگستان علوم در بهار سال ۱۳۹۷ با حضور آقایان دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان، دکتر حسین نمازی دبیر فرهنگستان، دکتر سیدمصطفی محقق داماد رئیس گروه مطالعات اسلامی، دکتر یوسف ثبوتی رئیس گروه علوم پایه، دکتر عباس شریفی تهرانی رئیس گروه علوم کشاورزی، دکتر محمدقلی نادعلیان رئیس گروه علوم دامپزشکی، دکتر سعید سهراب‌پور رئیس گروه علوم مهندسی، دکتر محمد شاهدی معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی و دکتر حسن ظهور رئیس مرکز مطالعات برگزار شد.

■ در چهارصد و هشتادمین جلسه شورای علمی مورخ ۹ اردیبهشت ۱۳۹۷، ابتدا آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد آیاتی از کلام الله مجید تلاوت کرد. پس از آن، اعضای شورا ضمن قرائت فاتحه، مصیبت درگذشت والده همسر آقای دکتر رضا داوری اردکانی را به ایشان تسلیت گفتند. آقای دکتر داوری اردکانی ریاست فرهنگستان نیز ضمن تشکر از اعضا، سال نو را تبریک گفت و اظهار امیدواری کرد که سال ۹۷، سال خوبی برای ملت و دولت ایران باشد. در ادامه و پس از تصویب صورت جلسه چهارصد و هفتاد و نهم شورای علمی، گزارش نهایی طرح پژوهشی «تبیین نقش فرهنگستان‌ها در ارتقای فرهنگ آینده‌نگری و سیاستگذاری‌های مربوطه در نهادهای بالادستی، آموزشی و اجرایی نظام»، (تأیید شده در جلسه شورای پژوهشی ۱۳۹۷/۲/۲)، به تصویب رسید و طرح مزبور خاتمه‌یافته

تلقی شد. همچنین با عنایت به نظر شورای پژوهشی، مقرر شد با مجری طرح تا سقف ۷۰ درصد اعتبار طرح تسویه حساب شود. تصویب گزارش نهایی طرح پژوهشی «اطاله دادرسی در امور مدنی و راهکارها» (تأیید شده در جلسه شورای پژوهشی ۱۳۹۷/۲/۲) و خاتمه طرح مزبور از دیگر مصوبات این جلسه بود. در ادامه جلسه نامه دفتر مرکزی TWAS در آسیای مرکزی و جنوبی در ارتباط با معرفی نامزد واجد شرایط فرهنگستان برای دریافت جایزه سال ۲۰۱۸ در زمینه دیپلماسی علمی مطرح شد. پس از تبادل نظر با معرفی آقای دکتر سعید سهراب‌پور به عنوان نامزد فرهنگستان برای دریافت جایزه، موافقت به عمل آمد. در بخش دیگری از جلسه، با همکاری آقای دکتر بابک کریمی برای یک دوره دو ساله به عنوان همکار مدعو گروه علوم پایه موافقت به عمل آمد. همچنین پیشنهاد همکاری مدعو آقایان دکتر حسن صالحی و دکتر علیرضا صبوری برای یک دوره دو ساله در گروه علوم کشاورزی به تصویب رسید. پیشنهاد تمدید عضویت حقیقی آقای دکتر محمدحسن بیژن‌زاده در شورای علمی مرکز مطالعات نیز از دیگر موضوعاتی بود که مورد موافقت قرار گرفت. در پایان جلسه آقای دکتر یوسفی ثبوتی رئیس گروه علوم پایه، پژوهشگران جوان برجسته رشته‌های علوم پایه کشور، منتخب فرهنگستان علوم در سال ۱۳۹۷ را معرفی کرد که با انتخاب و تجلیل از آنان موافقت به عمل آمد. این جایزه روز ۳۱ خرداد در محل فرهنگستان اعطاء شد.

■ چهارصد و هشتاد و یکمین جلسه شورای علمی روز یکشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۹۷ تشکیل شد. در ابتدای جلسه آقای دکتر رضا داوری اردکانی ریاست فرهنگستان علوم ضمن خیرمقدم به اعضا، عید سعید فطر را تبریک گفت. آقای دکتر داوری اردکانی همچنین ضمن عرض تسلیت به مناسبت درگذشت دانشمند بزرگوار و نجیب و اخلاقی حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر احمد احمدی عضو گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم، به بیان ویژگی‌های برجسته علمی و سجایای اخلاقی آن استاد فقید پرداخت و اعلام کرد که فرهنگستان با مدیریت آقای دکتر محقق داماد و گروه علوم اسلامی به نحوی که شایسته مقام ممتاز شادروان آقای دکتر احمدی است، یاد ایشان را گرامی خواهد داشت. آقای دکتر داوری اردکانی ریاست فرهنگستان در ادامه مصیبت درگذشت آقای دکتر سید محمدامین قانع‌ی‌راد استاد جامعه‌شناسی را تسلیت گفت و فقدان ایشان را دریغی برای جامعه‌شناسی کشور دانست. در ادامه چهارصد و هشتاد و یکمین جلسه شورای علمی، با همکاری‌های مشترک میان مرکز علمی شیعه‌شناسی دانشگاه پایتخت اسلواکی شهر براتیسلاوا و گروه

علوم اسلامی فرهنگستان علوم موافقت کلی به عمل آمد. موافقت با پیشنهاد همکاری مدعو آقایان دکتر محمدرضا نقوی و دکتر یوسف عباسپور گیلانده برای یک دوره دو ساله به عنوان همکار مدعو گروه علوم کشاورزی، موافقت با تمدید همکاری مدعو ۲۰ استاد همکار گروه علوم کشاورزی برای یک دوره دو ساله دیگر، و موافقت با تمدید همکاری مدعو خانم دکتر پروین رستمی و آقایان دکتر عباس شفیعی و دکتر خشایار کریمیان برای یک دوره دو ساله دیگر در گروه علوم پایه از دیگر تصمیمات جلسه بود. در ادامه جلسه مصوب شد برای گرامیداشت یاد و خاطره شادروان دکتر احمد احمدی، مجله نامه فرهنگستان علوم، ضمیمه‌ای را به گرامیداشت مقام شامخ علمی و فرهنگی آن استاد فقید اختصاص دهد.

در پایان جلسه ضمن تأیید یک پیشنهاد عضویت پیوسته، یک پیشنهاد عضویت وابسته و سه پیشنهاد تمدید عضویت وابسته و ارسال موضوعات به جلسه مجمع عمومی فرهنگستان برای تصویب، دستور جلسه مجمع عمومی مورخ ۷ تیر ۱۳۹۷ قرائت شد و مورد تأیید قرار گرفت.

یکصد و بیست و دومین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان علوم

یکصد و بیست و دومین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان علوم، بعد از ماه مبارک رمضان و در تاریخ ۱۳۹۷/۴/۷، با حضور ۴۲ عضو، از مجموع ۴۷ عضو پیوسته فرهنگستان علوم، به ریاست آقای دکتر رضا داوری اردکانی برگزار شد.

در ابتدای این جلسه، آیاتی از کلام‌الله مجید توسط آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد عضو پیوسته و رئیس گروه علوم اسلامی تلاوت شد. در ادامه آقای دکتر داوری اردکانی ریاست فرهنگستان علوم، ضمن تبریک عید گذشته فطر و گرامیداشت روز هفتم تیر، مصیبت درگذشت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر احمد احمدی عضو وابسته فقید گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم را تسلیت گفت و این ضایعه را دریغی برای علم و فرهنگ کشور دانست.

سپس آقای دکتر محقق داماد با گرامیداشت یاد مرحوم آقای دکتر احمد احمدی، درباره کارهای برجسته علمی و فرهنگی و سجایای ممتاز اخلاقی آن استاد فقید مطالبی بیان کرد.

در ادامه جلسه و به عنوان پیش از دستور، آقای دکتر مهدی گلشنی عضو پیوسته فرهنگستان علوم با اشاره به مباحث مطرح شده در جلسه قبلی مجمع عمومی درباره شاخص‌ها و معیارهای پیشرفت علم در کشور، به بیان نظرها و دیدگاه‌های خود پرداخت و پیشنهاد کرد فرهنگستان علوم در این موضوع که یکی از مسائل اساسی برای پیشرفت کشور است، وارد شود و این بحث را دنبال کند و در نهایت اظهار کند که برای پیشرفت علم و توسعه کشور چه باید کرد. پس از سخنان آقای دکتر گلشنی، تعدادی از اعضای پیوسته فرهنگستان آقایان دکتر سیدمهدی الوانی، دکتر غلامرضا اعوانی، دکتر فرامرز



فرهنگستان، با رأی‌گیری کتبی، پیشنهاد عضویت وابسته آقای دکتر ایرج ملک‌محمدی در فرهنگستان علوم برای یک دوره چهارساله به تصویب رسید.

پیشنهاد تمدید عضویت وابسته آقایان دکتر فریبرز آذرپناه، دکتر سعید اعظم و دکتر علیرضا مدقالچی برای یک دوره چهارساله دیگر در فرهنگستان از دیگر موضوعات جلسه بود که پس از ارائه گزارش از فعالیت‌های استادان نامبرده در دوره قبل، با رأی‌گیری کتبی، به تصویب رسید.

در پایان جلسه آقای دکتر علی درویش‌زاده عضو پیوسته فرهنگستان علوم سخنانی با موضوع «چرا نمی‌توان زلزله را پیش‌بینی کرد»، ایراد کرد. مشروح سخنان آقای دکتر درویش‌زاده در ادامه همین شماره خبرنامه آمده است.

لازم است ذکر شود در پایان جلسه مجمع، و براساس تصویب یکصد و بیست و دومین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان علوم، طی حکمی از سوی آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم، آقای دکتر رسول جعفریان به عضویت پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران منصوب شد. بر همین اساس طی احکام جداگانه آقایان دکتر ایرج ملک‌محمدی، دکتر فریبرز آذرپناه، دکتر سعید اعظم و دکتر علیرضا مدقالچی برای یک دوره چهار ساله به عضویت وابسته فرهنگستان علوم منصوب شدند.

رفیع‌پور، دکتر جعفر توفیقی، دکتر مهدی بهادری‌نژاد، دکتر یوسف ثبوتی و دکتر سعید سهراب‌پور به بیان نظرها و دیدگاه‌هایشان درخصوص این موضوع پرداختند. آقای دکتر داوری اردکانی در جمع‌بندی این بحث، اظهار داشت که اختلاف نظرها در مبادی است و همه استادان به درستی و از جنبه‌های مختلف به این موضوع نظر دارند. ریاست فرهنگستان اعلام کرد که یک جلسه خاص مجمع به ادامه بحث درباره این موضوع اختصاص خواهد یافت.

در ادامه جلسه و پس از تصویب صورت جلسه قبلی مجمع، پیشنهاد عضویت پیوسته حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر رسول جعفریان در فرهنگستان علوم مطرح شد که پس از معرفی ایشان و بیان کارهای علمی و فعالیت‌هایشان در سال‌های عضویت وابسته در فرهنگستان، با رأی‌گیری کتبی، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رسول جعفریان استاد تاریخ دانشگاه تهران به عضویت پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد. آقای دکتر رسول جعفریان از سال ۱۳۹۴ عضو وابسته گروه علوم اسلامی فرهنگستان بوده است.

در ادامه جلسه پیشنهاد عضویت وابسته آقای دکتر ایرج ملک‌محمدی استاد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران، برای یک دوره چهارساله در فرهنگستان مطرح شد که پس از معرفی ایشان و بیان فعالیت‌هایشان در دوران طولانی همکاری با



حجت الاسلام و المسلمین دکتر احمد احمدی دار فانی را وداع گفت

حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر احمد احمدی عضو وابسته گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، رئیس سازمان سمت و استاد سابق فلسفه دانشگاه تهران روز جمعه ۱۸ خردادماه ۱۳۹۷، بر اثر عارضه قلبی در بیمارستان امام خمینی (ره) دار فانی را وداع گفت.

آقای دکتر احمد احمدی در سال ۱۳۱۲ در روستای کهکدان ملایر به دنیا آمد و پس از فراگرفتن دروس مقدماتی به حوزه علمیه بروجرد رفت و به مدت ۵ سال دروس دینی را تا اواخر سطح ۲ فراگرفت. پس از آن به حوزه علمیه قم رفت و دروس تفسیر و فلسفه اسلامی را در سطوح عالی (اسفار و شفا) نزد علامه طباطبائی، درس فقه و اصول را نزد استادانی چون حضرت امام خمینی (ره)، آیات عظام سلطانی، مشکینی، محقق داماد و نجفی مرعشی فرا گرفت و همزمان دکترای فلسفه غرب را از دانشگاه تهران اخذ کرد.

آقای دکتر احمدی از سال ۱۳۵۲ عضو هیأت علمی دانشگاه تهران بود و فلسفه اسلامی و فلسفه غرب و فلسفه تطبیقی را در مقطع دکتری تدریس می کرد.

ایشان از سال ۱۳۶۰ به عنوان عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیت داشت. دکتر احمدی بنیانگذار سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت) بود و حدود ۳۳ سال مدیریت این سازمان را برعهده داشت.

وی همچنین از مؤسسان دانشگاه تربیت مدرس بود و در هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، نماینده مردم تهران در مجلس بود. شادروان آقای دکتر احمد احمدی در سال های عضویت در فرهنگستان علوم در برنامه های گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان مشارکت مؤثر داشت و با مقالات و سخنرانی ها و بحث ها و گفتگوهای ارزشمند خود در پیشبرد فعالیت های گروه مزبور نقشی بسزا داشت.

از جمله آثار شادروان آقای دکتر احمدی، می توان به کتاب های «بن لایه های شناخت» (تألیف)، «مختارات من نصوص الفلسفة الاسلامیة» (تألیف)، «نقد تفکر فلسفی غرب» (ترجمه)، «تأملات در فلسفه اولی» (ترجمه) و «تأسیس مابعدالطبیعه اخلاق» (ترجمه) اشاره کرد.

پیکر پاک استاد فقید آقای دکتر احمد احمدی روز یکشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۹۷ با حضور جمع کثیری از چهره های علمی و فرهنگی و دانشگاهی و مسئولان کشوری و لشکری از مقابل سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی تشییع شد.

در این مراسم آقایان آیت الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم و دکتر غلامعلی حداد عادل عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی درباره ویژگی های ممتاز علمی و اخلاقی استاد احمدی سخنرانی ایراد کردند. پیکر شادروان آقای دکتر احمد احمدی سپس به قم منتقل شد و به توصیه رهبر معظم انقلاب اسلامی، در حرم حضرت معصومه (س) و در جوار آرامگاه مرحوم علامه طباطبائی دفن شد. آیت الله آقای جوادی آملی بر پیکر مرحوم آقای دکتر احمدی نماز خواند.

فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران ضایعه درگذشت استاد فقید دکتر احمد احمدی را به اعضای فرهنگستان، جامعه علمی و فرهنگی و دانشگاهی کشور و خانواده ایشان تسلیت می گوید و از درگاه خداوند متعال برای آن فقید سعید علو درجات مسألت دارد.



پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت درگذشت دکتر احمدی:

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت روحانی عالیقدر و دانشمند حجت الاسلام دکتر احمد احمدی را تسلیت گفتند. متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

با تأسف و تأثر خبر درگذشت روحانی عالیقدر و دانشمند جناب حجت الاسلام آقای دکتر احمد احمدی رحمه الله علیه را دریافت کردم. عمر با برکت این دانش آموخته فاضل حوزه و دانشگاه یکسره در خدمت علم و تحقیق و تربیت جوانان جوای علم بوده است. مسئولیت‌های مهم این عنصر خدوم و پرکار در مسائل دانشگاهی در دوران انقلاب و جمهوری اسلامی فصل درخشانی از زندگی ایشان است. عضویت ده‌ها ساله در شورای عالی انقلاب فرهنگی، ایجاد و اداره مؤسسه سمت، مدیریت بخش‌های مهم و حساسی از مجموعه دانشگاهی کشور، بخش‌های برجسته‌ای از این دوران است. اینجانب درگذشت این مرد انقلابی و وفادار را به خاندان و فرزندان محترم و همکاران و شاگردان و دوستان ایشان تسلیت عرض می‌کنم و رحمت و مغفرت الهی را برای آن مرحوم مسألت می‌کنم.

سیدعلی خامنه‌ای، ۱۹ خرداد ۱۳۹۷».

پیام تسلیت رئیس محترم جمهوری:

«بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

درگذشت استاد وارسته و دانشمند توانا حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی، موجب تأثر و تألم شد. این اندیشمند متعهد و پرتلاش عمر شریف خود را در راه تولید و نشر آثار فاخر فکری و فرهنگی سپری کرد و طی سالیان متمدای نیز، حضوری فعال و اثربخش در شورای عالی انقلاب فرهنگی داشت. آن مرحوم که با تألیف کتب و مقالات آگاهی‌بخش و همچنین پرورش شاگردان فراوان در حوزه معارف فلسفی، دینی و اخلاقی، منشأ خدمات ارزنده‌ای شد؛ جایگاهی شایسته و ماندگار در میان اصحاب فرهنگ و اهل معرفت

ایران اسلامی خواهد داشت.

اینجانب مصیبت وارده را به جامعه علمی و فرهنگی کشور، شاگردان، علاقمندان و به‌ویژه خانواده محترم آن فقید سعید تسلیت می‌گویم و در ایام پرفیض ماه مبارک رمضان از درگاه خداوند متعال برای ایشان علو درجات و همجواری با ائمه هدی (ع) و برای عموم بازماندگان صبر و سلامتی مسألت دارم.

حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی ایران».

پیام تسلیت رئیس محترم مجلس شورای اسلامی:

«بسم الله الرحمن الرحيم: رحلت عالم جلیل‌القدر، استاد برجسته و دانشمند حق طلب، جناب آقای دکتر احمد احمدی باعث تأثر شدید گردید. ایشان سال‌ها در محضر علامه طباطبایی (قدس سره) و امام خمینی (رحمه الله علیه) تلمذ نمودند و در دانشگاه تهران به تدریس فلسفه اشتغال داشتند.

در همه این دوران در کنار وجهه علمی، سجایای اخلاقی و تواضع و پارسایی ایشان در تربیت شاگردان بسیار مؤثر بود. خدمات ایشان در سال‌های طولانی عضویت در شورای انقلاب فرهنگی و سازمان سمت و پایه‌گذاری دانشگاه تربیت مدرس و دلسوزی در حل مشکلات کشور بر کسی پوشیده نیست.

برای آن سفرکرده عروج به عالم ملکوت و کسب مقام رضا از مقام احدیت را خواستارم و به خانواده محترم ایشان و حوزه‌های علمیه و اساتید دانشگاه و شاگردان استاد عرض تسلیت و تعزیت دارم.

علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی».

پیام تسلیت رئیس محترم قوه قضاییه:

«بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

خبر ارتحال حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر احمد احمدی رئیس سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، موجب تأسف اینجانب گردید.

این ضایعه مولمه را به محضر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، بیت محترم ایشان و شاگردان آن عالم وارسته تسلیت عرض نموده و

از خداوند متعال برای آن فقید سعید علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت می‌نمایم.
صادق آملی لاریجانی رئیس قوه قضاییه».

یادداشت رئیس فرهنگستان علوم در سوگ دکتر احمد احمدی:

«هوالباقی؛ خبر درگذشت استاد دکتر احمد احمدی برای کسی که با او سابقه یک عمر دوستی داشته است نمی‌تواند بسیار ناگوار و اندوه‌بار و تأسف‌آور نباشد. این درگذشت مصیبتی بزرگ نه فقط برای خانواده و دوستان بلکه برای علم و فرهنگ ایران است. دکتر احمدی در حوزه و دانشگاه خوب درس خوانده بود و مهمتر اینکه دانشمندی به تمام معنی اخلاقی و دیندار بود اما اهل تظاهر نبود. در دانش و دانشمندی و حتی در کار فلسفه با اینکه جامع قدیم و جدید بود، داعیه نداشت و طلب و جستجوی علم و معرفت را هرگز رها نکرد. آخرین باری که ایشان را دیدم گفت آدم پیر که می‌شود تبیل هم می‌شود. یعنی متأسف بود که چرا مثل زمان جوانی که خستگی نمی‌شناخت نمی‌تواند کار کند. رسم اینست که وقتی کسی از دنیا می‌رود با چشم‌پوشی می‌گوییم «أنا لانعلم منه آلا خیراً و انت اعلم به منّا». در مورد دکتر احمدی به جرئت می‌گویم که جز خوبی و حسن نیت و قصد خدمت در کارها از او ندیده‌ام. دکتر احمدی یک دانشمند جامع بود. در تفسیر قرآن به دقایقی توجه داشت که اسلاف و معاصران کمتر به آنها التفات کرده بودند و البته شاگرد خاص و محرم و امین علامه طباطبایی و ویراستار تفسیر المیزان باید هم چنین دقت نظرهایی داشته باشد. در فلسفه گرچه زیاد ننوشت اما آنچه نوشت خوب نوشت. اصراری هم در چاپ نوشته‌های خود نداشت. پنجاه سال پیش برای یکی از استادان مقاله‌ای به عنوان تکلیف کلاس نوشته بود. مقاله در باب اشعری و هیوم بود. استاد مقاله را شاید چون آن را تحقیقی یافته بود، به من داد که بخوانم. مقاله‌ای بسیار خوب بود و با اینکه مضمون آن همواره تا آخر عمر ذهن حضرت استاد را مشغول کرده بود تا آنجا که من می‌دانم هرگز آن مقاله یا صورت تفصیل یافته‌اش را چاپ نکرد. تواضع دکتر احمدی مثال‌زدنی است. او مرد بزرگ و ساده‌ای بود. با صراحت سخنش را می‌گفت و هر چه می‌گفت از روی عقیده بود و البته شیرین‌زبان و

خوش‌محضر هم بود. اکنون با درگذشت دکتر احمدی جامعه فرهنگی و دانشگاهی و البته حوزه علمیه قم و مخصوصاً فرهنگستان علوم عضوی مؤثر و استادی را از دست داده است که به دشواری می‌توان نظیر و جانشینی برای او یافت. این ضایعه بزرگ را به همه صاحبان دانش و معرفت و دوستداران اخلاق و حقیقت و بخصوص به استادان و دانشجویان فلسفه و علوم انسانی و بالخصوص به همسر و فرزندان گرانمایه‌اش که جناب آقای دکتر وحید احمدی مقدم آنان است، تسلیت عرض می‌کنم. درود و رحمت خدا بر او باد که خوب و پاک زیست. اهل ریا و تظاهر نبود و همانطور زندگی و عمل کرد که می‌گفت و می‌اندیشید. رضا داوری اردکانی».

پیام تسلیت رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم:

«هوالباقی بعد فناء کل شیئی

با همه فضل و دانش و هنری اینش برتر هنر که انسان بود
دکتر احمد احمدی استاد فلسفه، خدمتگزار صدیق ملت ایران و عضو گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم از کاروان دانشیان به ابدیت پیوست. آن بزرگوار سال‌های متمادی در حوزه علمیه قم، حضور استادان مختلف علوم قرآنی، فقه، اصول و حکمت اسلامی به‌ویژه محضر پرفیض علامه طباطبائی (طاب‌ثراه) را درک و در دانشگاه تهران درجات عالییه فلسفه را طی کرده بود. در تعلیم و تربیت شاگردان، تلاش و کوشائی، تزئین به تواضع و فروتنی و تخلق به اخلاق حمیده اسلامی نمونه بود. فقدان این مربی دانشمند ضایعه‌ای است اسفناک برای جامعه ما. والذی یسهل الخطب انها بعین الله. این مصیبت بزرگ را به خانواده سوگوارش و عموم اهل دانش و فرهنگ کشور عزیزمان ایران تسلیت می‌گوییم و برای آن روان‌شاد رضوان واسعه حق متعال و برای عموم بستگان سوگوار و فرزندان داغدار صبر جمیل و اجر جزیل از درگاه خداوند مسألت داریم. سیدمصطفی محقق داماد».

دکتر غلامرضا اعوانی: شادروان دکتر احمد احمدی جامع معقول

و منقول بود: آقای دکتر غلامرضا اعوانی عضو پیوسته فرهنگستان علوم در مراسم بزرگداشت شادروان آقای دکتر احمد احمدی که در

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شد، در مورد ویژگی‌های حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمدی گفت: استاد احمدی نمونه‌ای بود که باید بسیار از او درس گرفت. قرآن، پیامبر را به عنوان اسوه معرفی کرده است و در عین حال در روایات داریم که علما، وارثان پیامبرانند.

دکتر اعوانی ادامه داد: زندگی دکتر احمدی نمونه مجاهدت بود. او به دنیا تعلقی نداشت و این نمونه اخلاق انبیاست. اخلاق یکی از ویژگی‌های او بود که از شروط دین است. اخلاق اصل همه ادیان الهی است و ایشان نمونه اخلاص بود. او مطلقاً اهل ظاهر و ریا نبود. استاد فلسفه دانشگاه شهید بهشتی گفت: یکی از خصوصیات که برای ما لازم است جامعیت است. برخی از ما تنها در یک حوزه تخصص داریم اما مرحوم احمدی از چند جهت جامع بود. او جامع منقول و معقول بود. جمع بین حوزه و دانشگاه و جمع بین فلسفه

اسلامی و فلسفه غرب بود. او شاگرد مسلم علامه طباطبایی بود ولی به خاطر تواضعی که داشت من یک بار از زبان ایشان نشنیدم که گفته باشند من شاگرد علامه طباطبایی هستم. دکتر اعوانی ادامه داد: دکتر احمدی خدمت به خلق را عبادت خود می‌دانست. ایشان دانشگاه تربیت مدرس را تأسیس کرد و دانشمندان و استادان بزرگی را تربیت نمود. عضو پیوسته فرهنگستان علوم افزود: استاد احمدی یک جلد اسفار را با دقت زیادی تصحیح کرد و یک صفت ایشان امانتداری بود که سعی می‌کرد در هر مسئولیتی حق آن را ادا کند. دکتر اعوانی در پایان گفت: مرحوم دکتر احمد احمدی گوش شنوا داشت. کسی که گوش شنوا ندارد علم هم ندارد. قرآن در مورد پیامبر عبارت «أذن» را به کار برده است و عباد الرحمن را کسانی می‌نامند که حرف‌ها را می‌شنوند و بهترین را انتخاب می‌کنند. این صفات در وجود ایشان بارز است. او حق را بدون تعارف بیان می‌کرد.

بازدید رئیس فرهنگستان علوم از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

صبح روز دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۷، آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران از سی و یکمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بازدید کرد.

رئیس فرهنگستان علوم در ابتدای بازدید از نمایشگاه کتاب مورد استقبال معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس نمایشگاه قرار گرفت. آقای دکتر جوادی در این دیدار گزارشی از برپایی سی و یکمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب ارائه کرد. در ادامه آقای دکتر داوری اردکانی از غرفه‌های نمایشگاه بازدید کرد و با تعدادی از ناشران و علاقمندان به کتاب و کتابخوانی دیدار و گفتگو نمود.

رئیس فرهنگستان علوم در پاسخ به پرسش خبرنگار ستاد برگزاری نمایشگاه درباره شعار امسال نمایشگاه گفت: شعار «نه به کتاب نخواندن» در واقع درخواست نیست؛ بلکه یک اعتراض است. این شعار اعتراض می‌کند به اینکه مردم کتاب نمی‌خوانند.

رئیس فرهنگستان علوم ادامه داد: نسبت به زمان قدیم مطالعه ما

کمتر شده و سیر نزولی داشته است. اکنون نیز مشغولیت در فضای مجازی سبب شده مردم کمتر کتاب بخوانند. دکتر داوری اردکانی در ادامه اظهار کرد: به نظر می‌رسد ما سؤالی از خود نمی‌پرسیم و احتیاجی نداریم به کتاب مراجعه کنیم. ما خیلی کم کتاب می‌خوانیم و تیراژ برخی کتاب‌ها به ۵۰۰ نسخه رسیده است و این خیلی قابل تأمل است که کشوری با ۸۰ میلیون نفر جمعیت و چند هزار سال سابقه تاریخی، علمی و فرهنگی تیراژ چاپ کتابش تا این حد پایین بیاید. کتاب‌هایی که تیراژ بالایی دارند، محدود و خاص هستند. ما ۵ میلیون دانشجو در کشور داریم. اگر هر دانشجو در سال تنها یک کتاب خریداری کند، سالانه ۵ میلیون کتاب به فروش می‌رسد. البته خرید یک کتاب در سال بسیار اندک است و باید بسیار بیش از این باشد.

سی و یکمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از تاریخ ۱۲ تا ۲۲ اردیبهشت ماه در مصلای امام خمینی (ره) برگزار شد.



در پنجمین جشنواره آموزش دانشگاه تهران که روز دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۷ با حضور رئیس دانشگاه تهران در تالار فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی این دانشگاه برگزار شد، از ۷ استاد پیشکسوت آموزشی دانشگاه، ۴۲ عضو هیأت علمی برگزیده آموزشی دانشگاه و ۴ معاون آموزشی و مدیر برگزیده واحدهای دانشگاه تهران تجلیل به عمل آمد. در این مراسم از آقایان دکتر پرویز جبه‌دار مارالانی، دکتر غلامعباس توسلی و دکتر علی



پنجمین جشنواره آموزش دانشگاه تهران

اسلامی اعضای پیوسته فرهنگستان علوم به عنوان پیشکسوتان آموزشی دانشگاه در پنجمین دوره جشنواره، تجلیل به عمل آمد. آقایان دکتر آذرتاش آذرنوش، دکتر محسن حبیبی، دکتر رحیم زارع نهندی و دکتر حسن رضا اعتباریان دیگر پیشکسوتان آموزشی دانشگاه بودند که در این بخش تجلیل شدند. در بخش اعضای هیأت علمی برگزیده آموزشی نیز از آقای دکتر سیدمهدی قمصری عضو وابسته گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم و استاد دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران تقدیر شد.

دکتر سیدمهدی الوانی؛ برنده جایزه افضل پور

در سیزدهمین دوره اعطای جایزه زنده‌یاد افضل پور بنیانگذار دانشگاه کرمان، که در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۷ در تالار وحدت دانشگاه شهیدباهنر کرمان برگزار شد، آقای دکتر سیدمهدی الوانی عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و استاد مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی، به عنوان برگزیده کشوری، به دریافت جایزه افضل پور نائل شد.



تجلیل از دکتر مرتضی خوشخوی در سومین همایش ملی آموزش عالی

سومین همایش ملی آموزش عالی ایران، روز سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷، با حضور و سخنرانی معاون آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، و رئیس دانشگاه شهیدبهشتی در تالار ابوریحان مرکز همایش‌های بین‌المللی دانشگاه شهیدبهشتی برگزار شد.

در سومین دوره برگزاری این همایش، از ۱۰ استاد برجسته دانشگاه‌های کشور به عنوان سرآمدان آموزش عالی تقدیر شد. آقای دکتر مرتضی خوشخوی عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز یکی از برگزیدگان این دوره بود که از ایشان تجلیل به عمل آمد. آقایان دکتر روح‌الله باقری از دانشگاه صنعتی اصفهان، دکتر عبدالله شمس از دانشگاه شهیدبهشتی، دکتر علی سقفی از دانشگاه علامه طباطبائی، دکتر محمدرضا حافظ‌نیا از دانشگاه تربیت مدرس، دکتر سعید رضایی شریف‌آبادی از دانشگاه الزهراء، دکتر کوروش شهریار از دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دکتر سیدمحمد کاشفی از دانشگاه شهیدچمران اهواز، دکتر محمدرضا نیشابوری از دانشگاه تبریز و دکتر سیدمحمدعلی موسویان از دانشگاه تهران از دیگر برگزیدگان این دوره بودند.



تجلیل از دکتر حسن تاج‌بخش در دانشکده طب ایرانی



مراسم بزرگداشت مقام شامخ علمی آقای دکتر حسن تاج‌بخش استاد ممتاز دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان علوم، با حضور آقای دکتر محمدرضا مخبر دزفولی دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی و جمعی از استادان، همکاران، دانشجویان و خانواده استاد تاج‌بخش، در تاریخ ۱۳۹۷/۲/۲۰ در دانشکده طب ایرانی برگزار شد. در این مراسم دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، مشاور وزیر و مدیرکل دفتر طب ایرانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاون آموزشی دانشگاه تهران، رئیس انجمن ایمونولوژی ایران، رئیس دفتر ارتباط با دانش‌آموختگان دانشگاه علوم پزشکی تهران، دبیر کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران شورای عالی انقلاب فرهنگی، رئیس موزه تاریخ علوم پزشکی و استاد دکتر حسن تاج‌بخش سخنرانی کردند. آقای دکتر محمدرضا مخبر دزفولی دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی و

انتشار شماره جدید مجله پژوهش‌های راهبردی در علوم کشاورزی و منابع طبیعی



جلد سوم، شماره اول، مجله علمی-پژوهشی «پژوهش‌های راهبردی در علوم کشاورزی و منابع طبیعی»، ویژه بهار سال ۱۳۹۷، توسط گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران منتشر شد. در این شماره ۱۰ مقاله از استادان و صاحب‌نظران بخش کشاورزی و منابع طبیعی به چاپ رسیده و در بخش پایانی مشروح تعدادی از بیانیه‌ها و چکیده طرح‌های پژوهشی خاتمه‌یافته گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم منتشر شده است.

عناوین مقالات منتشر شده در این شماره مجله عبارتند از:

- واکاوی ارزش عملکردی بوم نظام طبیعی، محمدعلی زارع چاهوکی و انور سنایی
- کاهش تبخیر از مخزن آب سدها، علیرضا سپاسخواه
- بررسی اثرهای انتقال آب بین حوضه‌ای بر منابع آب ایران، محمدرضا رحیمی‌زاده و امید بزرگ حداد
- ارزیابی کیفی مجله‌های علمی ایران در رشته گیاه‌پزشکی، جعفر ارشاد، سید محمد اشکان، کرامت‌اله ایزدپناه، ضیاءالدین بنی‌هاشمی، عباس شریفی‌تهرانی، سعید محرمی‌پور و قدیرنوری قنبلانی
- آینده، زیست فناوری و ایمنی زیستی، منصور امیدوی و مینا سمیعی‌فراهانی
- مشکل‌های مدیریتی گاوداری صنعتی در ایران و ارائه راهکارها، علی نیکخواه

- نقش زیست فناوری در کشاورزی و حفاظت از محیط زیست، بدرالدین ابراهیم سیدطباطبایی
- آسیب شناسی مصاحبه ارزیابی علمی در علوم کشاورزی: چالش ها و راهکارها، رضا مستوفی زاده قلم فرسا
- بررسی کیفی مجله های علوم باغبانی در ایران، مرتضی خوشخوی، مجید عزیزی، کورش وحدتی، واژگین گریگوریان، مصطفی مبلی و
عنایت الله تفضلی
- زیست فناوری کشاورزی و سلامت غذا، محمدعلی ملبوبی و فاطمه حبیب پور



زهرآبه های قارچی: اهمیت و نقش آنها در بهداشت عمومی کشاورزی

سخنرانی دکتر مهدی رزاقی ایبانه در فرهنگستان علوم

به همت شاخه گیاه پزشکی گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم یک جلسه سخنرانی تخصصی با عنوان «زهرآبه های قارچی: اهمیت و نقش آنها در بهداشت عمومی کشاورزی» در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۷ در تالار اجتماعات فرهنگستان علوم برگزار شد.

خلاصه سخنرانی ایشان بدین شرح است:

«علیرغم مطالعات فراوان طی نیمه اول قرن گذشته، تنها در دهه ۱۹۶۰ میلادی مشخص شد که متابولیت های برخی از انواع قارچ های رایج در مواد غذایی عامل بیماری و مرگ انسان و دام هستند.

امروز تردیدی وجود ندارد که متابولیت های سمی قارچ ها یعنی زهرآبه های قارچی (mycotoxins) مسئول بسیاری از اپیدمی های مسمومیت کشنده در جوامع انسانی و دامی به ویژه در دوران اخیر بوده اند. شیوع بیماری ارگوتیسم که موجب مرگ صدها هزار نفر در اروپا طی هزاره گذشته میلادی شد از آن جمله است.

مسمومیت غذایی آلوکیا موجب مرگ حداقل صد هزار نفر از مردم روسیه طی سال های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۸ شد. استاکای بوتریوتوکسیکوز در دهه ۱۹۳۰ موجب مرگ ده ها هزار اسب در اتحاد جماهیر شوروی

در این جلسه آقای دکتر مهدی رزاقی ایبانه استاد بخش قارچ شناسی انستیتو پاستور ایران سخنرانی ایراد کرد. در ابتدای جلسه آقای دکتر عباس شریفی تهرانی رئیس گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم به حضاران خوشامد گفت و در ادامه آقای دکتر کرامت اله ایزدپناه رئیس شاخه گیاه پزشکی فرهنگستان علوم و دبیر جلسه در مورد ضرورت و اهمیت موضوع جلسه توضیحاتی بیان کرد.

سپس آقای دکتر مهدی رزاقی ایبانه پیرامون موضوع به ایراد سخن پرداخت.



اخبار و گزارش ها

گردید و آفاتوکسیکوز نیز در سال ۱۹۶۰ موجب مرگ صدهزار قطعه نیمچه بوقلمون در انگلستان شد. سموم تولیدشده توسط قارچ‌ها (به استثنای بازیدومیسیت‌ها) به نام زهرابه‌های قارچی شناخته می‌شوند و براساس يك توافق عمومی این نام معمولاً به قارچ‌های موجود در مواد غذایی و خوراك حیوانات محدود می‌گردد. چهار نوع اصلی از اختلالات ناشی از زهرابه‌های قارچی شامل مسمومیت حاد، مسمومیت مزمن، جهش‌زایی و ناقص الخلقه‌زایی می‌باشد. زهرابه‌های قارچی به عنوان محصولات متابولیکی ثانویه شناخته می‌شوند، این بدان معنی است که این ترکیبات نقش ویژه و شناخته‌شده‌ای در متابولیسم طبیعی و رشد قارچ ندارند و به طور معمول البته نه کاملاً انحصاری توسط قارچ‌ها پس از مرحله رشد فعال تولید می‌شوند. زهرابه‌های قارچی معمولاً دارای ساختارهای مولکولی متفاوتی هستند و ساختارهایی شامل يك حلقه هتروسیکلیک با وزن مولکولی کمتر از ۵۰ دالتون تا گروه‌هایی از حلقه‌های نامتجانس با وزن مولکولی بیش از ۵۰۰ دالتون را در بر می‌گیرند. قارچ‌های مولد زهرابه عموماً در ۳ جنس از قارچ‌های رشته‌ای شامل جنس آسپرژیلوس، فوزاریوم و پنی سیلیوم قرار می‌گیرند. این قارچ‌ها پراکندگی جهانی دارند و در برخی از مناطق دارای پیوندهای اکولوژیکی بسیار پایدار با ذخایر غذایی انسان هستند. گونه‌های فوزاریوم عوامل بیماری‌زای مخرب برای زراعت غلات و سایر محصولات هستند و انواع متنوعی از مایکوتوکسین‌ها را قبل از برداشت و یا بلافاصله پس از برداشت محصول تولید می‌کنند. گونه‌های خاصی از آسپرژیلوس و پنی‌سیلیوم نیز برای گیاهان بیماری‌زا بوده و یا به‌صورت هم‌زیست با گیاه زندگی می‌کنند. اما این قارچ‌ها معمولاً هنگام خشک کردن و نگهداری محصولات در انبار، آنها را به مایکوتوکسین‌ها آلوده می‌نمایند. براساس گزارش‌های سازمان خواروبار جهانی (FAO)، سالانه ۲۰ درصد از محصولات غذایی تولیدشده در دنیا به زهرابه‌های قارچی آلوده می‌شوند که در این میان آلودگی ناشی از آفاتوکسین‌ها (aflatoxins) سهم بیشتری نسبت به آلودگی با سایر قارچ‌زهرها دارد. همچنین میزان زیان‌های ناشی از حذف مواد غذایی آلوده و خسارات وارد شده به محصولات کشاورزی آمریکا معادل ۱۰۰ میلیون دلار در هر سال اعلام شده است.

براساس بررسی‌های به عمل آمده توسط CDC و FDA سالیانه ۳-۱۴ درصد از جمعیت آمریکا به مسمومیت غذایی مبتلا می‌شوند که از این تعداد حدود ۹۰۰۰ نفر بر اثر مسمومیت با زهرابه‌های قارچی، باقیمانده‌های دارویی و آفت‌کش‌های کشاورزی از بین می‌روند. در بین زهرابه‌های قارچی، انواع تولیدشده به‌وسیله جنس آسپرژیلوس و به‌ویژه آفاتوکسین‌ها به واسطه خسارت هنگفت اقتصادی به صنعت کشاورزی و آلوده شدن غذای انسان و دام از اهمیت بسزایی برخوردار هستند. سالیانه مقادیر قابل توجهی از محصولات کشاورزی به ارزش میلیاردها دلار دستخوش حمله قارچ‌های مولد آفاتوکسین شده و از بین می‌روند. محصولات حاوی آفاتوکسین کیفیت مرغوبی نداشته و به قیمت ارزانتری عرضه می‌شوند. زیان‌های اقتصادی ناشی از آلوده شدن مواد غذایی و خوراك دام و طیور به آفاتوکسین‌ها شامل خسارات اقتصادی وارده به صنعت دامپروری و ایجاد تلفات در دام و طیور، شیوع بیماری‌های دامی در دامداری‌ها و مرغداری‌ها، تضعیف سیستم ایمنی دام‌ها، کاهش رشد و تولید، افزایش ضریب تبدیل مواد غذایی، و افزایش هزینه‌های برنامه‌ریزی جهت کاهش خطرات می‌باشد. در بررسی حاضر، اهمیت و نقش زهرابه‌های قارچی در بهداشت عمومی و کشاورزی با تأکید بر آفاتوکسین‌ها و قارچ‌های مولد آنها به عنوان مهمترین زهرابه‌های قارچی شناخته شده در ایران و جهان مورد ارزیابی قرار گرفته است.

پس از سخنان آقای دکتر رزاقی ایبانه، خانم دکتر میرابوالفتحی محقق مؤسسه تحقیقات گیاه‌پزشکی کشور سابقه مایکوتوکسین‌ها یا زهرابه‌های قارچی را بیان و در مورد کشف آفاتوکسین توضیحاتی ارائه کرد. ایشان اظهار داشت که این سم تعداد زیادی از طیور و ماهی‌ها را به واسطه وجود بادام زمینی آلوده در زنجیره غذایی از بین برد. خانم دکتر میرابوالفتحی در ادامه آماری از خسارات ناشی از تلف شدن دام‌های اهلی ارائه کرد و گفت: این سم‌ها باعث سرطان‌زایی و ناقص الخلقه‌زایی می‌شوند. از بین بردن آنها به طور کامل ممکن نیست اما می‌توانیم با استفاده از روش‌های کنترل، از افزایش آنها جلوگیری کنیم.

در پایان جلسه، پرسش و پاسخ میان حاضران و سخنرانان برگزار شد.

انتشار شماره سوم مجله «نامه فرهنگستان علوم»

شماره سوم از دوره جدید مجله «نامه فرهنگستان علوم» با موضوع تغییر اقلیم و گرمایش زمین، توسط فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران منتشر شد.

مقالات و مطالب منتشر شده در این شماره مربوط به تعهدات بین‌المللی ایران در قبال تغییر اقلیم و گرمایش زمین است که با نظارت آقای دکتر یوسف ثبوتی تنظیم و چاپ شده است. شماره سوم نشریه نامه فرهنگستان علوم با سخن سردبیر مجله آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد با عنوان «روابط انسان و طبیعت از دیدگاه قرآن مجید» آغاز می‌شود.

پیشگفتار این شماره به قلم آقای دکتر یوسف ثبوتی عضو پیوسته و رئیس گروه علوم پایه فرهنگستان علوم است. ایشان در پیشگفتار اظهار می‌دارد: «کنواسیون چارچوب سازمان ملل برای تغییر اقلیم» ۱ از بدو تأسیس تاکنون، ۱۹۹۶-۲۰۰۶ میلادی، ۲۲ نشست اعضا [Conference of Parties (COP)] داشته است. مهمترین آن COP21 پاریس است. در این

نشست اعضا به اجماع توافق کردند دمای زمین را تا سال ۲۰۵۰ حداکثر به ۲ درجه بالاتر از دمای دوران پیش‌صنعتی (۱۷۵۰ میلادی) محدود کنند و حداکثر توان خود را به کار برند که این دما از ۱/۵ درجه بالاتر نرود. برای هر کدام از کشورها، کشورهای صنعتی پیشرفته، کشورهای با اقتصاد در حال گذار و کشورهای به جا مانده از فروپاشی کشورهای سوسیالیستی شوروی، و کشورهای در حال توسعه نیز وظیفه و نقشی تعیین شده، تا کنواسیون را در رسیدن به اهداف یاری دهند و زمین را از سرنوشتی که ممکن است ناهنجاری‌هایی داشته باشد نجات بخشند. آقای دکتر ثبوتی در ادامه می‌افزاید: رئیس‌جمهور کشورمان، آقای دکتر حسن روحانی، نیز در نشست پاریس شرکت و اعلام کرد:

۱- ایران داوطلبانه خواهد کوشید نشر گازهای گلخانه‌ای خود را از سال ۲۰۲۰ تا سال ۲۰۳۰ به میزان ۴٪ نسبت به سناریوی پایه کاهش دهد.
۲- ایران، مشروط به اینکه تحریم‌های بین‌المللی برداشته شود و منابع مالی لازم به دست آید، خواهد کوشید نشر گازهای گلخانه‌ای خود را، نسبت به سناریوی پایه ۲ تا ۸٪ دیگر پائین بیاورد».

آقای دکتر ثبوتی ادامه می‌دهد: «در بهمن ۱۳۹۴، آقای دکتر نصرت‌الله ضرغام، رئیس صندوق حمایت از پژوهشگران کشور، از اینجانب خواست پژوهشی در کم و کیف تعهدات کشورمان در قبال نهادهای جهانی ترتیب دهم و معلوم شود، در مقابله و سازگاری با تغییر اقلیم و گرمایش زمین و تحقق مسئولیت‌هایی که در قبال نهادهای جهانی پذیرفته‌ایم، جهت‌گیری کشور چگونه باید باشد. علاوه بر آن بخش‌های مختلف کشور اعم از عمومی و خصوصی چه کار باید بکنند، چگونه باید بکنند. با کدام تکنولوژی، مهارت‌های انسانی، و منابع مالی این وظایف را به انجام رسانند. و مهم‌تر از همه با کدام چشم‌انداز و بینش آینده‌نگرانه برای رسیدن به هدف گام بردارند». دکتر ثبوتی ادامه می‌دهد: «از نیمه فروردین ۱۳۹۵ هر هفته روزهای شنبه جمعی از صاحب‌نظران فرهنگستانی، دانشگاهی، و دستگاه‌های اجرایی و بدنه کارشناسی کشور از بخش‌های محیط زیست، انرژی، آب، کشاورزی، منابع طبیعی، بهداشت و سلامت، صنعت، خدمات، تجارت، و غیره گرد هم می‌آیند و روی موضوعات زیر هم‌اندیشی می‌کنند:

- سناریوهای توسعه کشور با توجه به چشم‌انداز آینده و سیاست‌های ملی و منطقه‌ای کشور
- نشر گازهای گلخانه‌ای کشور و سیاست‌های دولتی و ملی برای کاهش آن
- ارزیابی آسیب‌پذیری‌های ناشی از تغییر اقلیم و راهکارهای سازگاری با آن
- تحلیل‌های آماری و دیده‌بانی برای سازگاری با تغییر اقلیم و کاستن از آثار زیان‌بار آن



اخبار و گزارش‌ها

- راهبردهای ملی برای لحاظ کردن پیامدهای خوش و ناخوش تغییر اقلیم در توسعه پایدار کشور

برای هرکدام از بندهای اشاره شده و زیربندهای فراوان آنها کارگروهی متشکل از ۵ - ۶ صاحب نظر گرد هم می آیند، موضوع را در ۳ الی ۵ جلسه بررسی می کنند، و سرانجام نظر مشورتی نهایی را در قالب دو گزارش، ۱- گزارش برای مدیران و تصمیم گیران، با ذکر جزئیات، ۲- گزارش برای آگاهی مردم، با ادبیاتی ساده تر و در نوشته هایی کوتاه تر تدوین می کنند. امید دارم سری گزارش هایی که تحت عنوان: تعهدات بین المللی ج.ا.ایران در قبال تغییر اقلیم و گرمایش زمین بر اساس تعهدات بین المللی COP21 منتشر می شوند، چه با عنوان «برای مدیران» و چه در زیر نام «خلاصه برای مردم» گامی در جهت ادای دین تهیه کنندگان آن به کشور و جامعه باشد.

آقای دکتر ثبوتی در پایان خاطر نشان می کند: طرح به سفارش صندوق حمایت از پژوهشگران انجام گرفته و هزینه های آن از طرف صندوق تأمین شده است. محل انجام طرح فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران بوده و از امکانات اداری و خدماتی فرهنگستان استفاده شده است. از هر دو نهاد صمیمانه سپاسگزارم.

عناوین مطالب و گزارش ها و مقالات چاپ شده در این شماره مجله نامه فرهنگستان عبارتند از:

۱- چکیده توافقاتی های اجلاس بیست و یکم تغییر اقلیم سازمان ملل متحد، پاریس / دکتر یوسف ثبوتی - حامد زندگی
۲- تغییر اقلیم، پیش نگر و برنامه ریزی / دکتر مجید حبیبی
نوخندان - دکتر ایمان بابائیان

۳- بررسی روند انتشار گازهای گلخانه ای در ایران و جهان (گزارشی برای آگاهی سازی عمومی/ طرح ملی تغییر آب و هوا / سازمان حفاظت محیط زیست) / تهیه و تنظیم: مهندس محمد صادق احدی
۴- درباره بخش انرژی / دکتر یدالله سبوحی - حسام قدکساز - حسین خواجه پور - لیلا بابائی - علی حسین نژاد - نیلوفر صالحی - آیدا شاهرخ

۵- چالش ها و فرصت های بهره برداری از مشعل های صنعت نفت و گاز / دکتر یدالله سبوحی - دکتر معصومه برارزاده - امیر وهاب پور - حسام قدکساز - محمد طهماسب زاده - سارا شاددل - محمد شجاعی

۶- ارزیابی آسیب پذیری و سازگاری در بخش آب / دکتر هدایت فهمی
۷- اثرات تغییر اقلیم بر کشاورزی و امنیت غذایی / دکتر هدایت فهمی
۸- تغییر اقلیم و سلامت / دکتر علیرضا مصداقی نیا - دکتر علی اردلان - دکتر منا خالقی راد - عارفه موسوی

۹- تغییر اقلیم و جنگل ها در ایران / دکتر پدram عطارد
۱۰- فلات ایران و چشمه های گرد و غبار مؤثر بر آن / دکتر حمیدرضا خالصی فرد

۱۱- نگاهی بر پیامدهای تغییر اقلیم، آسیب پذیری، سازگاری و توسعه پایدار با تأکید بر پدیده گرد و غبار / دکتر عباس رنجبر - دکتر ساویر صحت کاشانی - امیرحسین نیکفال - ماهان صابری
۱۲- مدیریت پسماندهای شهری و اثرات زیست محیطی و اجتماعی آن / مینا کلاگر - نیلوفر صالحی

۱۳- نگرشی بر نحوه ایجاد سیستم های ملی MRV و چارچوب اندازه گیری، گزارش دهی و اعتبارسنجی برنامه اقدام های ملی کاهش، NAMAs / مهندس محمد مهدی غفاری

۱۴- جلسه هم اندیشی پیرامون «مسائل اقتصادی مرتبط با اجرای تعهدات بین المللی ایران» / دکتر مسعود نیلی - دکتر یوسف ثبوتی - دکتر بهرام طاهری - دکتر هوشنگ مهریار - دکتر سعادت... نصیری
قیداری - دکتر محمد سلطانیه - دکتر هدایت فهمی - دکتر خالقی راد
۱۵- پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیط زیستی / دکتر محمد سلطانیه

۱۶- جلسه هم اندیشی پیرامون «مسائل اجتماعی، فرهنگی و اداری» (۱) و (۲) / دکتر جعفر توفیقی - دکتر یوسف ثبوتی - دکتر هوشنگ مهریار - دکتر بهرام طاهری - دکتر محمد سلطانیه - دکتر یدالله... سبوحی

۱۷- جلسه هم اندیشی پیرامون «حرکت های موجود بر روی تعهدات و برنامه های مشارکت ملی در سطح بین المللی» / دکتر بهرام طاهری
۱۸- تحلیل جایگاه محیط زیست در قوانین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی / دکتر سید محمد مجابی

۱۹- پیوست ۱ / «گزارش مشروح توافقاتی های اجلاس بیست و یکم

تغییر اقلیم سازمان ملل متحد، همراه با پیشینه مذاکرات و جزئیات ناشی از نتایج اصلی توافقات» / ترجمه و ویراستاری: حامد زندی، دکتر یوسف ثبوتی

«برنامه مشارکت ملی مد نظر جمهوری اسلامی ایران برگرفته از کارگروه ملی تغییر آب و هوا ویژه نهایی سازی برنامه مشارکت ملی / ویراستار:

دکتر یوسف ثبوتی

۲۰- پیوست ۲ / اثرات تغییر اقلیم طرح کلان ملی «بررسی و مدیریت خشکسالی» و برنامه ریزی های کلان کشور / مجری محوری طرح کلان ملی «بررسی اثرات تغییر اقلیم و مدیریت خشکسالی» / دانشگاه شهید بهشتی، مرکز مطالعات سنجش از دور و GIS.



همایش شیمی و چالش های روز کشور

به همت شاخه شیمی گروه علوم پایه فرهنگستان علوم، همایش نیمروزه «شیمی و چالش های روز کشور» در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ در تالار اجتماعات فرهنگستان علوم برگزار شد.

در ابتدای همایش آقای دکتر مجتبی شمس پور رئیس شاخه شیمی گروه علوم پایه فرهنگستان علوم، ضمن خیرمقدم گویی به حاضران، آماری از رتبه شیمی ایران در جهان ارائه کرد. پس از آن استادان پیرامون موضوع جلسه به سخنرانی پرداختند.

آقای دکتر ناصر پارسا تحت عنوان «پیشگیری از سرطان» سخنرانی کرد. به نظر ایشان مبنای درمان های جدید سرطان در شیمی و علوم پایه است. ایشان آماری را از تعداد و انواع سرطان در ایران ارائه کرد و ۱۲ عاملی را که باعث ایجاد سرطان می شود برشمرد. به عنوان مثال، دخانیات، مشروبات الکلی، تغذیه نامناسب به خصوص مصرف بیش از حد گوشت قرمز، اشعه ماوراء بنفش، محصولات نفتی مانند بنزین و مشتقات آن، از عوامل سرطان زا هستند. دفع خون از بدن، خال هایی که تغییر رنگ می دهند، گرفتگی صدا اگر بیش از یک هفته

طول بکشد، تعریق شدید در صبح اگر زیر پیراهن خیس عرق شود، از عوامل هشدار دهنده برای سرطان هستند. جراحی، شیمی درمانی و پرتو درمانی، روش های مبارزه با سرطان هستند. متأسفانه هر چه فقر و سوء تغذیه بیشتر باشد میزان سرطان بیشتر است زیرا ویتامین ها و املاح معدنی برای فعل و انفعال سلول لازم است. پیشگیری مقدم بر درمان است. ۴۰۰ مرکز غربالگری در ایران در حال ساخت و تجهیز است که در ۵ تا ۱۰ سال آینده به ما کمک می کند که به تشخیص زودرس بیماری ها و درمان کامل آنها نائل شویم.

آقای دکتر امیرحسین محوی تحت عنوان «نگاهی به توافقنامه پاریس در انتشار گاز کربنیک» سخنرانی کرد. به نظر ایشان توافقنامه ها مربوط به مشکلاتی است که کشورهای بزرگ ایجاد کرده اند و حالا می خواهند به کمک کشورهایی که در پیدایش این مشکلات اصلاً دخالتی نداشته اند، آنها را حل کنند. گاز کربنیک و متان باعث پدیده گلخانه ای و گرمایشی و آب شدن یخ ها و بالا آمدن سطح آب اقیانوس ها شده اند. ایجاد گاز کربنیک به علت مصرف سوخت های فسیلی مثل نفت و گاز است. وقتی می خواهند ما را به کاهش گاز گلخانه ای و کاهش مصرف سوخت های فسیلی متعهد کنند معنای آن کاهش استخراج نفت و توقف کامل فروش نفت و گاز است. این مسئله برای کشورهایی که مبنای اقتصادشان فروش نفت است باعث ورشکستگی می شود. ما را تشویق می کنند که به دنبال انرژی باد و خورشید برویم یعنی تکنولوژی آن را از همان کشورهای پیشرفته وارد کنیم و متحمل هزینه زیاد شویم. توافقنامه پاریس تحت تأثیر سند ۲۰۳۰ که در مورد تعلیم و تربیت و تغییرات اقلیم بود مطرح شده است. ما توان اقتصادی و اقلیمی برای تأیید و تصویب این توافقنامه را نداریم.



آقای دکتر پیمان صالحی سخنان خود را تحت عنوان «فیتوشیمی، گیاهان دارویی و سلامت جامعه» با این پرسش آغاز کرد که چطور می‌توانیم در آموزش عالی به نیازهای کشورمان پاسخ دهیم. به نظر ایشان باید روی سلامت جامعه هدف‌گذاری شود. ما سند ملی گیاهان دارویی را داریم. از تقسیمات سیزده‌گانه آب و هوایی در جهان ۱۱ مورد آن را در ایران داریم.

پس تنوع گیاهان در ایران بسیار زیاد و به اندازه کل اروپاست. همه دنیا دوست دارند در مورد گیاهان دارویی با ما همکاری کنند. در ایران شبکه ملی پژوهش و فناوری گیاهان دارویی در سال ۱۳۸۱ به وجود آمد. در ریاست‌جمهوری ستاد گیاهان دارویی ایجاد شد.

صنایع گیاهان دارویی ما با دانشگاه‌هایمان رشد کردند. داروهای طب سنتی ما در حال افزایش است و در حال حاضر ۳۳۱ تولیدکننده فرآورده‌های طبیعی داریم که باریج اسانس بزرگترین آنهاست. فیتوشیمی شامل استخراج، جداسازی، خالص‌سازی و غیره است و نقش مؤثری در آنالیز داروها، کنترل کیفی مواد غذایی، تعیین درصد خلوص مواد، تعیین درصد افزودنی مجاز، تعیین درصد ترکیبات مضر مانند نیترات گیاهان که عامل سرطانزا است، و تشخیص مواد تقلبی در غذا را دارد.

در پایان همایش، جلسه پرسش و پاسخ میان حاضران و سخنرانان برگزار شد.



جلسه شورای همگانی گروه علوم مهندسی با موضوع آینده‌پژوهی علم

جلسه شورای همگانی گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم، با محوریت شاخه مهندسی برق و کامپیوتر، تحت عنوان «نهادینه‌سازی، نتیجه‌گرایی و آینده‌پژوهی علم» در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۷ در تالار اجتماعات فرهنگستان علوم برگزار شد.

در این جلسه که رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، مشاور علمی رئیس‌جمهور، رئیس گروه علوم مهندسی و تعدادی از اعضای پیوسته و وابسته و همکاران مدعو گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم حضور داشتند، ابتدا آقای دکتر پرویز جبه‌دار مارالانی عضو پیوسته فرهنگستان علوم و دبیر جلسه به حاضران خوش‌آمد گفت و پس از آن سخنرانی‌ها به شرح ذیل ایراد شد:

سخنران اول آقای دکتر ابراهیم اصل سلیمانی استاد دانشگاه تهران و همکار مدعو گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم و موضوع سخنرانی ایشان «نهادینه‌سازی، نتیجه‌گرایی و آینده‌پژوهی علم» بود. آقای دکتر اصل سلیمانی با نگاهی به عوامل عدم رشد علم و

تکنولوژی در ایران با تأکید بر موارد ذیل سخنرانی ایراد کرد: «تکامل یک تکنولوژی»، «اشکال اساسی کجاست که عاقبت تکنولوژی در کشور ما فاقد ارتقای کیفیت، هزینه و رقابت می‌باشد؟»، «باید بپذیریم که تکامل علم و تکنولوژی بدون درک مبنای فلسفی همان شاخه امکان‌پذیر نیست». ایشان اظهار داشت که علم و تکنولوژی باید جزو حیات فکری جامعه باشد. علم و پژوهش دارای اعتبار عام است نه خاص. این مطلب باید به وجدان جامعه تبدیل شود تا معتبر بماند و جاودانه باشد و بدون شکل‌گیری ساختار فکری و علمی، هیچ‌گونه پیشرفت علمی در کشور به وجود نخواهد آمد. آقای دکتر اصل سلیمانی ادامه داد: تکامل علم و تکنولوژی بدون درک فلسفی همان شاخه علمی ممکن نیست. هاینبرگ اولین کتابی را که در مورد کوانتوم می‌نویسد همان تکامل فلسفی آن است، یعنی مبنای تفکر خود را توضیح می‌دهد. بنابراین تنها راه موفقیت، توجه به این نکته است که علم و فلسفه از هم جدا نشدنی هستند.

آقای دکتر کامبیز بدیع استاد پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات و همکار مدعو گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم سخنران بعدی بود که سخنانی با عنوان «علم و ساختار آن» ایراد کرد و سه مبحث «نهادینه‌سازی علم»، «فرآورده‌دهی علم» و «آینده‌پژوهی علم» را مورد تأکید قرار داد. ایشان بر ارتباط علم با فلسفه در سه مبحث انتولوژی یا وجودشناسی، اپیستمولوژی یا معرفت‌شناسی و متدولوژی یا روش‌شناسی تأکید کرد و اظهار داشت که در بحث نهادینه‌سازی علم، بهسازی مفاد آموزشی با تأکید بر چرایی‌های واقعیات مهم است و یک پژوهشگر باید به سمت چرایی‌های یافته‌های علمی و یافتن چارچوب‌های معنادار یعنی اعتبارسنجی و راستی‌آزمایی ترغیب شود. ایشان ادامه داد: باید افراد را برای دست یافتن به فرهنگ مطالعه تشویق کرد. باید در کاربرد واژگان علمی درخور و جامعیت بخشی به زبان علم در قالب زبان بومی تلاش کنیم. در آینده‌پژوهی علم، مطالعه روند بسط علم و گسترش فن‌شناسی در ابعاد مختلف از نظر اقتصاد، اجتماع، فرهنگ و زیست‌بوم مهم است. ایشان بر القای حس تعهد در قبال حوزه‌های کاری و بهادادن کیفیت علمی کار در حال انجام نیز تأکید کرد.

سخنران بعدی آقای دکتر جواد صالحی استاد دانشگاه صنعتی شریف و عضو وابسته فرهنگستان علوم بود. ایشان درباره اهمیت ایجاد اتاق علم با توجه به «نهادهای مشابه و مرتبط»، «معیار سنجش علم مرزشکن»، «مرزشکنی علمی چگونه صورت می‌پذیرد؟»، «ضرورت و هدف از تشکیل اتاق علم»، «علوم مورد استفاده»، «راهکارها» و «برخی تعاریف در علم سنجی» سخنرانی کرد. به نظر ایشان ما باید به دنبال علمی برویم که در بیست تا سی سال آینده مطرح خواهد شد. باید اتاق علمی را تعریف کنیم که به دنبال پژوهش‌های درازمدت باشد. علم باید مرزشکن باشد و موجب ایجاد قدرت، ثروت و تمدن نوین شود تا بتواند منجر به دریافت بهترین جوایز علمی در سطح جهان شود. یکی از مهمترین روش‌های شناسایی آینده به خود انسان برمی‌گردد. باید برجستگان علمی را شناسایی و اطلاعات شفاهی آنها را استخراج کنیم. پیدا کردن علم مرزشکن، خودش یک علم است. این دانشی از جنس فلسفه علم است. باید به دنبال پژوهش‌های بنیادین باشیم. علوم بنیادین و

نوظهور پایه اصلی شکل‌دهی و پیشرفت تمدن جدید است. مأموریت اتاق فکر باید آگاهی‌بخشی و جهت‌دهی به موجودیت‌های پژوهشی کشور و پژوهشگران برای انتخاب بهترین موضوع پژوهشی با استفاده از ابزارهای ساده و پیشرفته در علم «علم‌شناسی» باشد تا بدین ترتیب بتوانیم رهبری علم مرزشکن یا حداقل قسمتی از آن را در ایران به دست گیریم. در پایان جلسه پرسش و پاسخ میان حاضران و سخنرانان برگزار و بر ایجاد کارگروهی در فرهنگستان با عنوان اتاق علم به منظور بررسی بنیادی مسائل تأکید شد.

آقای دکتر علی‌اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران و عضو وابسته گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم نیز در بخش پایانی جلسه با توجه به موضوعات مطرح شده در سخنرانی‌ها، پیرامون پیشران‌های علم و فناوری سخنانی ایراد کرد که رئوس مطالب ایشان بدین شرح است:

۱- توسعه علم و فناوری، یک نسخه واحد که قابل تسری به تمام کشورها باشد، ندارد.

۲- سیر تحول اجتماعی، تاریخی و پیشینه فرهنگی از جمله عوامل مؤثر بر توسعه علم و فناوری است.

۳- نقش توسعه مدنی و فرهنگی و تعلیم و تربیت یک جامعه در صورت فراهم شدن بستر فرهنگی چاره‌ساز خواهد بود.

۴- به علت فراهم شدن عدالت اجتماعی به مفهوم همه ابعادش در یونان باستان، تعداد نام‌آوران آنها با تعداد نام‌آوران ایران در قبل از دوره اسلام، قابل مقایسه نیست.

۵- نقش حکمرانی و شیوه حکمرانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۶- نقش و جایگاه روابط و تعاملات بین‌المللی بسیار حائز اهمیت است بدین صورت که نمی‌توان محصور بود و در علم و تکنولوژی پیشرفت داشت.

۷- بازارهای اقتصادی در توسعه علم و فناوری بسیار اهمیت دارد. براین اساس باید عنوان کرد که توسعه فرهنگی و مدنی ما بسیار رشد کرده است، نقش شیوه حکمرانی بستر عدالت‌پروری است و انقلاب اسلامی این بستر را فراهم کرده است. ما نیاز به یک هوشمندی داریم که بتوانیم الگوسازی و حرکت کنیم.



نقشه جامع علمی کشور

سخنرانی دکتر محمود مهرداد شکریه

در تاریخ ۱۳۹۷/۳/۹، جلسه شورای همگانی گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم با حضور اعضای پیوسته، وابسته و همکاران مدعو گروه مزبور و به ریاست آقای دکتر پرویز جبه‌دار مارالانی عضو پیوسته گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم تشکیل شد.

در بخش اول این نشست آقای دکتر محمود مهرداد شکریه استاد دانشگاه علم و صنعت ایران و همکار مدعو شاخه مهندسی مکانیک گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم درباره نقشه جامع علمی کشور سخنرانی ایراد و نقدهایی وارد کرد. رئوس مطالب ایشان به شرح زیر است.

- تعریف نقشه جامع علمی

- فصول نقشه

- وضع مطلوب نظام علم و فناوری در سال ۱۴۰۴

- تولید ناخالص داخلی و سهم شرکت‌های دانش بنیان

- اولویت‌های علم و فناوری در کشور

- اولویت‌های کشور در نقشه در دولت و در مجلس

- راهبردهای کلان توسعه علم و فناوری در کشور

- چارچوب نهادی علم فناوری و نوآوری

- ضرورت بازبینی نقشه جامع علمی کشور

(۱) کمبود نقد در این حوزه

(۲) اشکال در عنوان نقشه (نقشه جامع علمی کشور)

(۳) عدم اطلاع استادان دانشگاه و نخبگان کشور از نقشه

(۴) عدم پیاده‌سازی نقشه

(۵) عدم بروزرسانی نقشه از سال ۱۳۸۹ تاکنون

(۶) تعداد زیاد اولویت‌ها

(۷) عدم توجه به نیازهای کشور در اولویت‌دهی (فناوری‌ها اولویت

نیستند)

(۸) عدم توجه به تغییرات سریع در علوم و فناوری جهانی

(۹) عدم توجه به بومی‌سازی مفاهیم بین‌المللی

(۱۰) عدم توجه به تحریم به عنوان یک عامل خارجی

(۱۱) عدم تعهد سازمان‌ها به اجرای نقشه

(۱۲) عدم نظارت و ارزیابی بر اجرای نقشه

(۱۳) عدم وجود آمار قابل اطمینان

(۱۴) توجه به کمیت و عدم توجه به کیفیت

(۱۵) عدم توجه به محدودیت منابع

(۱۶) عدم توجه به عقب‌افتادگی علمی و فناوری کشور

پس از صحبت‌های آقای دکتر مهرداد شکریه، حاضران به بحث و

تبادل نظر درباره نقشه جامع علمی کشور پرداختند و نظرها و

پیشنهادهایشان را مطرح و تأکید کردند تهیه نقشه جامع علمی

کشور کار فرهنگستان علوم نیست، اما فرهنگستان می‌تواند

درخصوص چگونگی ساختار، راهبردها، فرمت و اولویت‌های علمی و

فناوری که لازم است در تدوین نقشه جامع علمی کشور مورد توجه

قرار گیرد، اظهار نظر و رهنمود ارائه کند.



تجلیل از ۶ پژوهشگر جوان برجسته علوم پایه کشور، منتخب فرهنگستان علوم، ۱۳۹۷

در چهارمین دوره تجلیل از پژوهشگران جوان برجسته رشته‌های علوم پایه کشور، منتخب فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، آقایان دکتر یاسر عبدی به عنوان پژوهشگر جوان برگزیده شاخه فیزیک، دکترایمان افتخاری به عنوان پژوهشگر جوان شاخه ریاضی، دکتر علیرضا نقی‌نژاد به عنوان پژوهشگر جوان شاخه زیست‌شناسی، دکتر وحید توکلی به عنوان پژوهشگر جوان شاخه زمین‌شناسی، دکتر علیرضا ختائی به عنوان پژوهشگر جوان شاخه شیمی و دکتر مهدی بیات به عنوان پژوهشگر جوان شاخه شیمی، معرفی شده و از سوی فرهنگستان علوم تقدیر شدند.

آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم در این مراسم ابوریحان بیرونی را مثال دانش‌طلبی دانست و گفت: گرامیداشت وی روز مناسبی برای تجلیل از دانشمندان است. آقای دکتر رضا داوری اردکانی در ابتدای سخنانش ضمن خیرمقدم‌گویی و تشکر از گروه علوم پایه فرهنگستان علوم برای برگزاری این آیین، با بیان اینکه وظیفه فرهنگستان علوم اعزاز دانشمندان است، تأکید کرد: جامعه بشری و زندگی انسان قائل به علم است. ایشان ادامه داد: تمام

روز پنجشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۷، با گرامیداشت روز ابوریحان بیرونی، چهارمین دوره آیین معرفی و تجلیل از پژوهشگران جوان برجسته رشته‌های علوم پایه کشور، منتخب فرهنگستان علوم، برگزار شد و ۶ پژوهشگر جوان برجسته کشور در رشته‌های علوم پایه، معرفی و تجلیل شدند.

در این مراسم که با حضور ریاست فرهنگستان علوم، دبیر فرهنگستان، مدیر مسئول روزنامه اطلاعات، رئیس گروه علوم پایه و رؤسای شاخه‌های تخصصی گروه علوم پایه و اعضای پیوسته و وابسته و همکاران مدعو فرهنگستان علوم، اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، تعدادی از اصحاب رسانه و خانواده‌های منتخبان برگزار شد، آقایان دکتر رضا داوری اردکانی ریاست فرهنگستان، دکتر یوسف ثبوتی رئیس گروه علوم پایه فرهنگستان و ۶ پژوهشگر جوان برجسته منتخب فرهنگستان علوم سخنرانی ایراد کردند. همچنین در این مراسم آقای دکتر جعفر آقایانی چاوشی عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی شریف درباره دستاوردهای ابوریحان بیرونی و دیدگاه‌های علمی او سخنانی ایراد کرد.



موجودات از جمله حیوانات و فرشتگان درک دارند و سمیع و بصیر هستند اما علم ندارند و این در حالی است که تنها انسان قائل به علم است.

رئیس فرهنگستان علوم روز گرامیداشت ابوریحان بیرونی را روز مناسبی برای تجلیل از دانشمندان عنوان و خاطرنشان کرد: ابوریحان نه تنها در تاریخ ما، بلکه در تاریخ علم مثال دانش‌طلبی است. استاد فلسفه دانشگاه تهران افسانه‌های راجع به دانشمندان را دارای اهمیت و درس‌آموز توصیف کرد و گفت: چنانچه از لحظات آخر عمر ابوریحان نقل می‌شود، فقیهی در این لحظات به دیدار او آمده و ابوریحان از وی مسأله‌ای پرسیده و اظهار داشته است که بهتر است بدانم و بمیرم. دکتر داوری اردکانی افزود: این موضوع سوای آن که به لحاظ تاریخی محرر باشد یا خیر، نشانه روح عالم و بیانگر آن است که عالم برای علم زندگی می‌کند.

رئیس فرهنگستان علوم در پایان مراسم، انتخاب پژوهشگران جوان علوم پایه کشور به عنوان برگزیده فرهنگستان علوم را تبریک گفت و برای آنان دوام توفیق در راه خدمت به کشور مسألت کرد.

آقای دکتر یوسف ثبوتی رئیس گروه علوم پایه فرهنگستان علوم نیز در چهارمین دوره تجلیل از پژوهشگران جوان برجسته علوم پایه کشور ابوریحان بیرونی را دانشمندی قائل به مشاهده توصیف کرد و گفت: چنانچه این طرز تفکر پیگیری و به صورت مکتب در آورده می‌شد، پیشرفت علم مدرن زودتر از اروپاییان اتفاق افتاده و ارزش متفکران اسلامی بیشتر نمود پیدا می‌کرد. آقای دکتر ثبوتی با بیان اینکه ابوریحان بیرونی یکی از معدود افرادی در تاریخ علم اسلامی است که به مشاهده اهمیت می‌داد، تأکید کرد: ایشان از این نقطه نظر در بین دانشمندان بزرگ شاخص بود. ایشان ضمن یادآور شدن اینکه در سال ۱۳۵۰، ۱۳۵۲ یک کنگره بزرگ برای ابوریحان برپا شده است، به احداث رصدخانه ابوریحان بیرونی اشاره و خاطرنشان کرد: این رصدخانه در سال گذشته چهلمین سال فعالیت خود را جشن گرفت.

آقای دکتر یوسف ثبوتی در ادامه با اشاره به چهارمین دوره تجلیل از پژوهشگران جوان علوم پایه توسط فرهنگستان علوم، اظهار داشت: قدردانی از کارکردهای افراد جوان و مسن ارزش دارد زیرا انسان‌ها را

برای انجام کارهایشان تشویق می‌کند تا آن را به ثمر برسانند، بنابراین انتخاب پژوهشگر جوان در فرهنگستان علوم با همین فلسفه و نیت انجام می‌گیرد.

رئیس گروه علوم پایه فرهنگستان علوم افزود: فرهنگستان چند سالی است که این کار را انجام می‌دهد و در قسمت علوم پایه پژوهشگران جوان در شاخه‌های فیزیک، ریاضی، شیمی، زیست‌شناسی و زمین‌شناسی برای دریافت جایزه را معرفی می‌کند و معیار انتخاب آنها جوانانی است که سنشان کمتر از ۴۰ سال باشد و کاری را که انجام داده‌اند شاخص باشد. استاد فیزیک دانشگاه تحصیلات تکمیلی زنجان افزود: وقتی جوانانی به میان بزرگانی که ۷۰ تا ۸۰ سال از عمرشان را در تحقیق و تفحص گذاشته‌اند دعوت می‌شوند و به آنها لوح و تقدیرنامه داده می‌شود تشویق می‌شوند و کارشان را به خوبی پیگیری می‌کنند زیرا این موضوع از خصوصیات انسانی است که پس از تشویق انرژی بیشتری پیدا می‌کند.

آقای دکتر جعفر آقایانی چاووشی عضو هیأت علمی دانشگاه شریف در چهارمین دوره تجلیل از پژوهشگران جوان علوم پایه، منتخب فرهنگستان علوم، ابوریحان بیرونی را ریاضیدان و فیزیکدان بی‌نظیر و چند بُعدی توصیف و خاطرنشان کرد: در معرفی آثار ابوریحان بیرونی به مردم و جهانیان چندان موفق نبوده‌ایم. دکتر جعفر آقایانی چاووشی ضمن تشبیه ابوریحان بیرونی به ارشمیدس، دانشمند یونان باستان، علم‌آموزی ابوریحان تا لحظه مرگ را یادآور شد و گفت: هر دوی این دانشمندان در تمام دوران حیات خود به دنبال علم‌آموزی بودند. ایشان افزود: نظیر ابوریحان کمتر در ایران یافت می‌شود، چرا که در حیطه‌های مختلف علوم از جمله گاه‌شماری، روش‌شناسی، تاریخ و نقشه‌کشی تخصص داشت.

عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی شریف با اشاره به اینکه قانون مسعودی ابوریحان در نجوم به علت دشواری تاکنون ترجمه نشده است به وصف وی از قول بیگانگان پرداخت و گفت: ایشان هم‌پایه متفکران بزرگی همچون لئوناردو داوینچی بوده و همواره چنین نقل می‌شود که تفکرات انتقادی او بیشتر از آنکه به قرن خودش نزدیک باشد به عصر حاضر نزدیک است.

دکتر چاووشی تأکید کرد: ابوریحان به دنبال مفاهیم ریاضی در



طبیعت بود. او با مشاهده دقیق شکل گل‌ها به قوانین چند ضلعی‌های منتظمی که ترسیم ساختمان هندسی آنها تنها با خط‌کش و پرگار ممکن است پی می‌برد و خود اقدام به رسم ۹ ضلعی منتظم کرد. عضو هیأت علمی دانشگاه شریف، محمد زکریای رازی و ابوریحان بیرونی را از تجربه‌گرایان بزرگ عالم اسلامی عنوان کرد و با اشاره به اینکه غربیان مکتب تجربه‌گرایی را از ایشان فراگرفته‌اند توضیح داد: در دوره رنسانس دو مکتب اصالت عقل و اصالت تجربه وجود داشت. در اصالت عقل خرد، یگانه‌طریق کسب معرفت است در حالی که در تجربه‌گرایی علم تنها به کمک حواس پنجگانه حاصل می‌شود. آقای دکتر چاووشی با بیان اینکه معقول و محسوس دو مرحله ضروری از شناسایی‌اند، خاطرنشان کرد: تجربه محسوس آغاز شناسایی است در حالی که آنچه محصول حواس است با فعالیت فکری کامل می‌شود.

وی ضمن یادآور شدن اعتقاد ابوریحان به اصالت تجربه‌گرایی وی را فوق‌العاده عینیت‌گرا و دارای دقت بالا توصیف کرد و گفت: او آنجا که ضرورت داشت به استقرا و قیاس و در برخی علوم نیز به حدس و شهود متوصل می‌شد.

عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی شریف همچنین به نظریات متعدد ابوریحان در نورشناسی اشاره کرد و گفت: او در آن زمان، سرعت تقریبی نور را تخمین زد و عنوان کرد که سرعت آن از سرعت صوت بیشتر است. این در حالی است که این موضوع چند سال بعد در آثار گالیله نیز مطرح شد.

دکتر چاووشی با اشاره به اینکه ابوریحان ضمن سفرهای متعدد خود به تحقیق در شکل اراضی و ساختمان کوه‌ها پرداخته است، گفت: ابوریحان به دگرگونی‌های زمین‌شناسی که در گذشته صورت گرفته نیز آگاه بود.

تب برفکی و وضعیت آن در ایران

سخنرانی دکتر صمد لطف‌اله‌زاده

جلسه شورای همگانی گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۲۷ با سخنرانی و بحث در ارتباط با بیماری تب برفکی آغاز شد.

در این جلسه رئیس و اعضای گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم، میهمانانی از سازمان دامپزشکی کشور، سازمان نظام دامپزشکی، دانشکده‌های دامپزشکی و پزشکی دانشگاه تهران، دانشکده دامپزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، مؤسسه واکسن و سرم‌سازی رازی و نماینده سازمان پدافند غیر عامل کشور حضور داشتند. در ابتدای جلسه آقای دکتر محمدقلی نادعلیان رئیس گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم ضمن خوش‌آمدگویی به حاضران، عید سعید فطر را تبریک گفت. در ادامه جلسه آقای دکتر صمد لطف‌اله‌زاده دانشیار گروه بیماری‌های داخلی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران و همکار مدعو گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم با موضوع «تب برفکی و وضعیت آن در

ایران» سخنرانی کرد. خلاصه سخنرانی آقای دکتر لطف‌اله‌زاده بدین شرح است:

«تب برفکی یک بیماری شدیداً مسری حیوانات زوج سم می‌باشد و توسط ویروس تب برفکی (FMDV) که ویروسی از جنس آفتوویروس و خانواده پیکورناویریده است، ایجاد می‌شود.

این بیماری با نام‌های متفاوتی در دنیا شناخته می‌شود از جمله: Afta epizotica، Bek-en-klousee، Fibre Aftosa، الحمی القلاعیه و در ایران در مناطق مختلف با نام‌های محلی مثل دباغ و یا طبقه. با اینکه میزان مرگ و میر دام‌های مبتلا در این بیماری بسیار ناچیز است اما به دلیل طبیعت بسیار مسری و نیز تأثیرات بسیار زیادی که در اقتصاد دامپروری می‌گذارد (کاهش تولید شیر به میزان ۲۵٪، کاهش تولید گوشت به میزان ۲۰٪، سقط جنین تا ۱۰٪ و نیز ممانعت در صادرات دام زنده در مورد کشورهای صادرکننده دام) از آن به عنوان یک کابوس شبانه یاد می‌شود.

اولین تعریف بیماری در سال ۱۵۴۶ و توسط یک کاهن ایتالیایی به نام Hieronymus Francastorius انجام گرفت ولی شناسایی عامل بیماری توسط دو محقق و دانشجوی قدیمی رابرت کخ به نام‌های



یک دامداری به دامداری دیگر، از یک منطقه جغرافیایی به منطقه دیگر، از یک کشور به کشوری دیگر و یا حتی بین قاره‌ها جابه‌جا می‌شود. مهمترین ریسک فاکتورهایی که در جابه‌جایی ویروس و بیماری نقش دارند شامل موارد ذیل می‌باشند:

۱- حیوانات: خرید دام جدید، حضور در میادین خرید و فروش دام، عشایر کوچ‌نشین، چرای دامهای بیمار در نزدیکی دامداری‌ها و یا دام‌های سالم.

۲- وسایل نقلیه و ابزار کار: خودروهای حمل دام، حمل علوفه، حمل شیر، خودروهای شخصی، وسایل تلقیح مصنوعی، جراحی، واکسیناسیون و ...

۳- منابع انسانی: کارگران، دلان دام و یا شیر، دامپزشکان، مأموران تلقیح مصنوعی، عوامل دولتی

۴- باد: با توجه به نقش آئروسول‌ها در انتشار بیماری، باد تا ۶۰ کیلومتر در خشکی و تا ۳۰۰ کیلومتر در محیط مرطوب و دریاها قادر به جابه‌جایی ویروس می‌باشد.

۵- راه‌های غیر معمول: نشان داده شده است که پرندگان، جوندگان، و برخی دیگر از پستانداران می‌توانند ناقل مکانیکی ویروس باشند.

ویروس پس از ورود به بدن میزبان حساس غیرایمن شروع به تکثیر و تولید در سلول‌های اپیتلیال کرده و پس از یک دوره ویرمی به

لوفلر و فروش و در کشور پروس به انجام رسید. از زمان کشف عامل بیماری تا تولید واکسنی مؤثر برای آن فاصله زیادی وجود داشت و این مهم تا ۱۹۵۰ به طول انجامید. دو مانع بزرگ برای این امر وجود داشت: ۱- گران بودن کار بر روی میزبان‌های طبیعی بیماری (گاو و گوسفند)، تا اینکه در سال ۱۹۲۰ مشخص شد که خوکچه هندی می‌تواند مدل آزمایشگاهی مناسبی برای بیماری باشد. ۲- وجود سروتایپ‌های مختلف ویروس که برای اولین بار توسط دو محقق فرانسوی به نام‌های Carre و Valle'e در سال ۱۹۲۲ مشخص شد.

همان‌گونه که گفته شد ویروس عامل بیماری دارای سروتایپ‌های مختلف است و ۷ سروتایپ اصلی ویروس تا سال ۱۹۵۸ کشف شده است که به ترتیب زیر می‌باشند: SAT1، SAT2، Asia-1، AOC، SAT3. البته با توجه به تغییرات بسیار وسیع که در طول زمان در هر یک از سروتایپ‌های ویروس (علی‌الخصوص در سروتایپ‌های O و A رخ داده است) ساب تایپ‌ها و لاینج‌های بسیار زیادی از ویروس به وجود آمده است که متأسفانه پوشش ایمنی بسیار کمی نیز به صورت متقاطع بین آنها وجود دارد. ویروس از راه‌های متفاوت بین دام‌های حساس منتقل می‌شود، اما راه اولیه آن گوارشی و تنفسی است. راه‌های دیگری مثل وسایل آلوده، البسه، مخاطات، واکسن‌ها و داروهای آلوده، و ... از راه‌های دیگر می‌باشند. بیماری به راحتی از

محل‌های هدف خود که بافت‌های اپیتلیال دستگاه گوارش (مخاط محوطه دهانی)، دستگاه تنفس (نای و برونش‌ها) و اندام‌های حرکتی (تاج سم و علی‌الخصوص فضای بین انگشتی) است هجوم آورده و با ایجاد تاول و ضایعات بعدی ناشی از آن منجر به بروز علائم بالینی مثل استوماتیت دردناک، لنگش شدید و درگیری تنفسی میشود. در صورتیکه دام درگیر عفونت‌های باکتریایی ثانویه نگردد حیوان مبتلا ظرف یک هفته و پس از طی شدن دوره بیماری بهبود می‌یابد.

بیماری تحت عنوان تهدید جهانی مطرح می‌باشد و در کشورهای توسعه‌یافته غرب و شرق دنیا با وجود انجام تدابیر شدید پیشگیرانه و مراقبت‌های بسیار قوی شاهد بروز اتفاقی و گهگاه آن می‌باشیم. برای مثال در کشور ژاپن از سال ۱۹۰۸ بیماری گزارش نشده بود و این کشور به عنوان کشوری عاری از بیماری بدون انجام واکسیناسیون شناخته می‌شد. در سال ۲۰۰۰ اولین اپیدمی بیماری پس از ۹۲ سال در این کشور رخ داد و طی دو ماه از شمال تا جنوب کشور را درگیر کرد. در سال ۲۰۱۰ اپیدمی مجددی در این کشور گزارش شد. در کشورهای مختلف اروپایی در واقع در اتحادیه اروپا و یا سایر کشورها از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۶ در طی مدت ۲۲ سال بیماری تب برفکی ۳۷ بار به این کشورها تهاجم داشته است.

این بیماری برای سالیان دراز در ایران وجود داشته است، اولین بار و در سال ۱۹۵۰ تایپینگ ویروس‌های ایران توسط مؤسسه مریال (Merieux) فرانسه به انجام رسید و از سال ۱۹۵۸ این مهم توسط مؤسسه تحقیقات، واکسن و سرم‌سازی رازی به انجام رسید. بر اساس گزارش‌های موجود تا سال ۱۹۷۶ تنها سروتایپ‌های آندمیک در کشور ایران سروتایپ‌های A و O بوده‌اند و گزارش‌های درخصوص سروتایپ Asia-1 منحصر به سه اپیدمی ۱۹۵۷، ۱۹۶۴ و ۱۹۷۳ بوده است. اما در حال حاضر این سروتایپ جزو سروتایپ‌های بومی کشور ما میباشد. در سال ۱۹۶۲ سروتایپ SAT1 از آفریقا وارد خاورمیانه شده و منجر به بروز بیماری شده که در ایران نیز دیده شده است اما با واکسیناسیون و اقدامات انجام‌شده از سال ۱۹۶۳ گزارشی از این سروتایپ وجود ندارد. بیماری تب برفکی از بیماری‌های شدیداً آندمیک در کشور می‌باشد، که در طول سال و در مناطق مختلف

کشور علی‌الخصوص در روستاها و استان‌های با مدیریت بهداشتی ضعیف در حوزه دام، دیده می‌شود. عدم پوشش کامل واکسیناسیون در روستاها، استفاده از واکسن‌های متفاوت و در برخی از موارد غیرمؤثر و ضعف سیستم ایمنی در دام‌ها، حضور دائمی مخازن ویروس و نیز جابه‌جایی غیر قانونی دام در بین استان‌ها و حتی ورود غیر مجاز و بعضاً مجاز دام زنده از کشورهای همسایه آلوده به لاینح‌هایی که در پوشش واکسیناسیونی کشور تدابیری برای آنها دیده نشده است مهمترین علل بقای ویروس و بروز اپیدمی‌های شدید در سال‌های اخیر است.

در شهریورماه ۱۳۹۴ بروز تب برفکی در مجتمع دامشهر قم به شکل شدید اتفاق افتاد. بیماری ابتدا در گاوهای پرواری که از استان‌های غربی جهت پرواربندی وارد مجتمع دامشهر قم شده بودند مشاهده گردید. جالب توجه این بود که بیماری در دام‌های دارای سابقه منظم واکسیناسیون (واکسن خارجی و یا تولید داخل) اتفاق افتاد. با نمونه‌برداری و ارسال به آزمایشگاه فرانس جهانی پربرایت مشخص شد که سروتایپ جدید AG-VII وارد کشور شده است و عامل بروز اپیدمی جدید است. این سروتایپ در ماه‌های قبل در عربستان و ترکیه نیز مشاهده شده بود. بیماری به‌طور آهسته در استان قم و سپس در کل کشور گسترش پیدا کرده و در اواخر سال باعث اپیدمی شدید تقریباً در تمام کشور شد. براساس گزارش آزمایشگاه پربرایت احتمالاً این ویروس از Indian sub-continent منشأ گرفته و سپس به خاورمیانه رسیده است.

مجدداً در آبان‌ماه سال ۱۳۹۴ مواردی از افزایش کانون‌های بیماری در گله‌های دارای سابقه منظم مایه‌کوبی مشاهده شد که در این اپیدمی علاوه بر گاو، گله‌های گوسفند نیز درگیر شده بودند و اتفاق شدت درگیری در گوسفندان بسیار شدیدتر بود. مسئله مهم‌تر اینکه، این اپیدمی همراه تلفات شدید و وسیع در دام‌های جوان بود. از نمونه‌های آزمایش شده سروتایپ O جدا شد.

ارسال نمونه‌ها به آزمایشگاه فرانس جهانی پربرایت رخداد سروتایپ جدید OPanAsia-2/QOM-15 را تأیید نمود. این سروتایپ در پایان سال ۹۴ و ابتدای سال ۹۵ باعث رخداد بی‌سابقه بیماری با تلفات بالا در کشور شد.



ارائه مدل نظام حفاظت در برابر اشعه جهانی

توسط دکتر مهدی سهرابی

در ماه سپتامبر ۲۰۱۷ مقاله‌ای (Featured Article) تحت عنوان: Current radiation protection limits: An urgent need for change در مجله Nuclear News انجمن هسته‌ای آمریکا توسط دو دانشمند آمریکایی و کانادایی عالی‌رتبه دپارتمان انرژی آمریکا و دپارتمان انرژی اتمی کانادا در رابطه با تغییر حد دز کارکنان با پرتو و مردم با پیشنهاد تغییر فلسفه حفاظت در برابر اشعه از «مدل خطی بودن ریسک سرطان بر حسب دز» به مدل «هورمسیز» به چاپ رسید. در روی جلد این مجله عکس «حمام‌گیری مردم در آب معدنی یکی از حمام‌های رامسر» چاپ شده و همچنین مقاله حاوی داده‌های غلطی از دز ۳۵۰۰ نفر مردم رامسر بوده و از آن داده‌ها برای تغییر فلسفه حفاظت در برابر اشعه در جهان به «مدل هورمسیز» به غلط استفاده شده بود.

آقای دکتر مهدی سهرابی استاد فیزیک بهداشت و پزشکی پرتوها دانشگاه صنعتی امیرکبیر و عضو وابسته گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم، با مطالعه این مقاله، نامه بلندبالایی با ارائه داده‌های صحیح از دز ۳۵۰۰ نفر از مردم رامسر و به‌ویژه مردم مناطق با پرتوایی طبیعی بالای آن بر اساس پژوهش‌های گسترده خود در این منطقه، به سردبیر مجله نوشت و خواهان اصلاح این اطلاعات شد. در این نامه با رد دو مدل کنونی «مدل خطی» و «مدل هورمسیز» با استناد به داده‌های علمی معتبر مذکور رامسر، «مدل Universal Radiation Protection System» به اختصار «مدل URPS» یا «مدل نظام حفاظت در برابر اشعه جهانی» را ارائه کرد. هیئت تحریریه مجله Nuclear News با استقبال از انتقاد به‌عمل آمده از آقای دکتر مهدی سهرابی دعوت کرد یک Featured Article جهت چاپ در ماه ژوئن ۲۰۱۸ آن مجله ارائه کند تا در صورت تایید توسط هیئت تحریریه مجله به چاپ برسد. در این راستا مقاله‌ای تحت عنوان زیر توسط آقای دکتر سهرابی ارائه شد و با موفقیت در آن مجله ماه ژوئن ۲۰۱۸ انتشار یافت:

“Bridging the LNT and Hormesis Radiation Protection Models:

Proposed: A universal radiation protection system hypothesis for a global, standardized system for the safety of the workers, the public, and the environment in the 21st century”

آقای دکتر مهدی سهرابی اخیراً نظریه نوین فوق را تحت عنوان «نظام حفاظت در برابر اشعه جهانی» ارائه کرده و خواستار تغییر فلسفه کنونی حفاظت در برابر اشعه جهانی برای این اساس شده است. در این رابطه همچنین به عنوان «سخنران کلیدی ۱» در افتتاحیه نهمین کنفرانس بین‌المللی پرتوهای محیطی بالا که از ۲۴ الی ۲۷ ماه سپتامبر در دانشگاه هیروزاکی ژاپن برگزار می‌شود از ایشان دعوت به‌عمل آمده است. آقای دکتر سهرابی در این باره اظهار می‌دارد: «این مهمترین مقاله‌ای است که تاکنون اینجانب با توجه به اهمیت جهانی آن به ساده‌ترین زبان ممکن نوشته‌ام تا هر فرد تحصیل کرده و حتی مردم بتوانند از آن بهره‌گیری کنند. مجله Nuclear News محمل معتبر جهانی است و بسیار مناسب برای گسترده شدن این نظریه در سطح جهان است».

درگذشت کارپرداز امین و خدوم فرهنگستان علوم

همکار عزیز و کارپرداز خدوم فرهنگستان علوم آقای علیرضا کریمخانی در چهل و نه سالگی بر اثر ایست قلبی به دیار باقی شتافت. شادروان آقای کریمخانی یکی از همکاران با سابقه و متعهد فرهنگستان بود که در طول دوران خدمت با جدیت و پشتکار در انجام وظایف محوله تلاش صمیمانه کرد. خبرنگار فرهنگستان علوم درگذشت این همکار عزیز فرهنگستان را به ریاست فرهنگستان، دبیر، معاونان، اعضاء، مدیران و کارمندان فرهنگستان و بخصوص به خانواده آن فقید گرامی تسلیت می‌گوید. خداوند روح آن مرحوم مغفور را در پناه رحمت خویش قرار دهد و به بازماندگان ایشان صبر و اجر و سلامت عطا فرماید.



پیام تسلیت رئیس فرهنگستان علوم:

«باسمه‌تعالی؛ خانواده محترم کریمخانی؛ با نهایت تأسف ضایعه درگذشت نابهنگام شادروان آقای علیرضا کریمخانی را تسلیت عرض می‌کنم. فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران در ماتم از دست دادن همکار خدوم و امین خود با شما همدرد است. از خداوند متعال برای آن فقید گرامی رحمت و غفران و برای بازماندگان محترم صبر و اجر و سلامت مسألت دارم. رضا داوری اردکانی».

انتشار شماره جدید فصلنامه آموزش مهندسی ایران

هفتاد و ششمین شماره فصلنامه علمی - پژوهشی آموزش مهندسی ایران، به همت گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم منتشر شد.

این شماره حاوی هفت مقاله و دستاورد پژوهشی از استادان و صاحب‌نظران در حوزه آموزش مهندسی است.

عناوین مقالات منتشرشده در این شماره عبارتند از:

- ارائه مدل توسعه دانشگاه کارآفرین در ایران (سیدحسین موسوی، ابراهیم صالحی عمران، مقصود فراستخواه و جعفر توفیقی)

- ارائه و اجرای الگوی اعتبارسنجی پیامدمحور برنامه‌های درسی فنی - مهندسی (مطالعه موردی: درس «برنامه‌ریزی پیشرفته» از رشته مهندسی کامپیوتر) (امیرامراه، ابراهیم خدایی، رضوان حکیم‌زاده و مجید نیلی احمدآبادی)

- بررسی عوامل مؤثر بر رضایت تحصیلی دانشجویان در رشته مهندسی راه‌آهن (ملودی خادم ثامنی و مهنا حیدری ابهری)

- بررسی جایگاه اخلاق مهندسی در آموزش مهندسی ایران؛ مرور نظام‌مند (فریبا محمد اوغلی ریحان و سیدشمس‌الدین علیزاد)

- ارزیابی کیفیت آموزش‌های مهندسی با استفاده از سیستم پیامدمحور در دانشگاه فنی - مهندسی بوئین‌زهر (حسین زینل و شیوا منصورزاده)

- ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس قابلیت استخدام خود ادرارکی دانشجو (ساختار عاملی، پایایی و روایی) در دانشجویان ایرانی (حمید عبدی و محمدجواد لیاقت‌دار)

- استفاده از مدل آینده‌نگاری به منظور تعیین اولویت‌های تحقیقاتی برای مدیران صنعت (مسعود قدوسی محمدی، روزبه قوسی و مهدی حیدری)

در پایان مجله، تقویم کنفرانس‌ها و چکیده مقالات به انگلیسی آمده است.





سخن دکتر یوسف ثبوتی در مراسم افطاری رئیس جمهوری^۱

چندصد هزار میلیاردری، از دانشگاه‌ها و دانشگاهیان گزارش نشده است، دروغ و سخن خلاف واقع بزرگی که سیاست‌های داخلی و خارجی کشور را متشنج کند و دشمن بتراسد، از دانشگاه و دانشگاهی شنیده نشده است. تنها ایرادی که به جوان‌ها می‌توانیم بگیریم این است که دختر و پسر وقتی به هم می‌رسند می‌خندند و از همدیگر خوششان می‌آید و ممکن است به اقتضای شور جوانی بالا و پائین هم بپرند. ولی مگر راز آفرینش جز این است. چرا می‌کوشیم این خصلت خداداده را از آنها بگیریم. بهتر نیست کمتر سربه‌سرشان بگذاریم.

این هم درست است که دانشجو و دانشگاهی همیشه ریگی در کفش دارد. به صاحبان مناصب ایراد می‌گیرد، زیاده از حد می‌خواهد بداند، مطالبه‌گر و شفافیت طلب است. ولی مگر نه این است که دنیای امروز دنیای نقد و جستجوگری است و پنهانکاری در آن جایی ندارد؟ مگر نه این است که در دنیای امروز نمی‌توان از تکنولوژی روز بهره‌مند بود و الزامات اجتماعی آن را نپذیرفت؟ به طور مثال نمی‌شود شبکه اینترنت ایجاد کرد و بعد سرعت‌اش پائین آورد یا توییت و تلگرامش را بست که این یا آن، مطالبی بین خود رد و بدل نکنند و پنهانکاری‌ها رونشود. مشتی نمونه از خروار عرض کردم.

جناب آقای رئیس‌جمهور خواسته‌هایی از زبان مدیران وزارتخانه‌های علوم و علوم پزشکی دارم:

«جناب آقای دکتر روحانی؛ رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران؛ سلام علیکم؛ امروز افتخار بزرگی نصیبم شده است. مأموریت دارم مطالب کوتاهی از کرده‌ها و خواسته‌ها و آرزوهای دانشگاه‌ها و دانشگاهیان را، اعم از استاد و دانشجو، به عرض برسانم و استدعای بذل توجه کنم. بالطبع به اقتضای شغل سالیان دراز خدمت عینک معلمی به چشم دارم و همه چیز را از منظر یاد دادن و یاد گرفتن و دانستن و ندانستن می‌بینم.

حتماً به یاد دارید یک سال پیش شهر به شهر می‌گشتید و مردم خوب کشورمان را از برنامه‌هایی که در صورت انتخاب شدن مجدد، داشتید آگاه می‌کردید. مردم سخت‌ن را قبول کردند و به میمنت و مبارکی زمام‌مدیریت کلان کشور را به جنابعالی سپردند. من مطمئنم مردم از انتخابشان پشیمان نیستند و مطمئنم اگر همان کارزار انتخاباتی دوباره تکرار شود و گزینه‌ها همان گزینه‌های پیشین باشد مردم دوباره جنابعالی را بخواهند گزید.

جناب آقای رئیس‌جمهور، آیا توجه داشتید بزرگترین و سرزنده‌ترین گروهی که در کارزار انتخاباتی از جنابعالی حمایت کرد جوانان و در بین جوانان دانشجویان بودند. چون آگاهتر و دورنگ‌تر از دیگران بودند. تالی فاسد انتخاب دیگری، جز از شما را، تشخیص می‌دادند. اجازه بدهید دانشجو، دانشگاهی و دانشگاه را با اقشار و نهادهای دیگر جامعه مقایسه کنم. سوءاستفاده‌های مالی کلان چند هزار و

۱- این سخنرانی در تاریخ ۱۳۹۷/۲/۳۱ در مراسم افطاری رئیس محترم جمهوری ایراد شده است که مشروح آن را آقای دکتر ثبوتی جهت چاپ در خبرنامه ارسال کرده‌اند.

- بسیاری از اختیارات قانونی که این دو وزارتخانه تا هفت هشت سال پیش داشتند، از آنان گرفته شده و به شورای انقلاب فرهنگی سپرده شده است. مرحمت کنید این اختیارات را برگردانید. اکثریت اعضای شورای محترم انقلاب فرهنگی، به ندرت با دانشجو، استاد، کلاس درس، محیط دانشجویی تماس دارند یا اگر در گذشته داشته اند الان ندارند. یا اصلاً پای بعضیشان هیچگاه به دانشگاه باز نشده است. اینان چگونه می‌توانند در مدیریت‌های دانشگاهی تصمیم‌های مدیرانه بگیرند؟ آیا بهتر نیست شورای محترم انقلاب فرهنگی هم خود را مصروف مسائل کلان فرهنگی بدارد، از ورود به مسائل اجرایی پرهیز کند و اشتباه بر اشتباه نیفزاید؟

- تمهیدی بیاندیشید استقلال عمل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به رسمیت شناخته شود. مدیرانشان مجال ابتکار و نوآوری داشته باشند. به عنوان مثال آیا دانشگاه تهران پس از هشتاد و اند سال هنوز به قدر کافی بالغ نشده است که بداند چه کسی را استخدام کند یا نکند؟

- دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور توانایی‌های علمی و عملی قابل

توجهی دارند. وزارتخانه و دستگاه‌های اجرایی به این توانایی‌ها اعتماد کنند. در بحران‌های فراوانی که پیش می‌آید، مانند آب، اقلیم، اقتصاد، و امثال آنها از دانشگاه‌ها یاری بجویند.

سخن آخرم را بگویم و گمان می‌کنم هم‌سخنان فراوانی در این جمع و بیرون از این جمع داشته باشم. انسانی که همیشه پائیده شود و مدام منتظر دستور باشد زبون و بی‌دست و پا بار می‌آید و نهایتاً مصیبت می‌آفریند. نظام اداری کشورمان به این مصیبت گرفتار شده است. چاره‌ای بیاندیشید. شکوفندگی و بالندگی، محیط باز و مجال عرض اندام می‌خواهد.

این مجال را در دانشگاه‌ها و خارج از دانشگاه‌ها از جوانانمان دریغ نداریم. مگر نه این است دیر یا زود همه ماعرصه‌های تولید و اقتصاد و خدمات و مدیریت‌های خرد و کلان کشور را ترک خواهیم کرد و زمام کارها را به دست فرزندانمان خواهیم سپرد. چرا همین امروز که می‌توانیم، لوازم بروز و ظهور استعدادهایشان را فراهم نکنیم. شاید نام نیکی هم از خود به یادگار بگذاریم. خداوند عاقبت همه‌مان را به خیر کند. آمین یا رب العالمین».

روابط انسان و طبیعت از دیدگاه قرآن مجید^۱

دکتر سیدمصطفی محقق داماد^۲

قداستی را که ادیان در گذشته و امروز برای طبیعت قائل بوده‌اند، در شمار خرافات و موهومات می‌دانند. در میان کتب مقدس آسمانی نگاه قرآن به رابطه انسان با طبیعت، بسیار جالب توجه است. نگارنده این سطور در کتاب الهیات محیط‌زیست مستوفی بدان پرداخته ولی در زیر به نحو اجمال به پنج اصل بسیار مهم و جالب توجه در قرآن اشاره می‌کند.

پنج اصل:

از قرآن مجید، پنج اصل را می‌توان در مورد طبیعت استخراج کرد که هرکدام قابل توجه است:

اصل اول: نخستین اصل این است که طبیعت مخلوق خداوند است، بنابراین نباید آن را سجده کرد بلکه فقط برای خداوند باید

امروز بشر دریافته است که برای حل بحران محیط‌زیست که یک بحران اخلاقی است، دین و اعتقادات دینی می‌تواند نقش بسیار مهمی را ایفاء کند، بخصوص ادیان الهی و توحیدی. برای اینکه ادیان الهی به عالم هستی یک‌سویه نگاه نمی‌کنند دیدگاه آنان نه دیدگاه مادی صرف و محض است و نه دیدگاه ایده‌آلیستی محض. حال آنکه مکاتب کاپیتالیسم و سوسیالیسم، هر دو نگاه مادی و ماده‌پرستانه به جهان دارند. این دو مکتب از لحاظ نگاه مادی به جهان با یکدیگر تفاوت چندانی ندارند. آنها طبیعت را به عنوان پدیده‌ای که بشر باید تنها از آن به عنوان وسیله‌ای برای لذت‌جویی و کامیابی مادی خویش بهره‌برد، تلقی می‌کنند. طبیعی است که این مکاتب نه تنها برای طبیعت قداست و حرمتی قائل نیستند که حتی آن حرمت و

۱- این نوشتار به عنوان سخن سردبیر در شماره سوم از دوره جدید مجله نامه فرهنگستان منتشر شده است.

۲- عضو پیوسته و رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم



سجده کرد. قرآن می‌گوید: «وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِتَاءَ تَعْبُدُونَ (۳۷ فصلت)».

«و از نشانه‌های او شب و روز و خورشید و ماه است، به خورشید و ماه سجده نبرید و به خداوندی که آنها را آفریده است سجده برید اگر او را می‌پرستید».

اصل دوم: اصل دوم که بسیار مهم است، این است که جهان آیه و نشانه است؛ «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ (فصلت/۵۳)». «ما آیات خود را در جهان نشان می‌دهیم».

آیه و نشانه بودن جهان را به دو گونه می‌توان تفسیر کرد. تفسیر اول، تفسیر کلامی است و همه متکلمان هم درباره آن حرف زده‌اند؛ به این معنا که شما از نشانه، یعنی از اثری به مؤثر ببرید، یا از معلول به علت پی ببرید. مثلاً رد پای کسی را روی زمین می‌بینید درمی‌یابید که از اینجا کسی عبور کرده است. در این تفسیر جهان آیه خداوند یعنی نشانه وجود خداست. بین آیه و صاحب آن، جدایی و تمایز است، آیه چیزی است و صاحب آیه چیز دیگر. ولی آیه دلالت بر وجود صاحب آیه می‌کند. تفسیر دیگر تفسیر عرفانی است. در عرفان اسلامی آیه که جهان هستی است، صفات حق تعالی است و نه تنها نشانه او. به عبارت دیگر، همه جهان اسماء و صفات حق تعالی است و خداوند از اسماء و صفاتش جدا نیست، همان‌گونه که خورشید از صفاتش که نور و گرمی و حرارت و درخشندگی است، جدا نیست. حق تعالی نیز یعنی موجودات عالم، نمایاننده حق‌اند و نه چیزی جدا از حقیقت. آنچه را که ما بینیم از یک نگاه موجودات هستند و جدای از حق و از نگاه دیگر، هستی و خداوند است. همان‌گونه که انسان از اندیشه‌هایش جدا نیست و به یک معنا انسان همان اندیشه‌های اوست و به یک معنا انسان چیزی است و اندیشه‌هایش چیز دیگر، رابطه آیه و نشانه یا اسماء و صفات با حق تعالی نیز همین‌گونه است. اکنون ملاحظه می‌کنید که بر پایه این اصل یعنی آیه بودن جهان، طبیعت و جهان قداست می‌یابد. چون گویی خداوند خود را در آینه جهان نشان می‌دهد.

اصل سوم: اصل سوم اینکه بشر مأمور به حفظ و آبادانی زمین است. نکته بسیار عجیب و جالبی است می‌فرماید: «هو الذی انشاکم من

الارض واستعمرکم فیها (هود/۶۱)». «او شما را از زمین پدیدار کرد و شما را در آن به آبادانی گمارد».

به موجب این آیه قرآن خداوند آبادانی و عمران زمین را به بشر واگذار کرده، یعنی گفته است این زمین، مستعد آبادانی و بهره‌برداری است تو ای بشر باید آن را آباد کنی. عبادت انسان از نظر قرآن این است که در زمین آبادانی ایجاد کند، برای اینکه به حیا طیب و رزق طیب برسد. آباد کردن دارای دو مفهوم سلبی و ایجابی است. ایجابی آن مراد بهره‌بری بهینه و پرطراوت ساختن زمین است و سلبی آن عبارت است از منع فساد در زمین. حسب تعلیمات قرآن بشر در همان آغاز آفرینش خداوند از او عهد گرفته که در زمین فساد نکند. «لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ (۸۵/اعراف)». «و در زمین پس از سامان یافتن آن تباهی نوزید، این برای شما اگر مؤمن باشید بهتر است».

علاوه بر ترک فساد در زمین، بشر موظف به آبادانی است. بهره‌برداری بی‌رویه از طبیعت فساد در زمین است.

اصل چهارم: اینکه طبیعت متعلق به کل بشریت است. قرآن، وحدت کامل بشریت را در نظر می‌گیرد و می‌گوید: این طبیعت به همه بشریت تعلق دارد. این اصل را می‌توانیم به عنوان اصل «مشترک بودن طبیعت در میان همه بشریت»، در نظر بگیریم. کل بشر، نه فقط بشر امروزی و کنونی، بلکه همه نسل‌های بشری که در گذشته بوده‌اند و در آینده خواهند بود. نسل بشر از صفت بخشنندگی خداوند و رحمانیت و اسعه او دارای حق می‌شوند و در نتیجه، در بهره‌مندی از

مواهب طبیعی همه آنها با هم شریک اند از این مطلب نتیجه گرفته می شود که ما حق نداریم بیش از نیاز خود از مواهب طبیعت برداشت کنیم و آن را از بین ببریم. در آباد کردن، هر چه می توانیم باید انجام دهیم. زیرا خداوند از ما خواسته است که زمین را آباد کنیم و استعداد های نهفته آن را به کار گیریم. اما وقتی آباد کردیم، به اندازه نیازمان می توانیم بهره بگیریم، چون همه این استعداد ها و مواهب از آن ما نیست، متعلق به کل بشریت است. اگر حتی یک لقمه بیش از نیازمان برداشتیم، به حق همه بشریت تجاوز کرده ایم، بنابراین، از نظر قرآن، زمین و طبیعت ملك مشاع است بین همه انبای بشر.

اصل پنجم: پنجمین اصل قرآنی عبارت است از ممنوعیت نابود ساختن گیاهان و جانوران. در سوره بقره، آیه ای است که درباره اخلاق قدرتمندان بیان شده است.

می گوید: کسانی هستند که وقتی به قدرت می رسند، کاری جز فساد و نابودی انجام نمی دهند، حرث و نسل درخت و موجود زنده، همه چیز را از بین می برند «و اذا تولی سعى فی الارض لیفسد فیها و یهلك الحرث و النسل والله لایحب الفساد» (بقره ۲۰۵). نتیجه قدرتمند شدن او چیزی جز این نیست که در زمین فساد کند و حرث و نسل را به هلاکت برساند.

اما انسان های دیگری هم وجود دارند که وقتی به قدرت می رسند، خود را قربانی بشریت می کنند، خود را فدای آنهایی می کنند که

مدیریت آنها را بر عهده دارند «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله والله رثوف بالعباد (بقره/ ۲۰۷)».

نتیجه گیری

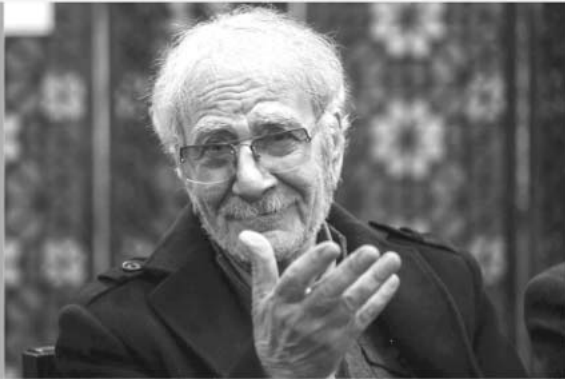
با توجه به اصول ذکر شده می توانیم چنین نتیجه بگیریم که از نظر تعلیمات قرآن بشر در رابطه با طبیعت آزادی مطلق ندارد. رابطه اش با طبیعت از یک سو حق است و از سوی دیگر تکلیف. حق دارد که از طبیعت بهره مند شود ولی متقابلاً مکلف است که در حفظ آن بکوشد و از هرگونه فساد و خرابی آن را محافظت و نگاهبانی نماید. و نیز مکلف است که آن را آباد کند. فساد در زمین از نظر قرآن معنای وسیعی دارد و قلمرو آن هم شامل جنبه مادی است و هم شامل ابعاد معنوی. تمام زشتی های اخلاقی را قرآن داخل در فساد در زمین قرار داده است. جنگ ها، خونریزی ها، ستمگری ها و بی عدالتی ها همه داخل در فساد در ارض است. متقابلاً صلح و دوستی و ارج نهادن به کرامت انسانی آبادی زمین است. قرآن مجید انسان های کامل را که آنان را بندگان رحمن نامیده چنین توصیف می کند: «و عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما (فرقان/ ۶۳)». «بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می گویند (و بایی اعتنایی و بزرگواری می گذرند)».

هبوط، آمدن برای بازگشتن است

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی

آقای دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و استاد فلسفه در برنامه معرفت که از شبکه چهارم سیما پخش می شود در تفسیر جملاتی از فیض کاشانی درباره شب های قدر اظهار داشت: خداوند می فرماید ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم، حالا چرا خداوند قرآن را در شب نازل کرد، شب، تاریک است. خصلت شب تاریکی است. تاریکی شب، حجاب مصادیق قرآن است. ایشان افزود: قرآن را باید با عقل فهمید.

انسان ها ضمن اینکه عاقل هستند، حس و خیال و وهم هم دارند. با زحمت و تأمل می شود از خیال و وهم فرا رفت ولی سخت است. مراحل حس و خیال و وهم، حجاب حقایق است. حقایق در عقل است. این عالم، حجاب حقایق است. به قدر روز از قرآن روزی برداریم. چگونه؟ با آگاهی عقلانی. دکتر ابراهیمی دینانی ادامه داد: حس و وهم و تخیل، حجاب هستند. برای اینکه حس توهم و خیال برداشته شود، به قدر روز از حقایق قرآن روزی بردارید. هر اندازه عاقل تر شویم، از قرآن بیشتر بهره مند می شویم. وی تصریح کرد: انسان هم در شب زندگی می کند هم در روز. خود ما هم شب و روز هستیم. هم نزول داریم هم سقوط. انسان ۳ مرحله دارد: گناه، هبوط، رستگاری.



می‌دهند. کانت می‌گوید راه رسیدن به خداوند اخلاق است، عقل نیست. خیلی هم طرفدار دارد. در جهان اسلام هم بعضی‌ها اینگونه فکر می‌کنند. ما که منکر اخلاق نیستیم، البته که مهم است اما اخلاق منهای عقل، یا اخلاق با عقل. اخلاق با عقلانیت پیش می‌رود. من نمی‌توانم اخلاق بدون عقل را بفهمم. استاد فلسفه دانشگاه تهران ادامه داد: انسان تنها موجودی است در عالم هستی که وجودش برای خودش مسأله است. انسان می‌گوید من انسانم، اما تا گفت «من انسانم»، آن وقت می‌گوید «من انسانم» به چه معناست. فوری مسأله می‌شود. وقتی که فکر می‌کند «من انسانم»، می‌گوید ملکوتی‌ام، ناسوتی‌ام، شبم، روزم، بهشتم، جهنم، خیالم، و همم، ملکم. انسان همه اینها هست. اما می‌تواند از همه اینها فراتر برود. دکتر دینانی گفت: سؤال منشاء گفتگو است. کلید قفل‌های گفتگوهای عالم است. اگر طرح سؤال نباشد، گفتگو به وجود نمی‌آید. گفتگو با پرسش انجام می‌شود. اگر گفتگو در این عالم نبود، تفاهم نبود. تعلیم و تعلم نبود. امروز این پیشرفت‌های شگفت‌انگیزی که انجام شده است، حاصل پرسش انسان از بیرون خودش است. اما سؤال‌های درونی کم است. امروز کمتر از درون می‌پرسیم. دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی در پایان با اشاره به یکی از آیه‌های قرآن ابراز داشت: ظاهر قرآن زیبا است، باطنش عمیق است. یعنی ژرف است. نمی‌توان ژرفای قرآن را اندازه گرفت. ژرفای قرآن کریم به اندازه ژرفای باطن انسان است. عمق انسان کامل اندازه ندارد. باطن قرآن به اندازه باطن انسان کامل عمیق است. قرآن کریم فرموده گاهی یک لحظه زندگی از تمام طول تاریخ ارزشش بیشتر است.

بعضی‌ها هبوط را سقوط گفته‌اند ما می‌گوییم هبوط. حضرت آدم گناه کرد که ما می‌گوییم ترک اولی کرد. در مسیحیت و یهودیت می‌گویند گناه کرد. این گناه اولیه بود. بعضی‌ها می‌گویند سقوط، ما می‌گوییم هبوط. دکتر ابراهیمی دینانی خاطرنشان کرد: هبوط یعنی از بالا به پایین آمدن. بالا ملکوت اعلی بود، پایین خراب‌آباد این عالم. جهان گذرا. مرحله دوم هبوط بود. حالا اما تا ابد در هبوط هستیم یا راه رستگاری هم هست؟ بکوش برای رستگاری. چگونه؟ از ظلمت کده باید رها شوی، از شب به روز برو به روز آگاهی عقل. عضو پیوسته فرهنگستان علوم افزود: هبوط برای ما هزینه سنگینی داشت. آسان نبود. انسان در این عالم دچار ترس و اضطراب است. یکی از ویژگی‌های انسان در این عالم که شاید هیچ موجودی این خصلت را نداشته باشد، این است که مجبور است خودش را بشناسد. دکتر دینانی با طرح این سؤال که فرق بین ترس و اضطراب چیست، گفت: انسان هم ترس دارد هم اضطراب. حیوانات شاید ترس داشته باشند اما اضطراب ندارند. ترس از یک چیز معین است، از خطر، از تاریکی، از بیماری، از دشمن خونخوار. اضطراب هم نوعی ترس است اما منشاء آن را نمی‌دانیم. اضطراب ترسی است که منشاء آن برای انسان معلوم نیست. وی افزود: هبوط، آمدن برای بازگشتن است. در مسیحیت رستگاری را فقط با شفاعت حضرت مسیح می‌دانند یعنی می‌گویند انسان رستگاری ندارد مگر اینکه حضرت مسیح شفاعتش کند. انسان می‌تواند خودش با عقلانیت نجات پیدا کند. عقل همان روز است. توهم و خیال و وهم، شب است. ایشان با بیان اینکه عقل نور محض است، گفت: نور خورشید همه جا را روشن کرده است اما نور عقل به باطن می‌رود، به اعماق می‌رود. خورشید عقل در درون انسان‌ها طلوع می‌کند اما بعضی‌ها با عقل خوب نیستند. حتی بعضی از فیلسوفان با عقل سروکاری ندارند. مثلاً امانوئل کانت می‌گوید من عقل را خلع سلاح می‌کنم تا جا برای ایمان باز شود. برای اینکه به ایمان مسیحیت برسد. برای اینکه به ایمان مسیحیت برسد از راه عقل نمی‌رود، از راه اخلاق می‌رود. او می‌گوید برای اینکه ما به حقیقت مسیحیت برسیم از طریق اخلاق می‌رویم نه از طریق عقل. او بیشتر روی عقل عملی تأکید می‌کند. عقل نظری را محدود می‌داند. خیلی‌ها عقل عملی را بر عقل نظری ترجیح



خلاصه طرح پژوهشی خاتمه یافته گروه علوم انسانی:

اطاله دادرسی در امور مدنی و راهکارهای مقابله با آن

دکتر سید حسین صفایی^۱

اطاله دادرسی یکی از موانع بزرگ دادخواهی و عدالت‌گستری در سطح جامعه است که متأسفانه نظام قضایی ما به شدت گرفتار آن شده است. حجم بالای پرونده‌ها نه تنها موجب کندی روند رسیدگی شده است، بلکه سبب شده است که بسیاری از افراد از احقاق حق خود از طریق مراجع قضایی ناامید باشند و احساس کنند هزینه صرف‌نظر کردن از حقوق حقه خود کمتر از هزینه مراجعه به دادگستری است. همین امر امنیت حقوقی افراد را به خطر انداخته و موجب گشودن راه برای سوء استفاده سودجویان شده است. همچنین حجم بالای کار موجب شده قضات و کارمندان آن چنان که شایسته است نتوانند پرونده‌ها را با صرف وقت و دقت نظر کافی مورد رسیدگی قرار دهند و نیز نظارت بر کار قضات با چالش‌های جدی

مواجه است. تأخیر در احقاق حق خود نوعی بی‌عدالتی و مغایر اصول دادرسی عادلانه است که در اسناد بین‌المللی هم بر آن تأکید شده است. وانگهی تجربه نشان می‌دهد که اطاله دادرسی بر صدور صحیح آراء نیز تأثیرگذار بوده و چنین آرائی با اشکالات عدیده همراه هستند.

به منظور بررسی ژرف علل اطاله دادرسی در امور مدنی در نظام حقوقی ایران این پژوهش در سه فصل ارائه شده است: در فصل یکم مفهوم اطاله دادرسی و مفاهیم مشابه بررسی گردیده است. فصل دوم به بحث عوامل اطاله دادرسی اختصاص دارد و فصل سوم به راهکارهای مقابله با اطاله دادرسی پرداخته است.

عواملی که ممکن است در اطاله دادرسی سهیم باشند بسیار است. برای مثال علاوه بر مسائل حقوقی صرف و به ویژه اشکالات و کاستی‌های آئین دادرسی و سازمان قضایی، وضع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سطح سواد و معلومات نیز هر کدام ممکن است بر اطاله دادرسی تأثیرگذار باشند. این عوامل را می‌توان به عوامل حقوقی و غیرحقوقی تقسیم‌بندی کرد.

نقش قانون و قانونگذار در تسریع دادرسی انکارناپذیر است. از یک سو درک صحیح تحولات اجتماعی و نیازهای جامعه و متعاقباً وضع قوانین مناسب تا اندازه قابل توجهی اختلافات و دعاوی را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر در کنار کاستن از میزان دعاوی، وضع قوانینی که موجب می‌شود در صورت بروز اختلاف، دعا در کوتاه‌ترین زمان ممکن مختومه شود می‌تواند تأثیر بسزایی در کاهش اطاله دادرسی ایفا کند.

برخی از عوامل اطاله دادرسی مربوط به اشخاص است. نیروی انسانی مهمترین عامل در امر دادرسی است. موفقیت و استفاده بهینه از سایر عوامل نیز به کیفیت کار نیروی انسانی بستگی دارد زیرا با وجود تعداد کافی قاضی و کارمند و کارشناس کارآمد و باتجربه و عالم تا حدود زیادی نواقص و مشکلات با تدابیر و شمس قضایی و کارشناسی و کاردانی و ابتکارات آنان رفع می‌شود. اما متأسفانه از بعد نیروی انسانی دستگاه قضایی ما مشکلاتی دارد؛ از جمله، اشتغال عده کثیری قاضی کم‌تجربه و بدانش قضایی ضعیف و بدون انگیزه- البته در کنار گروهی از قضات صاحب‌نظر و باتجربه- و تعدادی کارمند

۱- عضو پیوسته و رئیس شاخه حقوق گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم

ناکارآمد و نبود کارشناسان رسمی و متخصص در برخی از رشته‌های مورد نیاز و کمبود پزشکان قانونی متبحر و امکانات آزمایشگاهی و عدم استفاده کافی از وجود وکلای کاردان و نیز وجود خیل عظیم ارباب رجوع ناآشنا با قوانین و مقررات منجر به نتایج نامطلوب و از جمله اطاله دادرسی گشته است.

اشخاصی که در دادرسی دخالت دارند با عملکرد نادرست خود می‌توانند موجب اطاله دادرسی شوند. علاوه بر قضاات یک دسته از این اشخاص کارمندان دادگستری هستند که به علت عملکرد ضعیف دستگاه قضایی در گزینش و آموزش و نظارت، نقش زیادی در اطاله دادرسی دارند. اشخاص وابسته به دادگستری مانند کارشناسان نیز می‌توانند عامل اطاله دادرسی محسوب شوند. علاوه بر اینها، اشخاص دیگری همچون اصحاب دعوا و شهود که علی‌الاصول هیچ وابستگی به دادگستری ندارند نیز به گونه‌ای در اطاله دادرسی نقش دارند. اشخاص می‌توانند هم با افزودن بر تراکم دعاوی و هم با کند کردن فرآیند دادرسی موجب اطاله دادرسی شوند. برخی از وکلای دادگستری و مشاوران حقوقی نیز در این امر مؤثرند. در این تحقیق نقش این اشخاص مورد بررسی دقیق و عمیق قرار گرفته است.

در فصل سوم این تحقیق پس از بیان مهمترین علل اطاله دادرسی در محاکم ایران، به بیان راهکارها در جهت کاهش اطاله دادرسی پرداخته شده است.

با مذاقه در عملکرد دستگاه قضایی و اقدامات انجام شده و با عنایت به اطاله بیش از حد دادرسی به ویژه در محاکم حقوقی درمی‌یابیم که مهمترین عامل اطاله دادرسی در کشور ما حجم بالای دعاوی حقوقی است.

به عبارت ساده‌تر دستگاه قضایی ما گنجایش چنین حجم عظیمی از پرونده‌های حقوقی را ندارد.

برای حل مشکل اطاله دادرسی در این خصوص دو کار می‌توان انجام داد: به عنوان راهکار کوتاه‌مدت باید با تصحیح عملکرد و تقویت دادگستری توان و گنجایش دستگاه قضایی را افزایش داد و به عنوان هدف بلندمدت باید در جهت کاهش پرونده‌های ورودی به نظام قضایی کشور کوشید و این کار جز با همکاری کلیه قوا و اصلاح وضع

حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور میسر نخواهد شد.

اهم اقداماتی را که باید در این زمینه انجام گیرد می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- اصلاح قانون آئین دادرسی مدنی در کاهش اطاله دادرسی تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد. با توجه به ایراداتی که در حال حاضر بر قانون آئین دادرسی در ارتباط با فرآیند دادرسی مانند اقامه دعوی، رسیدگی بدوی، تجدیدنظر، فرجام‌خواهی و اعاده دادرسی، به ویژه اعاده دادرسی به دستور رئیس محترم قوه قضائیه پس از طی مراحل متعدد دادرسی و نهایه شدن حکم و همچنین مقررات ابلاغ وارد است، ضرورت اصلاح این قانون در جهت کاهش اطاله دادرسی به شدت احساس می‌شود. اهم مواردی از قانون آئین دادرسی مدنی که نیاز به اصلاح دارند در فصل‌های دوم و سوم تحقیق به تفصیل ذکر شده است.

۲- علاوه بر قانون آئین دادرسی مدنی که نیاز به اصلاح دارد، اصلاح قوانین دیگر نیز باید در مقابله با اطاله دادرسی مورد توجه واقع شود یکی از مهمترین قوانینی که سبب ایجاد دعاوی بسیاری در دستگاه قضایی به ویژه در مورد نقش و اعتبار سند عادی در معاملات غیر منقول شده است، قانون ثبت اسناد می‌باشد. اختلافات ثبتی و ملکی بخش قابل توجهی از دعاوی حقوقی را تشکیل می‌دهد که با اصلاح قانون ثبت و عدم استماع دعاوی غیر منقول بدون سند رسمی و اجرای کامل طرح کاداستر می‌توان تا حد زیادی از طرح این گونه دعاوی جلوگیری نمود. اصلاح مقررات وکالت و کارشناسی و الزامی کردن مداخله وکیل در دعاوی مدنی - البته با تسهیل استفاده افراد بی‌بضاعت از وکیل معاضدت - و تعیین حد اکثر زمان لازم، برای طی فرآیند دادرسی و مختومه شدن پرونده، نیز می‌تواند در مقابله با اطاله دادرسی مؤثر باشد.

۳- تخصصی کردن محاکم یکی از نیازهایی است که در نظام حقوقی ما احساس می‌شود. این مهم نه تنها نقش بسزایی در کاهش اطاله دادرسی دارد بلکه منجر به دادرسی عادلانه‌تر و صدور آراء صحیح‌تر می‌شود.

۴- تقویت و گسترش روش‌های مسالمت‌آمیز حل اختلاف به ویژه

نهاد داوری می‌تواند نقش بسزایی در کاهش ورودی پرونده‌های دادگستری ایفاء کند. ولی مقررات قانون آئین دادرسی مدنی در این زمینه ناقص است و متأسفانه برخی مقررات داوری خود موجب اختلاف بین افراد شده و در بسیاری از موارد که شرط داوری در قرارداد پیش‌بینی شده است، باز مراجعه به دادگستری به کرات اتفاق می‌افتد و قاضی که در موارد خاصی اختیار ابطال رأی داور را دارد چه بسا با ورود در ماهیت دعوی، هنگامی که با دادخواست ابطال رأی مواجه می‌شود موجب اطاله دادرسی می‌گردد. از این رو شایسته است قانونگذار با اصلاح قانون یا رویه قضایی با تفسیرهای منطقی و شجاعانه نهاد داوری را تثبیت و تقویت نماید و فرصتی را فراهم آورد تا افراد با اطمینان بیشتری اختلافات خود را به داوری ارجاع دهند و از مزایای داوری که از مهمترین آنها سرعت در رسیدگی است برخوردار شوند. کوشش در راه صلح و سازش و میانجی‌گری به وسیله وکیل یا قاضی یا داور- که در مواردی می‌تواند الزامی باشد- نیز می‌تواند نقش مهمی در مقابله با اطاله دادرسی داشته باشد.

۵- نظارت بیشتر بر نیروی انسانی و تلاش برای جذب نیروی ذیصلاح و با تقوی برای کارهای قضایی بی‌شک می‌تواند تا حد زیادی اشتباهات قضایی و اطاله دادرسی را کاهش دهد. نقش کارکنان دفتری نیز در اطاله دادرسی دارای اهمیت است. لذا توجه ویژه به

جذب نیروی انسانی شایسته و نظارت بر عملکرد کارکنان و قضات تأثیر بسزایی در کاهش اطاله دادرسی خواهد داشت.

۶- تنقیح قوانین و تنظیم و انتشار آراء قضایی نیز در مقابله با اطاله دادرسی تأثیر بسزایی دارد؛ یکی از علل اصلی اطاله دادرسی مربوط به مرحله وضع قوانین است. در برخی موارد آن قدر انباشت و تورم قوانین وجود دارد که اشراف به تمامی آنها به سادگی امکان‌پذیر نیست و وقت زیادی را از قاضی برای پیدا کردن ناسخ و منسوخ‌های قانونی و یافتن حکم مناسب هر دعوا می‌گیرد. همین مشکل در مواردی نیز بروز می‌کند که سابقه آراء قضات در مورد قضایای مطروحه در دسترس نیست. از این رو تنظیم و تنقیح و گردآوری علمی قوانین در مجموعه‌های قوانین جامع مربوط به رشته‌های مختلف حقوق به نحوی که موارد مطلق و مقید، عام و خاص و ناسخ و منسوخ به روشنی در آنها مشخص باشد ضروری است. همچنین تدوین علمی رویه قضایی ضمن ایجاد امنیت حقوقی قاضی را با استفاده از تجارب سایر قضات در یافتن حکم مناسب بسیار کمک کرده و نتیجتاً تسریع در رسیدگی را به همراه می‌آورد.

در خاتمه یادآور می‌شود که تحقیق انجام شده تنها مربوط به اطاله دادرسی در امور مدنی بوده و اطاله دادرسی در امور کیفری که مقررات دیگری بر آن حاکم است، به تحقیق دیگری نیاز دارد.

لزوم ترجمه دستاوردهای مطالعاتی به سه زبان «علم»، «حکومت‌مردان» و «عموم جامعه»

گفتگوی ایسنا با دکتر حسن ظهور درباره فعالیت‌های مرکز مطالعات فرهنگستان

رئیس مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان علوم از برنامه این مرکز برای برقراری ارتباط با عموم جامعه و ایجاد همدلی با برنامه‌های توسعه از طریق نشر دستاوردها به زبان ساده‌تر خبر داد.

آقای دکتر حسن ظهور در گفتگو با خبرنگار ایسنا با بیان اینکه پژوهش (Analysis & Synthesis) با مطالعات سنتزگونه و تلفیقی (Synthesis) کمی متفاوت است، در ابتدا بر روش کار سنتزگونه مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان علوم تأکید و خاطرنشان کرد: در حال حاضر در این مرکز پژوهش انجام نمی‌شود، بلکه از آرای صاحب‌نظران و

دستاوردهای پژوهش دیگران استفاده و نتایج آنها در جلساتی به صورت میزگرد، به بحث گذاشته می‌شود.

عضو پیوسته فرهنگستان علوم با اشاره به حضور صاحب‌نظران و افراد خبره و توانا در این جلسات، ادامه داد: نتایج حاصل از تبادل نظر این افراد در زمینه‌های مشخص، جمع‌بندی شده و بار دیگر در شورای علمی مرکز به بحث گذاشته می‌شود. در نهایت نیز نتایج حاصل از این هم‌اندیشی‌ها در قالب بیانیه یا نامه پیشنهادی تهیه و تدوین می‌شود.

رئیس مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان علوم با اعلام اهم فعالیت‌های این مرکز در سال ۱۳۹۷، اظهار کرد: مرحله اول شناسایی چالش‌های اساسی و بنیادی کشور از منظر گروه‌های مطالعاتی، تلفیق و برآیندسازی دستاوردهای گروه‌ها به منظور ارائه بیانیه یا نظریه و ترجمان دستاوردها جهت ارائه به مراکز تصمیم‌سازی و سیاستگذاری است.

استاد دانشگاه صنعتی شریف در همین زمینه از برنامه این مرکز برای برقراری ارتباط با عموم جامعه و ایجاد همدلی با برنامه‌های توسعه از طریق نشر دستاوردها به زبان ساده‌تر خبر داد و گفت: لازم است که تمام این دستاوردها به ۳ زبان تهیه شود؛ اول «زبان علمی»، تا دانشجویان و افراد فعال در این حوزه راحت‌تر به تحلیل آن بپردازند، دوم «زبان حکومت‌مردان» که بیشتر به کار مراجع تصمیم‌گیری، قانونگذاری و قضایی می‌آید و سوم «زبان عموم جامعه»، تا مردم نیز در زمینه‌هایی که باید، آگاه و متوجه باشند.

ایشان استفاده از واژه «حکومت‌مردان» به جای «دولت‌مردان» را دارای اهمیت دانست و تأکید کرد: دولت به تنهایی در تلاش برای رفع چالش‌های اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و علم و فناوری پیش رو، مؤثر نیست و مراجع قانونگذاری، قضایی و عموم مردم هم بر آن تأثیرگذارند.

رئیس مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان علوم، بحران آب را مثالی برای این موضوع عنوان و تشریح کرد: چنین مسأله‌ای یک بعد علمی دارد که باید مورد بررسی دانشمندان قرار گیرد و برای آن راهکار ارائه شود. بعد دیگر حل بحران آب نیز چگونگی سیاستگذاری مراجع قانونگذاری و عملکرد نهادهای اجرایی و بعد سوم نیز رفتار مردم در مواجهه با این بحران است که هر یک زبان مخصوص به خود را می‌طلبد.

آقای دکتر حسن ظهور با بیان اینکه تدوین این برنامه‌ها و مطالعات، اولین مرحله کار مرکز از زمان تأسیس (سال ۱۳۹۴) تا به امروز بوده است، تصریح کرد: مرحله دوم تبیین و ریشه‌یابی چالش‌ها، بررسی چرایی و علل شکل‌گیری وضعیت موجود، آسیب‌شناسی و شناسایی نقاط مشترک با هدف شناسایی کانون اصلی بحران و گفت‌وگو با نوشتارها و ارائه به نهادهای مؤثر و تصمیم‌ساز است.



وی سومین مرحله برنامه‌های مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان را تعیین معیارهای حل چالش‌ها با هدف شناسایی وضعیت‌ها و محدودیت‌های موجود و امکان‌سازی تحقق اهداف عنوان کرد و افزود: مرحله چهارم نیز تلفیق و هدایت عملکرد کارگروه‌های مرتبط به منظور پیشنهاد راهکارهای مناسب نیل به وضعیت مطلوب اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و علم و فناوری از منظر توسعه پایدار است.

رئیس مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان علوم بیان کرد: در این مرحله، همراه و همدل کردن خرد جمعی از طریق انتشار مرحله به مرحله دستاوردها و یافته‌ها به مراکز علمی و نهادهای اجرایی، مورد نظر است.

آقای دکتر ظهور آخرین بند ذکر شده در این مرحله را اتخاذ موضع علمی و عملی در خصوص موضوعات و معضلات روز کشور عنوان و تصریح کرد: مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان علوم مرکزی تازه تأسیس است و در طول ۲/۵ سال فعالیت خود بر امکان‌سازی برای تحقق توسعه پایدار متمرکز شده است.

ایشان در پایان خاطرنشان کرد: مسأله مهم دیگر که مرکز نسبت به آن حساسیت دارد، نظام تصمیم‌گیری و نظام دانایی و ارتباط این دو با یکدیگر است. دانایی در افراد و گروه‌ها وجود دارد، چنان‌که مراجع تصمیم‌گیری زیادی نیز موجود است. با این حال آنچه اهمیت دارد، وجود نظام دانایی و نظام تصمیم‌گیری در کشور و ارتباط این دو با یکدیگر است.



تقویت روحیه خودباوری با ترویج موفقیت‌های علمی و فناوری

دکتر محمدرضا مخبر دزفولی

گام‌های بعدی که منجر به تجاری‌سازی و تولید ثروت می‌شود، اتفاق نمی‌افتد.

استاد دانشگاه تهران ادامه داد: باید با کار فرهنگی و رسانه‌ای پیرامون دستاوردها و موفقیت‌های علمی و فناوری کشور، روحیه خودباوری در کشور تقویت شود.

ایشان گفت: البته این موفقیت در یک اتاق دربسته به دست نمی‌آید و باید کار تبلیغی شود و باید پیوست رسانه‌ای در این زمینه‌ها داشته باشیم.

عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران افزود: باید مردم بدانند که نانو فناوری تا چه اندازه به زندگی روزمره آنان گره خورده است و پیشرفت‌های این فناوری تا چه اندازه می‌تواند زندگی را آسان کند.

دکتر محمدرضا مخبر دزفولی تأکید کرد: لذا باید محصولاتی که با استفاده از این فناوری در کشور تولید شده و اکنون مورد استفاده است و مردم از آنها استفاده می‌کنند، معرفی شوند. ایشان افزود: همچنین باید میزان تولید ثروت ناشی از این فناوری که در کشور ثبت شده است به مردم گزارش شود؛ مثلاً این موضوع که محصولات نانو در کشور درآمدزایی و ثروت آفرینی داشته است و این درآمد زایی در سال ۹۵ حدود ۷۰۴ میلیارد تومان و برای سال ۹۶ بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد تومان بوده است، بسیار امیدبخش و دلگرم‌کننده است.

آقای دکتر محمدرضا مخبر دزفولی دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی و عضو پیوسته فرهنگستان علوم در بازدید از ستاد توسعه فناوری نانو با اشاره به فعالیت‌های این ستاد گفت: این ستاد، پیشگام تبدیل علم به فناوری و تجاری‌سازی علم نانو در کشور است و اگر دانشمندان این علم دریافت درستی از چالش‌های پیش‌رو داشته باشند، می‌توانند نقش مهمی در پیشرفت علم و فناوری در کشور ایفا کنند. به گزارش مرکز خبر شورای عالی انقلاب فرهنگی، آقای دکتر محمدرضا مخبر دزفولی در ادامه سخنان خود با اشاره به تشکیل و توسعه ستادهای گوناگون علم و فناوری به‌ویژه در فناوری‌های پیشرفته توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی، افزود: شورای عالی انقلاب فرهنگی این ستادها را تشکیل داده و هدف‌گذاری‌های کلان و هدف‌گذاری زمان‌بندی‌شده، به این معنا که ستادها باید در هر مرحله کجا باشند، را نیز معین کرده است.

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در بخش دیگری از سخنان خود در مورد اهمیت ثبت فناوری‌های دانش‌بنیان «پتنت» گفت: با اهمیتی که این موضوع دارد باید جایگاه مناسبی در سطح جهانی به دست آوریم.

ایشان افزود: این‌گونه نیست که هر کشوری که اقتصادش را دانش‌بنیان کند فقط به ثبت پتنت متکی باشد؛ اما ثبت پتنت یک پیشران در حوزه علم و تولید ثروت است و اگر ثبت پتنت نباشد



امنیت غذایی، تأمین آب کشاورزی و اصلاح ساختار مصرف

گفتگوی رادیو گفتگو با دکتر محمد شاهدی

برنامه «گفتگوی علمی» رادیو گفتگو با موضوع امنیت غذایی، تأمین آب کشاورزی، صرفه‌جویی و اصلاح ساختار مصرف آب به‌ویژه در بخش کشاورزی با حضور آقای دکتر محمد شاهدی معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی فرهنگستان علوم و استاد مهندسی علوم صنایع غذایی دانشگاه صنعتی اصفهان برگزار شد.

آقای دکتر شاهدی در آغاز در خصوص امنیت غذایی اظهار داشت: تعریفی که مجامع بین‌المللی مانند اجلاس جهانی غذا از امنیت غذایی دارند، تعریف جامع و کاملی است؛ بر این اساس امنیت غذایی زمانی وجود دارد که همه مردم در تمامی ایام به غذای کافی، سالم و مغذی دسترسی فیزیکی و اقتصادی داشته باشند و غذای در دسترس، نیازهای یک رژیم تغذیه‌ای سازگار با ضوابط معقول را فراهم سازد. ایشان افزود: در یک جامعه پیشرفته، آحاد مردم باید توانایی تأمین و مصرف غذا را داشته باشند. اصولاً اکولوژیست‌ها اعتقاد دارند باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که جمعیت هر مجموعه و اکوسیستمی بر اساس ظرفیت‌های همان اکوسیستم باشد و برنامه‌ریزی به گونه‌ای باشد که به مناطق دیگر وابسته نباشد. معاون پژوهشی فرهنگستان علوم با اشاره به ایران، تصریح کرد: پتانسیل کافی برای تأمین غذای جمعیت فعلی و جمعیت آینده ایران که بر اساس پیش‌بینی یونسکو حدوداً ۱۰۰ میلیون نفر خواهد بود، داریم اما به دلیل نداشتن مدیریت خوب بر منابع آب در آینده ممکن است کشور بسیار جدی است.

مشکلاتی برای تأمین مواد غذایی ایجاد شود مگر اینکه خیلی سریع برای استفاده بهینه از منابع آب کشور برنامه‌ریزی خاصی صورت بگیرد. استاد مهندسی علوم و صنایع غذایی دانشگاه صنعتی اصفهان درباره میزان مصرف آب توسط بخش کشاورزی گفت: وزارت جهاد کشاورزی معتقد است برخلاف اینکه گفته می‌شود ۹۰ درصد منابع آب کشور برای کشاورزی صرف می‌شود، حدود ۸۰ درصد یا کمتر، منابع آبی در اختیار بخش کشاورزی قرار می‌گیرد. ایشان ادامه داد: مشکلی که جامعه با آن روبرو است عدم استفاده علم در بخش کشاورزی است که این موضوع هم در عدم استفاده بهینه از آب و یا استفاده از محصولات با بازدهی بیشتر است. معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی فرهنگستان علوم عنوان کرد: در کشور از نظر بهره‌وری آب مشکل داریم که خوش‌بینانه گفته می‌شود بهره‌وری در بخش کشاورزی، ۴۰ درصد است اما در بعضی از کشورها تا ۷۰ درصد نیز بهره‌وری وجود دارد. دکتر شاهدی تأکید کرد: باید در کشور الگوی مناسبی برای کشت داشته باشیم و علی‌رغم اینکه می‌دانیم نیاز به ارائه الگوهای بهتر در هر منطقه داریم، اما کار کافی در این زمینه نشده است. وزارت جهاد کشاورزی روی تولیدات گلخانه‌ای تأکید دارد و همچنین توصیه کرده است برخی کشت‌ها در بعضی از مناطق کشور انجام نشود اما این هشدارها کافی نیست زیرا مشکل آب در کشور بسیار جدی است.



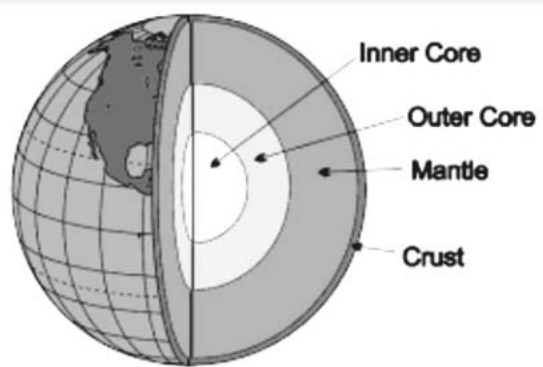
چرا وقوع زلزله‌ها را

نمی‌توان پیش‌بینی کرد؟^۱

دکتر علی درویش‌زاده^۲

«علم به انسان امکان داده است تا قدم به سطح ماه بگذارد و از آنجا با نمونه‌های آن بازگردد ولی با وجودی که حدود نیم قرن از آن تاریخ می‌گذرد (ژوئای ۱۹۶۹) هنوز قادر نیست از حوادث زلزله جلوگیری و یا لاقلاً آنها را پیش‌بینی کند»

شعاع زمین ۶۳۷۰ کیلومتر است (شکل ۱). این شکل تماماً براساس داده‌های غیر مستقیم ترسیم شده است. زیرا دسترسی مستقیم به درون زمین عملاً ناممکن و محدود به موارد بسیار جزئی و واقعاً هیچ است شامل:



شکل ۱- ساختمان کلی زمین

۱- داده‌های در دسترس

داده‌های مستقیم

الف: حفاری‌های معدنی و نفتی. عمیق‌ترین چاهی که برای دستیابی به الماس در افریقای جنوبی و سیبری حفره شده به ۳ کیلومتر هم نمی‌رسد و حفاری‌های نفتی (حداکثر تا عمق ۹ کیلومتر) انجام شده است.

ب: پروژه فاموس (FAMOUS) که عبارتست از اجرای طرح مشترک حفاری فرانسه و آمریکا در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴، در وسط اقیانوس

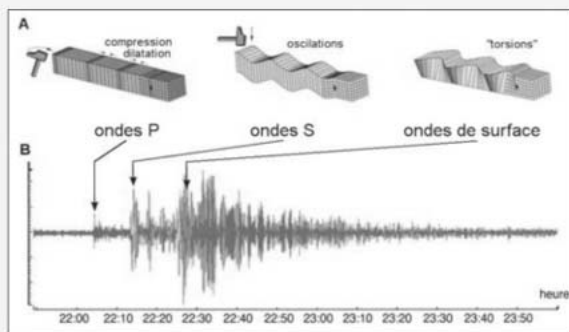
اطلس و در جایی که پوسته زمین کمترین ضخامت را داشته و تنها سه کیلومتر از پوسته زمین حفر شده است.

ج: پروژه حفاری در شبه جزیره کولا (Kola). این طرح بلندپروازانه و تبلیغاتی به وسیله روس‌ها در سال ۱۹۷۰ در شبه جزیره کولا واقع در سیبری غربی آغاز شد و نتایج اولیه آن در سال ۱۹۸۴ انتشار یافت. در آنجا تنها ۳/۱ پوسته قاره‌ای زمین تا عمق ۱۲/۳ کیلومتر حفر شد. این حفاری در سال ۲۰۰۵ به دلیل هزینه‌های زیاد و به خصوص ذوب شدن سرمت‌های حفاری، متوقف و در سال ۲۰۰۹ به کلی رها شد.

د: فوران‌های آتشفشانی که از اعماق مختلف (۳۰ تا ۱۴۰ کیلومتر) به سطح زمین می‌رسند گاهی، قطعاتی از سنگ‌های مسیر را با خود به سطح زمین می‌آورند. به کمک آنها و با استفاده از فاز دیاگرام‌های پترولوژی می‌توان ترکیب سنگ‌های زمین را در حد اعماق مزبور تخمین زد.

داده‌های غیر مستقیم

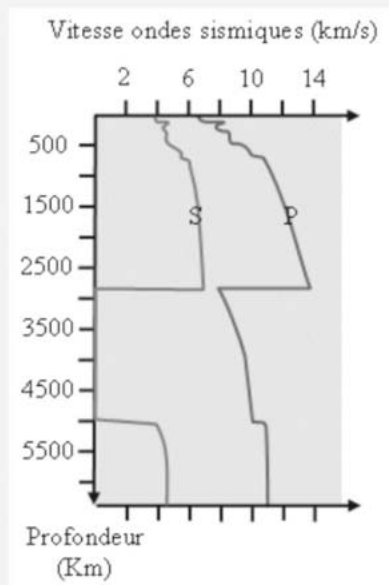
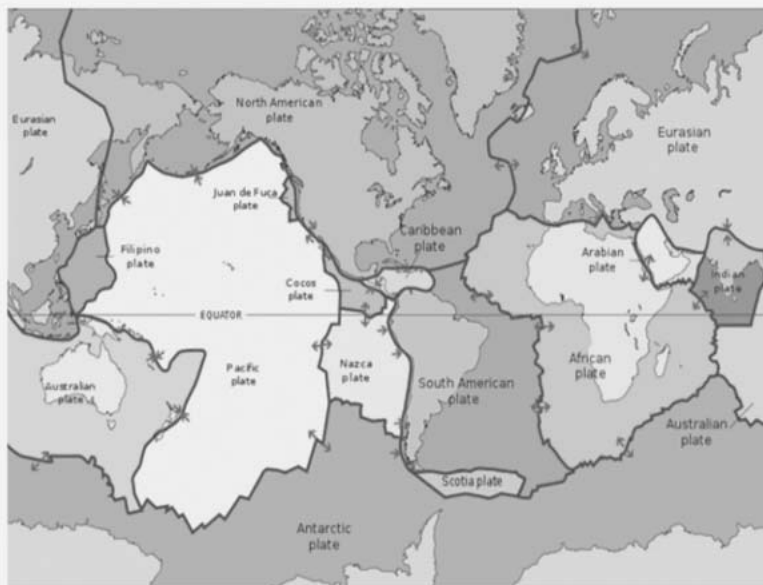
این داده‌ها اساساً به نحوه عبور امواج S, P زلزله از درون زمین استوار است که ویژگی‌ها و عملکرد آن در شکل ۲ و شکل ۳ دیده می‌شود. ضمناً وزن حجمی متوسط زمین ۵/۵ است ولی این مقدار در سنگ‌های سطح زمین ۲/۷ می‌باشد و حاکی از وجود ماده‌ای سنگین در مرکز زمین است. با توجه به انحراف عقربه قطب‌نما که همیشه به سمت شمال منحرف می‌شود وجود هسته آهنی در مرکز زمین مورد قبول قرار گرفت و سقوط شهاب‌سنگ‌های آهنی که اساساً از آهن و نیکل تشکیل شده‌اند تأییدی بر آن است.



شکل ۲ - ویژگی‌های امواج زلزله

۱- این سخنرانی در نشست یکصد و بیست و دوم مجمع عمومی فرهنگستان علوم، مورخ ۱۳۹۷/۴/۷ ایراد شده است.

۲- عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، استاد زمین‌شناسی دانشگاه تهران



شکل ۳- تغییرات سرعت عبور امواج P و S زلزله از درون زمین است. شکل ۵- صفحات لیتوسفری زمین. فلش‌های نزدیک‌شونده محل برخورد صفحات را نشان می‌دهد

۲- چگونه زلزله اتفاق می‌افتد.

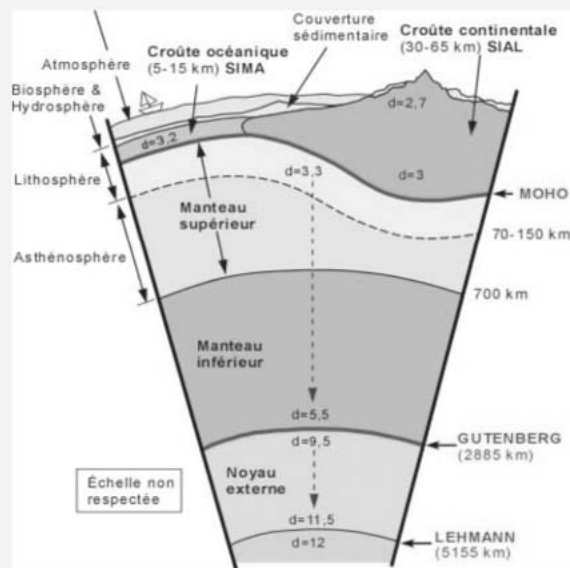
زمین از سه بخش پوسته، گوشته و هسته تشکیل شده است. تمام پوسته و بخش نازکی از گوشته زمین بخش سخت و سنگی زمین را تشکیل می‌دهند که به آن لیتوسفر (یا سنگ کره) می‌گویند.

ضخامت آن به طور متوسط ۱۲۰ کیلومتر است ولی در پشته‌های اقیانوسی مقدار آن صفر کیلومتر و در زیرقاره‌هایی به سن بیش از یک میلیارد سال به ۲۰۰ کیلومتر می‌رسد. شکل، ابعاد و ضخامت آن بسیار متفاوت و به آن صفحه یا Plate می‌گویند. پلیت‌ها با سرعت‌های متفاوت از یک سانتی‌متر تا ۱۵ سانتی‌متر در سال در سطح زمین جابجا می‌شوند (شکل ۵).

لایه لیتوسفر بر روی لایه ستکره (آستنوسفر) قرار دارد که مواد سازنده آن به علت گرمای زیاد حالت خمیری دارد و ۳ تا ۱۰ درصد مواد سازنده آن به حالت مذاب‌اند.

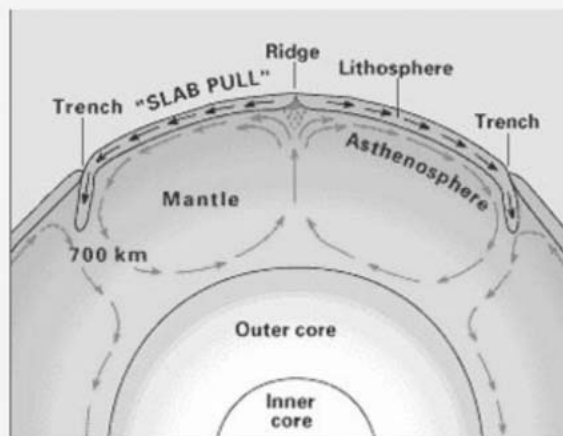
گوشته فوقانی به حالت جامد است و از سیلیکات‌های مختلف تشکیل شده و ضخامت آن به ۶۵۰ کیلومتر می‌رسد. در زیر آن گوشته تحتانی قرار دارد که تا ۲۹۰۰ کیلومتری ادامه داشته و به هسته ختم می‌شود. (از ۲۹۰۰ کیلومتر تا مرکز زمین ۶۳۷۰ کیلومتر هسته آن و نیکل قرار دارد که بخش خارجی آن به حالت مذاب ولی هسته درونی حالت جامد دارد).

دمای هسته به ۳۰۰۰ درجه سانتیگراد می‌رسد. بخشی از گرمای آن به حالت کنوکسیون و از خلال گوشته به سطح زمین می‌رسد و در حین عبور از گوشته موجب حرکت و جابجایی خزش مانند گوشته



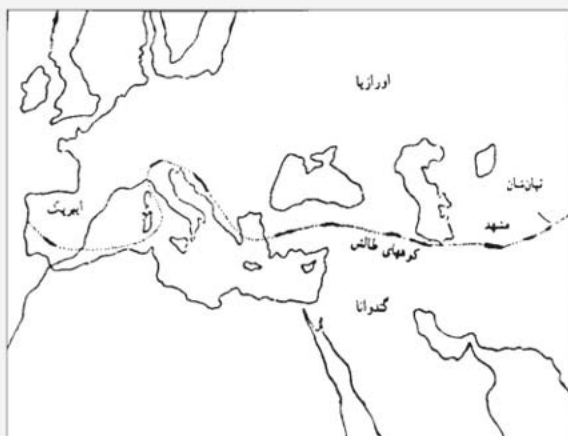
شکل ۴- بخش‌های مختلف درون زمین

می شود (شکل ۶). این حرکت موجب جابجایی لیتوسفر سنگی در سطح زمین می شود.



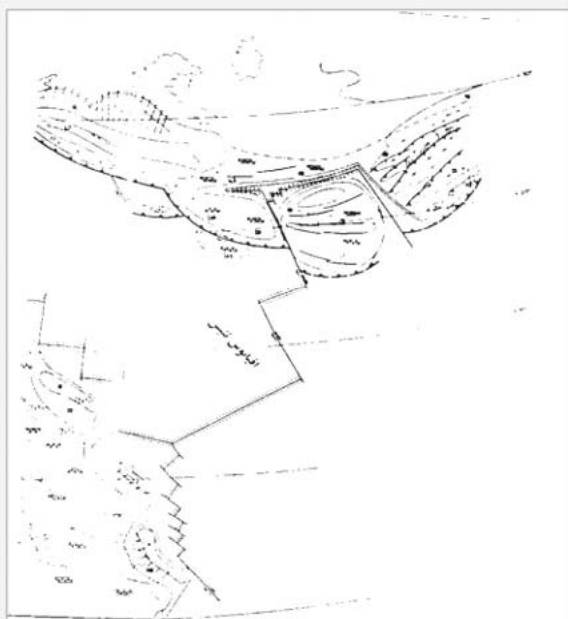
شکل ۶- جریان های جابجایی در گوشته و نحوه انتقال آن به لیتوسفر و حرکت صفحات به اطراف

شمال به جنوب آسیا برخورد کرد و کوه های البرز به وجود آمد (شکل ۸، محل این برخورد را نشان می دهد).



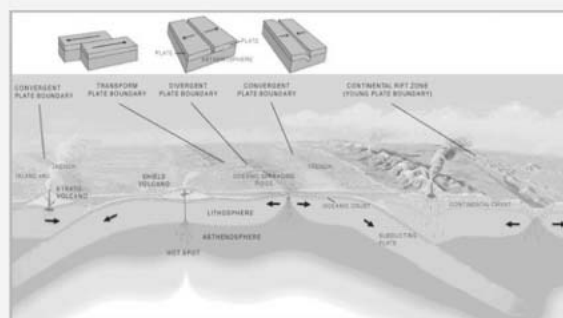
شکل ۸- محل برخورد ایران به جنوب آسیا که حدود آن به صورت خط چین ترسیم شده است

ب: در حدود ۶۵ میلیون سال قبل، اقیانوس نتوتیس در حد بین ایران مرکزی و قاره گندوانا بسته شد و برخورد دیگری در محل برخورد حاشیه آن اتفاق افتاد و کوه های زاگرس مرتفع تشکیل شد.



شکل ۹- موقعیت ایران در کرتاسه زیرین و نمایش دریای نتوتیس

جابجایی این صفحات سه نوع است. یا به هم نزدیک می شود و زلزله های مخرب و آتشفشان به وجود می آید یا از هم دور می شوند (پدیده آتشفشان) و یا از کنار هم عبور می کنند (وقوع زلزله) (شکل ۷)



شکل ۷- شکل فرضی از جابجایی صفحات لیتوسفر زمین

۳- چرا ایران زلزله خیز است؟

گفته شد که در محل برخورد صفحات لیتوسفری زلزله بروز می کند و کشور ما در گذشته محل برخورد متعدد صفحات لیتوسفری بوده است:

الف: در حدود ۳۳۰ میلیون سال پیش، قطعه قاره ای ایران - افغانستان ضمن جابجایی از قاره جنوبی (گندوانا) و حرکت به سمت

و: در ۳/۵ میلیون سال قبل با باز شدن دریای سرخ، عربستان به سمت ایران کشیده شد و دریای حاشیه‌ای بین ایران - عربستان به صورت سلسله کوه‌های دشت خوزستان درآمد. این فشارهای ناشی از باز شدن دریای سرخ، زلزله‌های مخرب غرب کشور و ادامه آن تا آذربایجان کشانده می‌شود، این برخوردها هنوز ادامه دارد به نحوی که سالی ۳ سانتی متر بر ارتفاعات این ناحیه افزوده می‌شود.

۴- گسل‌های ایران

حرکات صفحات لیتوسفری موجبات شکستگی پوسته زمین شد و گسل‌های کشور به وجود آمد (شکل ۱۲) و ۹۹/۹ درصد از زلزله‌ها بر روی گسل‌های موجود و شناخته شده رخ می‌دهند.

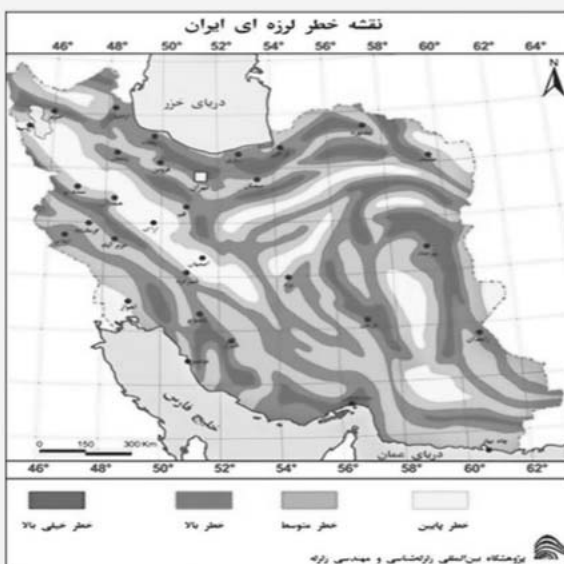


شکل ۱۲ - گسل‌های مهم ایران

در ایران بیش از ۳۱۰ گسل اصلی وجود دارد. گسل‌های اصلی گسل‌هایی هستند که طول آنها از ۱۰ کیلومتر بیشتر است. یک گسل یک سطح جدایی ناپیوسته‌ای واحد نیست بلکه منطقه‌ای با پهنای ۱۰۰ متر تا ۵ کیلومتر است که خود از گسل‌های متوالی تقریباً مشابهی با مقیاس گوناگون ساخته شده است (شکل ۱۳). در وقوع هر زلزله باید نیروهای وارد بر سنگ‌ها تدریجاً زیاد شود و افزایش نیرو از حد آستانه گسیختگی سنگ تجاوز کند و بعد به طور ناگهانی رها شود. بعضی اوقات آستانه گسیختگی ناچیز است و به آسانی به آن حد می‌رسد. در نقاط دیگر بالعکس، ماده مقاومت می‌کند و تنش



شکل ۱۰ - بازشدگی بحر احمدر ۳/۵ میلیون سال اخیر



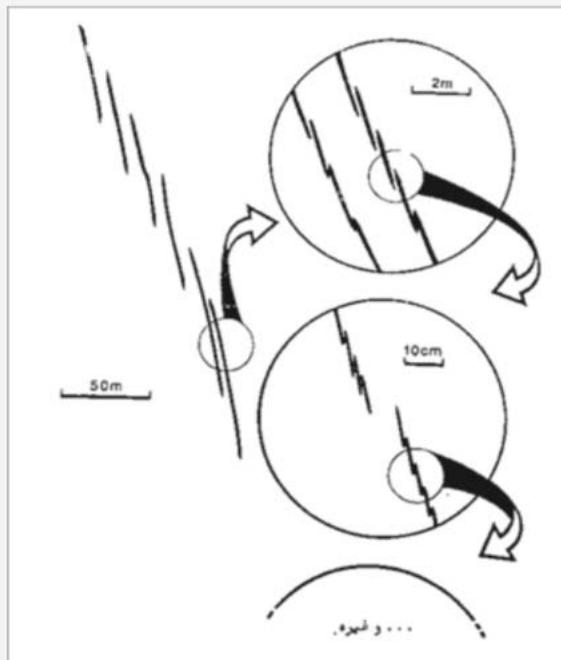
شکل ۱۱ - مناطق خطر زلزله در ایران پر رنگ‌ها مناطق خطرناک‌ترند.

ج: با بسته شدن این اقیانوس و انشعابات آن در اطراف بلوک لوت، کوه‌های مرکزی ایران تشکیل شد.

د: در حدود ۴۴ میلیون سال قبل، با حرکت شبه قاره هندوستان به جنوب آسیا، دریای شرق ایران بسته شد و سلسله کوه‌های نه‌پندان (شمالی جنوبی) شرق ایران به وجود آمد.

ه: در حال حاضر پوسته اقیانوس عمان به زیر مکران فرو رانده می‌شود و وجود آتشفشان‌های فعال تفتان، بزمان، شاه‌سواران در ایران و آتشفشان سلطان در پاکستان و زلزله‌های مخرب این ناحیه در ارتباط با این فرورانش است.

افزایش می‌یابد و فقط در طی یک زمین‌لرزه شدید انرژی ذخیره شده در طولانی مدت (یک تا چند قرن) آزاد می‌شوند.



شکل ۱۳ - یک خط گسل یک شکستگی ساده نیست بلکه از شکستگی‌های بزرگ و کوچک در مقیاس متری و سانتی متری تشکیل شده است.

کانون بسیاری از زلزله‌ها در اعماق ۷۰ - ۶۰ کیلومتری از سطح زمین قرار دارد. تعداد بسیار کمتری (کمتر از ۵ درصد) در اعماق ۶۰۰ تا ۷۰۰ کیلومتری اتفاق می‌افتد. کمتر از ۲۰ درصد زلزله‌ها سطحی‌اند و در اعماق کمتر از ۲۰ کیلومتر رخ می‌دهند. این زلزله از نوع خطرناک محسوب می‌شود.

۵- روش‌های پیش‌بینی زلزله‌ها:

الف: تجزیه و تحلیل پیش‌لرزه‌ها

تنها طریق قابل قبول در پیش‌بینی زلزله‌ها، زلزله‌سنج‌ها است که در آن تعداد زلزله‌های کوچک و بزرگ با بزرگی ۴ تا ۷ را ثبت می‌کنند. اگر هر روز تعداد آنها بیشتر شود امکان وقوع زلزله بزرگتر وجود دارد. در این حالت باید تصمیم به تخلیه شهر گرفت و چه بسا زلزله بزرگ رخ ندهد. ضمناً باید خاطرنشان کرد بسیاری از زلزله‌های بزرگ، بعد از یک دوره آرامش کامل اتفاق افتاده‌اند و پیش‌لرزه‌ای نداشته‌اند.

ب: افزایش گاز رادن - روش روس‌ها (۱۹۷۰)

روس‌ها ثابت کردند که درست قبل از وقوع زلزله، مقدار گاز رادن در هوا و آب‌هایی که به محل وقوع زلزله نزدیک‌تر باشد، افزایش می‌یابد. زیرا با شکستن و انبساط سنگ در هنگام بروز زلزله، گاز رادن محبوس در کانی‌های سنگ آزاد می‌شود. هر قدر نیروی تخریب شدیدتر باشد مقدار گاز رادن زیادتری به خارج نشست می‌کند. با این روش روس‌ها توانسته‌اند وقوع بعضی از زمین‌لرزه‌ها را پیشگویی کنند. ولی در بسیاری از حالات ناموفق بوده‌اند. به علاوه ثابت شده است که افزایش گاز رادن ممکن است با عوامل دیگری مثلاً عوامل جوی در ارتباط باشد.

ج: فرضیه انبساط یا روش کاهش سرعت امواج زلزله (سال ۱۹۷۵ -

۱۹۷۶) - روش آمریکایی‌ها

مراحلی که سنگ قبل از گسیختگی از خود بروز می‌دهد عبارتست از: ابتدا حجم سنگ به علت ایجاد درز و ترک‌هایی که در آن به وجود می‌آید کمی افزایش می‌یابد. این عمل موجب کاهش سرعت امواج P زلزله به مقدار ۱۰ تا ۱۵ درصد زلزله می‌شود. در سال‌های اخیر کاربرد این روش در مورد زلزله‌های بزرگ جواب درستی نداده است. ضمن آنکه بین زمان وقوع زلزله و کاهش سرعت امواج P تنها حدود چند ساعت فاصله زمانی وجود دارد.

د: روش چینی‌ها

در سال ۱۹۷۵، در دنیای زلزله‌شناسی «خبر بزرگ» زیر به وسیله خبرگزاری‌ها در سراسر جهان مخابره شد «چینی‌ها در ۴ فوریه ۱۹۷۵ زلزله هایشنگ واقع در شمال شرقی پکن با بزرگی ۷/۳ را پیش‌بینی کرده‌اند». اگر چه این زلزله از شدت بی‌سابقه‌ای برخوردار بود و عملاً شهر هایشنگ را ویران کرد ولی تعداد کشتار در منطقه‌ای که سه میلیون جمعیت داشت بسیار محدود بود! مقامات مسئول چین در واقع تصمیم گرفته بودند که در اول فوریه شهر را تخلیه کنند. روی چه اصلی این تصمیم گرفته شد؟ این همان سؤالی بود که در اوایل سال ۱۹۷۵ در تمام مجامع علمی زلزله‌شناسی مورد بحث همگان بود. هیئت‌های مختلف علمی از آمریکا و ژاپن و ... با عجله خود را به چین رسانیدند تا هم از موفقیت تخلیه شهر هایشنگ متقاعد شوند و هم توجهشان شدیداً به شواهدی که به وسیله چینی‌ها به کار گرفته

شده بود جلب شده بود و در عین حال در روش علمی به کار گرفته کمی تردید داشتند. باید خاطر نشان کنیم که آن زمان چین، در اواخر دوره انقلاب فرهنگی خود بود.

موفقیت‌های پیشگویی زلزله چینی‌ها به عنوان نمونه‌ای از فلسفه جدید علمی معرفی شده بود. در واقع تمام مردم چین در پیش‌بینی زلزله شرکت داشتند. یعنی علاوه بر زلزله‌شناسان، دهقان‌های ساده، معلمان، افراد گارد سرخ چین هم در تهیه گزارش و تفهیم به اعضای بازدیدکننده خارجی سهیم بودند. همه موارد به کار گرفته شده بود. لرزش‌ها روی زلزله‌سنج‌های ساده ثبت شده بود. تغییرات اختصاصات الکتریکی، افزایش گاز رادن و حرکات خاک اندازه‌گیری شده بود. کلیه شواهد اصولی و غیراصولی مانند رفتار جانوران اعم از مار، موش صحرایی، خروس خانگی، گاو اهلی، ببر باغ وحش یا ماهی‌های قرمز موجود در حوض‌ها و نوع حرکات غیر عادی این جانوران و حتی حرکت آب‌های زیرزمینی و سطحی هم مورد توجه قرار گرفته بود. همه چیز رعایت شده بود. بازدید هیئت‌های خارجی از این «شواهد» متعدد زیر نظر افراد حزبی انجام می‌شد که بدون حداقل شناخت علمی، با تکبر به قضایا برخورد می‌کردند. بعلاوه به میهمانان تفهیم کردند که موفقیت هایشنگ منحصر به فرد نبوده و آنها دو زلزله بزرگ دیگر را هم در مرز بیرمانی (۱۹۷۶) پیشگویی کرده‌اند. در عین حال معلوم شد که آنها، دو بار، شمال چین و یک بار کانتون را در آغاز سال ۱۹۷۶ بی‌جهت و بیهوده تخلیه کرده و ساکنان این مناطق دو ماه در بیلاقیات پراکنده بوده‌اند.

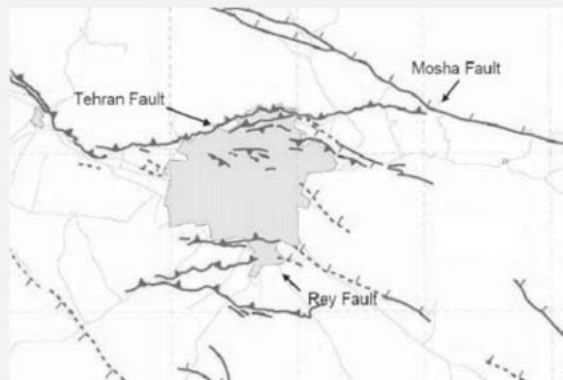
ولی اصل قضیه آن بود که چوئن لای، نخست وزیر وقت چین، مردم را در مبارزه با زمین‌لرزه‌ها بسیج کرده بود در حالی که نتایج امیدوارکننده نبود! در همین زمان و در این محیط تبلیغاتی علمی - سیاسی، واقعه ۲۷ ژوئیه ۱۹۷۶ اتفاق افتاد. در این روز در نزدیکی شهر صنعتی تانگشان واقع در ۱۵۰ کیلومتری پکن، علی‌رغم بسیج کلیه امکانات چینی‌ها در این منطقه، زمین‌لرزه‌ای با بزرگی ۷/۶ همگان را غافل گیر کرد. تلفات به طور رسمی ۷۰۰۰۰ نفر و احتمالاً نزدیک به یک میلیون نفر بوده است که مانند زلزله هولیشان در چانکسی در سال ۱۵۵۶ که در حدود ۸۵۰۰۰ نفر را نابود کرد جزء عظیم‌ترین فاجعه‌های تاریخ زلزله‌ای جهان به شمار می‌رود. در این روز از ماه

ژوئیه ۱۹۷۶ زلزله‌شناسی چینی‌ها و اعتبار پیش‌گویی آنها تحقیر شد. ه: روش یونانی‌ها (سال ۱۹۸۰)

این روش جدیدترین روش پیشگویی زلزله روش VAN از اسامی (Varotsos, Alexopoulos, Nomicos) است که در سال ۱۹۸۰ به وسیله یونانی‌ها پیشنهاد شد و عبارت است از ثبت جریان‌های الکتریکی طبیعی که در زیر خاک جریان دارد. به نظر این محققان چند ساعت تا چند روز قبل از وقوع زلزله، ناهنجاری‌هایی در ثبت این جریان‌های الکتریکی رخ می‌دهد. این روش مورد قبول محققان سایر کشورها قرار نگرفت و به عقیده آنها روش مزبور «اسرارآمیز» بود، زیرا با شواهد معمولی الکتریسته درون زمین مطابقت نداشت و به نظر آنها ممکن است پیشگویی‌ها به علت تعداد زلزله‌های زیاد یونان و تعداد اندک زلزله‌های پیشگویی‌شده کاملاً اتفاقی باشد. در پایان خاطر نشان می‌کنیم در طی سال‌های اخیر هیچ کدام از روش‌های فوق در مورد گسل کالیفرنیا جواب درستی به همراه نداشته است. و: رجعت زلزله‌ها

مداومت نیروهای مخربی که بر اثر حرکت صفحات لیتوسفر زمین بروز می‌کند موجب تقویت این فکر شده است. اگر به فاصله زمانی (مثلاً هر ۲۰ سال) زلزله‌ای با بزرگی حدود ۵ در منطقه‌ای رخ دهد. می‌توان زمان وقوع زلزله بعدی را با تقریب مشخص کرد. این همان نظر رجعت زلزله‌ها است. ولی اگر در فاصله زمانی مورد نظر زلزله رخ ندهد نیروها افزایش می‌یابند و خطر زیادتر خواهد بود.

زلزله بزرگ تهران در ۲۷ مارس ۱۸۳۰ (در زمان فتحعلی شاه، ۱۸۸ سال قبل) با بزرگی بیش از ۷ درجه ریشتر اتفاق افتاد. در مورد ابعاد تخریب، گزارش کرده‌اند که مناطق شمیرانات و دماوند تقریباً به طور کامل ویران شد و حدود ۷۰ روستا در شرق جاجرد از بین رفتند. در پایتخت هیچ خانه‌ای از آسیب در امان نماند. این زلزله با گسل مشاء (شکل ۱۴) در ارتباط بوده است. در البرز مرکزی، زلزله‌های تاریخی مخربی در سال‌های ۷۴۳، ۸۵۵، ۹۵۸، ۱۱۷۷، ۱۲۸۳، ۱۶۶۵، ۱۸۳۰ میلادی با بزرگی حدود ۷ ریشتر اتفاق افتاده است. به نظر می‌رسد هر ۱۶۰ سال یک بار باید در تهران یک زلزله بزرگ رخ دهد. در این صورت اگر مآخذ زلزله آخری زمان فتحعلی شاه قاجار باشد ۴۰ سال از بروز زلزله بزرگ در تهران گذشته است!



شکل ۱۴ - گسل‌های مهم محدوده تهران

هر قدر کانون درونی زلزله عمیق‌تر باشد درجه بزرگی و شدت تخریب در سطح زمین آن کمتر است. زیرا درون زمین گرم است و قابلیت انعطاف مواد جامد سازنده در این عمق مانع جابجایی ناگهانی می‌شود. ۵ تا ۶ درصد کانون زلزله در این اعماق قرار دارد.

هر قدر کانون زلزله سطحی‌تر باشد، شدت آن زیادتر و خسارات ناشی از آن زیادتر است. در سطح زمین هر قدر سنگ‌ها نرم‌تر و سست‌تر باشند نقش تشدید کننده آنها زیادتر است.

زمین‌شناسان با چه اعدادی سروکار دارند؟

برای بیان موضوع لازم است به مثال‌های زیر توجه کنیم: زمان لازم برای آنکه یک لایه آهکی به ضخامت ۲ متر ته‌نشین شود، یک میلیون سال در نظر گرفته می‌شود.

زمان لازم برای تشکیل یک کوه ۵ میلیون سال و برای فرسایش آن ۳۰ میلیون سال امری عادی است. اقیانوس اطلس در ۱۵۰ میلیون سال قبل به وجود آمده است. کوه‌های البرز در حدود ۳۳۰ میلیون سال و کوه‌های زاگرس ۶۵ میلیون سال قبل به وجود آمدند. سن قدیمی‌ترین فعالیت آتشفشان دماوند ۱/۵ میلیون سال و سن شروع فعالیت سیلان ۱۰/۵ میلیون است.

ولی هنگامی که از زلزله صحبت می‌کنیم در ظرف یک تا دو دقیقه همه چیز تغییر می‌کند.

۶- مقایسه پیش‌بینی زلزله با پیش‌بینی وضع هوا

هواشناسان در پیش‌بینی هوای یک ناحیه با ایستگاه‌های هواشناسی سروکار دارند که در آن روزانه می‌توانند دمای هوا، جهت

باد و شدت وزش آن، مقدار رطوبت را اندازه‌گیری کنند. ضمناً ایستگاه‌های بزرگ هواشناسی به رادارها و ماهواره‌های هواشناسی مجهزند و از تغییرات دما و فشار در لایه‌های اتمسفر لحظه به لحظه اطلاع حاصل می‌کنند. با تمام کوشش و تعدد ایستگاه‌ها، پیش‌بینی وضعیت هوا، از ۸ تا ۱۰ روز تجاوز نمی‌کند و گه‌گاه هم غلط از آب در می‌آید و نمی‌توان آن را با زمان وقوع زمین‌لرزه مقایسه کرد. زیرا ما از ساختار درون زمین، سرعت حرکت صفحات لیتوسفری، ضخامت آن و مقاومت لایه تحت فشار اطلاع نداریم. ضمناً ازدیاد نیروها پس از حدود صدها سال ناگهان در طی چند دقیقه رها می‌شود و زلزله‌ای مخرب ایجاد می‌کند. به قول الگر، اطلاع ما در مقابل با پیش‌بینی زلزله، مانند اطلاع پزشک قرن ۱۵ میلادی در مقابله با امراض رایج آن زمان است.

۷- نگرانی‌ها از وقوع زلزله

آنچه ما را از وقوع زلزله در تهران یا شهرهای بزرگ نگران می‌کند، عبارتند از:

در تهران گسل‌های بزرگ و فعال زیادی وجود دارد.

بیش از ۴۰ سال از بروز زلزله بزرگ در تهران گذشته است.

به قوانین ساخت و ساز و مقاوم‌سازی در مقابل زلزله توجه نمی‌شود. فرار مردم در موقع وقوع زلزله در کوچه و خیابان‌های تنگ و پراز آپارتمان‌های چند طبقه فاجعه‌بار است.

امکان آتش‌سوزی مهیب به علت قطع لوله‌های گاز در ساختمان‌ها یا لوله‌های شهری

عدم فرهنگ‌سازی در مقابله با بلایای طبیعی به خصوص زلزله

۸- مناطق امن در هنگام وقوع زلزله

اگر در خارج از خانه و در جای هموار و دور از مناطق کوهستانی و دور از ساختمان هستید در امان می‌باشید.

اگر داخل اتومبیل و دور از مناطق کوهستانی هستید از آن خارج نشوید.

اگر داخل خانه هستید نسبت به اشیایی که احتمال سقوط آنها وجود دارد پرهیز کنید. بهتر است زیر میز یا تخت‌خواب پناه ببرید و از بالکن و شیشه‌های بزرگ دور شوید.

پس از اتمام لرزش‌های اولیه سریعاً جریان آب و گاز و برق را قطع کنید.



گرم شدن زمین: نابودی سفره‌های آب زیرزمینی و تغییر اقلیم

دکتر مهدی زارع^۱

سازمان ملل متحد در ۳۰ نوامبر ۲۰۱۵ کنفرانس جهانی تغییر اقلیم را در پاریس برگزار کرد. متعاقب این کنفرانس سند جهانی تغییر اقلیم ملل متحد از سوی کشورهای حاضر (از جمله ایران) امضا شد. گرم شدن در کشور ما در طی سال‌های اخیر (۹۳ تا ۹۷) و مسأله گرم شدن (در حد ۲.۵ تا ۳۰ درجه در حدود ۶۰ سال گذشته) و همچنین خشکسالی از مهمترین مظاهر تغییرات اقلیمی بوده‌اند. سؤال مهمی مطرح است: این تغییرات به ویژه از بین رفتن منابع آب‌های زیرزمینی در طی حدود ۲۵ سال اخیر، چه اثرهای بعدی ممکن است به جا بگذارد؟ تخصص نگارنده همواره دغدغه رخداد یا تسریع در وقوع زمین‌لرزه مهم بعدی در نواحی لرزه‌زا و در پهنه گسل‌های فعال در ایران است. تخلیه سفره‌های آب زیرزمینی می‌تواند به تسریع در رخداد یک زلزله مهم بعدی بیانجامد. در واقع این باربرداری از لایه‌های آبدار سطحی می‌تواند به تغییر در ریتم رخداد زلزله‌های اصلی منجر شود.

در ایران ارزیابی‌های انجام شده در دشت تهران و کرج، منطقه دریاچه ارومیه و منطقه مشهد نشان می‌دهد که در این نواحی در طی حدود ۲۵ سال گذشته به ترتیب حدود ۳۰، ۷۵ و ۱۰۰ کیلومتر مکعب از حجم سفره‌های آب زیرزمینی نابود شده است. هر سه منطقه یادشده از نواحی لرزه‌خیز (و متأسفانه پرجمعیت ایران) هستند. در نواحی مزبور نبودهای لرزه‌ای در بازه‌های زمانی چند ده تا چند صد ساله بر روی پهنه گسل‌های فعال منطقه وجود دارد. مسأله کمبود آب و تخلیه سفره‌های آب زیرزمینی با سرعت و حجم

تغییرات اقلیمی در کشور ما هم تحت اثر تغییرات دما و بارش و هم در اثر توسعه ناپایدار صورت گرفته است. از نمادهایی از دخالت انسان در تغییرات اقلیمی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: استفاده نامتعادل از منابع آب، آمایش غلط سرزمین ایران به ویژه از سال ۱۳۷۰ به بعد، تمرکز نامتناسب جمعیت به ویژه به سوی مراکز استان‌ها و به طور خاص به سوی تهران، حفر چاه‌های عمیق مجاز و غیر مجاز و الگوی نامتناسب کشت در بسیار از نواحی که با کمبود آب مواجهند، انتقال‌های آب از حوزه‌هایی که آب داشته و تعادل اکولوژیک در آنها برقرار بوده به مناطق پرجمعیت شهری مانند تهران و تبریز و کرمان و... و احداث جاده‌های مطالعه نشده در مناطق ویژه از نظر زیست‌محیطی.

این مسائل به جابجایی جمعیتی در ایران انجامیده است. جمعیت آسیب‌پذیرتر و فقیرتر تازه مهاجر در حاشیه شهرها به ویژه کلان‌شهرها، مستقر می‌شوند.

این مهاجران تازه خانه‌های آسیب‌پذیرتر می‌سازند و محله‌های پرجمعیت‌تر ایجاد می‌کنند. نمونه‌هایی از این وضع را می‌توان در ورامین و ملارد و اسلامشهر در پیرامون تهران مشاهده کرد. یکی از شاخص‌های تغییر اقلیم مسأله گرم شدن زمین است، و سنجش روزانه و ماهانه گاز CO_2 از شیوه‌های پایش گرم شدن است. در ماه مه ۲۰۱۸ - اردیبهشت ۱۳۹۷ - با بیشینه ۴۱۱ پیام برای گاز CO_2 مواجه شدیم و ماه مارس ۲۰۱۸ پنجمین ماه مارس پی در پی بود که در کره زمین رکورد گرم شدن شکسته شد.

۱- استاد زلزله‌شناسی مهندسی پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله، عضو وابسته فرهنگستان علوم

یادشده، با مراجعه به مطالعات مشابه به ویژه در کالیفرنیا می‌تواند با تسریع در رخداد زلزله‌ای با بزرگای ۷ یا بیشتر در این نواحی (که مهمترین نواحی جمعیتی ایران هم هستند) منجر شود. این موضوع نیازمند بررسی‌های دقیق علمی و رصد مداوم با ابزارهای سنجش مدرن است.

در واقع در فلات ایران در پهنه‌های گسل‌های فعال باید با توجه به نزدیکی یا قرارگیری این پهنه‌های گسله در زون‌های تخلیه آب‌های زیرزمینی برای برآورد احتمال رخداد زلزله بعدی مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد. تغییر اقلیم ریتیم رخداد مخاطرات مختلف از جمله زلزله‌ها را در ایران تغییر داده است.

توسعه بیابان‌ها در نزدیک شهرها و توسعه کلان‌شهرها چالش‌های مهم اقلیمی دنیای آینده خواهند بود. در بازدیدهای اخیر نگارنده مشخص شد که وضعیت بیابانی در جنوب ورامین در جنوب استان تهران توسعه یافته و وضعیت به سرعت به سوی تبدیل به کویر به پیش می‌رود.

سنجش میزان بارندگی در ایستگاه‌های جنوب استان تهران کاهش میزان بارندگی از ۶۶ تا ۸۰٪ را نشان می‌دهد. در ناحیه جنوب آزادراه قم-گرمسار عملاً وضعیتی کویری حاکم است. تغییرات اقلیمی که شامل فرآیند گرم‌شدن جو زمین است، نماد مشخصی نیز در استان تهران دارد. در طی شصت سال گذشته حدود ۲/۵ درجه هوای تهران گرم‌تر شده است که حدود ۱/۵ درجه آن به حدود ۲۰ سال آخرین دوره مربوط است. در استان تهران بیشترین تمرکز جمعیت سوی جنوب و جنوب غرب و غرب استان تهران و در داخل شهر تهران به سمت مرکز و جنوب شهر تهران است.

فرونشست زمین: در طی دهه گذشته میزان فرونشست زمین در گستره غرب و جنوب غرب تهران (که اکنون جمعیتی حدود ۲ میلیون نفری را در خود جای می‌دهد) میزان فرونشست سالانه زمین به حدود ۳۰ سانتیمتر در سال (هر سه سال ۱ متر!) می‌رسد.

این فرونشست علاوه بر آسیب جدی بر زیرساخت‌های منطقه مانند خطوط راه‌آهن، خانه‌ها، ساختمان‌ها و سایر تأسیسات را آسیب‌پذیرتر می‌کند. بنابراین در چنین وضعی عملاً ریسک زمین‌لرزه بعدی (به دلیل افزایش آسیب‌پذیری) بیشتر می‌شود.

گزارش‌ها نشان می‌دهد که تعداد حدود ۲۲ هزار حلقه چاه غیرمجاز در استان تهران وجود دارد، که حدود ۱۰ هزار حلقه مربوط به شهر تهران و پیرامون آن است (برآورد می‌شود که تعداد چاه‌های غیرمجاز حدود ۳ برابر تعداد چاه‌های مجاز در شهر و استان تهران باشند! شهر تهران و شهرهای پیرامونی آن همچنان از جذاب‌ترین جاهای کشور برای مهاجرت هستند).

شرق و جنوب شرق تهران کانونی برای مهاجرت مهاجران از روستاها و شهرهای دچار خشکسالی شده از استان‌های خراسان، کرمان، سیستان و بلوچستان و همچنین حدود ۵۰۰ هزار نفر مهاجر ثبت‌نشده ولی برآوردشده افغان است. در عوض جنوب، جنوب غرب و غرب تهران، برای مهاجران از استان‌های آذربایجان، اردبیل، کردستان و لرستان جذابند (سرعت رشد جمعیت در غرب تهران عملاً در طی دهه گذشته حدود دو برابر این رشد در شرق تهران بوده است).

کانون‌های مدرن جمعیتی که در سایت‌های دولت‌های پیشین طراحی و اجرا شدند (مانند شهر جدید پرند در ۳۳ کیلومتری جنوب غرب تهران) عملاً با چالش آب مواجهند. اکنون از شمال غرب، غرب و جنوب غرب تهران طرح‌های مختلف انتقال آب برای هدایت آب شرب و مصرفی به شهر جدید پرند در حال اجراست. مکان‌یابی شهر جدید پرند در اقلیمی بیابانی و در کنار فرودگاه بین‌المللی امام خمینی صورت گرفته است، ولی معلوم نیست چرا برای این اولین نکته مهم برای توسعه این شهر که در سال ۱۳۹۵ جمعیتی ۴۰۰ هزار نفری برای آن برآورد می‌شود و برای سقف جمعیتی ۹۵۰ هزار نفر در آن برنامه‌ریزی شده است، تدبیر کافی نشده است. ساخت بنا «بر روی» پهنه گسل فعال در آیین‌نامه‌های مهم در کشورهای لرزه‌خیز (نظیر آیین‌نامه AP در کالیفرنیا و آیین‌نامه نیوزیلند) منع و ممنوع شده و حداقل توصیه شده تا بناهای معمولی و ساختمان‌های یکی دو طبقه امکان ساخت داشته باشد و از تجمع و انبوه‌سازی باید به هر طریق ممکن اجتناب شود.

در بیشتر پهنه‌های گسل‌های فعال که در پای دامنه‌ها واقعند علاوه بر خطر گسلش و جنبش شدید زمین در هنگام زلزله، خطر لغزش جدی است. بناهای ۸ تا ۲۰ طبقه یا بلندتری که اکنون در حال

جمعیتی بالغ بر ۲ میلیون و دویست هزار نفر در شمال تهران در پهنه گسل شمال تهران و حدود ۴۰۰ هزار نفر در تبریز و در پهنه گسل شمال تبریز زندگی می کنند. برآورد اخیر نگارنده نشان می دهد که دست کم حدود ۱۰٪ از این جمعیت در بناهای ۵ طبقه یا بلندتر در این نواحی ساکن شده اند. باید دقت کرد که این توسعه به شدت ناپایدار و نایمن، علاوه بر ریسک سوانح طبیعی نظیر زلزله و زمین لغزش، موجب تخریب شدید و سریع فضای سبز و باغات و مراتع و منابع زیست محیطی در منطقه شمالی تهران است

ساخت در پهنه گسل شمال تهران، شمال تبریز، و در مشهد، کرمان، زرنند، تربت حیدریه، کاشمر، سمنان، دامغان، بجنورد، بیرجند و ... هستند، بسیاری بر روی شیب های بیش از ۳۰ درجه احداث می شوند.

در این شیب ها حتی در شرایط بدون زمین لرزه هم احتمال خطر زمین لغزش و مشکلات دیگر در فصل زمستان در آنها بالاست. در یک زمین لرزه مهم این دامنه های تحت خطر میتواند مشکلات مضاعفی تجربه کنند.

در ساخت ساختمان بلندمرتبه و برج بر روی گسل باید توجه کرد که در این نواحی در هنگام یک زمین لرزه علاوه بر امکان گسیختگی مستقیم در سطح زمین، احتمال ایجاد تکان های بسیار شدید در اثر پالس های پیرو بلند - در اثر پدیده جهت پذیری در هنگام رخداد زمین لرزه در نزدیکی گسل زمین لرزه، و پدیده «پله پرش» (فلینج) به ویژه بر روی صفحه گسیختگی وجود دارد.

تجربیات قبلی در زمین لرزه هایی که در ایران (زلزله ۱۳۸۲ بم)، ترکیه (زلزله های ایزمیت و دوزجه در سال ۱۳۷۸)، ژاپن (زلزله ۱۳۷۳ کوبه)، آمریکا (زلزله های ۱۳۶۸ لوماپریتا، ۱۳۷۱ لندرز و ۱۳۷۲ نورث ریج همگی در ایالت کالیفرنیا)، نیوزیلند (زمین لرزه های ۱۳۸۹ کرایست چرچ)، چین (زلزله ۱۳۷۸ ونچوان) و ... رخ داده و جنبش در نزدیکی گسل در دستگاه های شتاب نگاری ثبت شده است، نشان از آن دارد که پالس های تغییر مکان و تکان های شدید در هنگام رخداد زمین لرزه با پیرودهای طبیعی حدود ۵/۲ تا ۲ ثانیه در موارد متعددی ثبت و تجربه شده و اهل فن می دانند که این پیرودهای طبیعی مطابق با پیرودهای طبیعی نوسان در ساختمان های حدود ۵ تا ۲۰

طبقه است.

بنابراین علم موجود به ما حکم می کند که هر نوع احداث ساختمان بلند و توسعه شهر - به ویژه انبوه سازی و برج سازی - در چنین نواحی بدون شک به توسعه مناطق با ریسک بالا در شهری مانند تهران می افزاید. وجود تغییرات شدید توپوگرافی (پستی و بلندی) در این نواحی به احتمال تشدید امواج زمین لرزه احتمالی در این مرزهای توپوگرافی در پای دامنه ها می انجامد.

تشدید امواج در اثر تغییرات پستی و بلندی در مرزهای بین کوه و دشت بدون شک تشدیدکننده خرابی ها خواهد بود. در این نواحی احداث سریع این مجتمع ها در معابر و آبراهه های مهم بسیار خطرناک است. جایی که مانند گلاب دره، سیل مرداد ۱۳۶۶ با حدود ۲۵۰ کشته زادر منطقه گلاب دره، دریند، و تجریش تجربه کرده است. یادمان باشد که در آن سال این همه بنای بلندمرتبه در چنین ناحیه ای وجود نداشت و اکنون و به ویژه در دود دهه اخیر چنین تمرکز نامتوازن و ناپایدار ساختمان سازی در شمال تهران صرفاً بر مبنای مزیت بالای اقتصادی آن رخ داده است.

جمعیتی بالغ بر ۲ میلیون و دویست هزار نفر در شمال تهران در پهنه گسل شمال تهران و حدود ۴۰۰ هزار نفر در تبریز و در پهنه گسل شمال تبریز زندگی می کنند. برآورد اخیر نگارنده نشان می دهد که دست کم حدود ۱۰٪ از این جمعیت در بناهای ۵ طبقه یا بلندتر در این نواحی ساکن شده اند. باید دقت کرد که این توسعه به شدت ناپایدار و نایمن، علاوه بر ریسک سوانح طبیعی نظیر زلزله و زمین لغزش، موجب تخریب شدید و سریع فضای سبز و باغات و مراتع و منابع زیست محیطی در منطقه شمالی تهران است.

آکادمی علوم و هنرهای اروپا^۱

مترجم: مرجان شجاعی
ویراستار: محمود علیمحمدی

تاریخچه

آکادمی علوم و هنرهای اروپا حاصل فرآیند بلوغ طولانی است. پیدایش آکادمی از سال ۱۹۵۸ م. با یک کارگروهی در سالزبورگ آغاز شد و به تأسیس آکادمی توسط شخصیت‌های ذیل منتهی شد: فلیکس اونگر^۲ جراح قلب از سالزبورگ، فرانز کاردینال کونینگ^۳، اسقف اعظم پیشین وین و نیکولاس لوبکوویچ^۴، دانشمند علوم سیاسی و فیلسوف.

فلیکس اونگر با توجه به بینشی که نسبت به آکادمی داشت، هدف مشخصی را برای خویش تعیین کرد. براساس این هدف، مشکلات و مسائلی که اروپا با آن مواجه است باید با کمک شبکه منسجمی از دانشمندان و هنرمندان اروپایی از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گیرد و در نهایت برای آنها راه‌حلی در نظر گرفته شود.

اونگر همواره به رشته‌های علمی گوناگون علاقه داشت و از این رو موقعیت را برای تبادل نظر با همکاران خود مناسب می‌دید. علاوه بر این، امید داشت که به تعالی جوامع و فرهنگ اروپا کمک کند. این نگرش در سال‌های اولیه زندگی توسط والدین و پدر بزرگ و مادر بزرگ وی، در او شکل گرفت. آنها به وی آموخته بودند که به مردم دارای مذهب و فلسفه مختلف احترام بگذارد و در صدد گفتگو با آنان برآید.

از اواسط دهه هشتاد، اونگر و کاردینال کونینگ جلسات منظمی

با دانشمندانی سرشناس از وین، مونیخ، اینسبروک^۵ و سالزبورگ داشتند. برای کونینگ مسئله اخلاق در علم در اولویت قرار داشت؛ او اخلاق را به عنوان بازتاب عقل در ارتباط با عملکرد انسان تلقی می‌کرد، نه فقط تمایز بین ارزش‌های درست و غلط بلکه تمایز میان ارزش‌های خوب و بد و ارزش‌های مثبت و منفی.

در طی جلساتی که در سالزبورگ برگزار شد، اونگر و کونینگ تصمیم گرفتند که بحث و مذاکره را نهادینه کنند. آنها نیاز به داشتن یک آکادمی جدید را احساس کردند. یک آکادمی که تغییر تصور انسان از جهان را مد نظر قرارداد ضمن اینکه به تحول مفهوم علم نیز توجه کند و به موضوعات مرتبط با جامعه به روش میان رشته‌ای و فراملی بپردازد.

در سال ۱۹۹۸ م.، کاردینال کونینگ، فلیکس اونگر را به نیکولاس لوبکوویچ، فیلسوف سیاسی و رئیس وقت دانشگاه کاتولیک آیشت^۶، معرفی کرد. لوبکوویچ نیز از این کار استقبال کرد زیرا از مزایای داشتن یک آکادمی با خبر بود.

نیکولاس لوبکوویچ در پی یافتن راه‌هایی جهت جلوگیری از سقوط ارزش‌ها در اروپا بود. وی دریافت که پرداختن به این چالش نیازمند همکاری نمایندگانی از تمام رشته‌های علمی یعنی فلاسفه و مورخان، دانشمندان و مهندسان است. با تأسیس آکادمی علوم و هنرهای اروپا، وی راهی را برای ترغیب اعضا و کل جامعه علمی جهت انجام پژوهش‌های مشترک یافت. یک آکادمی با اعضای بین‌المللی شایسته می‌توانست از پس مشکلات سرنوشت‌ساز اروپا برآید و نقش پیشرو خود را ایفا کند.

ارتباط میان این سه شخص که نشأت گرفته از انگیزه و خرد آنان بود، سرانجام منجر به تأسیس یک آکادمی شد. سرانجام، آکادمی علوم و هنرهای اروپا در ۷ مارس ۱۹۹۰ م. تأسیس شد.

1-European Academy of Sciences and Arts
2-Felix Unger
3-Eranz

4-Nikolaus Lobkowitz
5-Innsbruck
6-Eichstatt

اهداف

آکادمی علوم و هنرهای اروپا در مرکز شهر سالزبورگ قرار دارد و یکی از بزرگترین اتاق‌های فکر در اروپا می‌باشد. این آکادمی میان بیش از ۱۷۰۰ دانشمند در سراسر جهان، که ۳۲ نفر از آنان برنده جایزه نوبل هستند، ارتباط برقرار می‌کند.

هدف آکادمی به عنوان یک نهاد علمی مستقل، بحث و تبادل نظر در خصوص مسائل جاری رشته‌های علمی و فرهنگ‌های مختلف و همچنین ارتقای گفتگوهای فراملی برای منفعت مردمی است که در اروپا زندگی و کار می‌کنند.

به طور کلی، آکادمی بر سه زمینه ذیل تأکید دارد: توسعه علم، انتشار اطلاعات علمی و اجرای پروژه‌های بین‌المللی.

توسعه علم

با برگزاری همایش‌ها، کنگره‌ها و کارگروه‌های علمی-میان رشته‌ای، در خصوص مسائل مهمی نظیر آسیب‌های محیط‌زیست از طریق فناوری و صنعت، مهندسی ژنتیک، جهانی‌سازی اقتصادی، مرزهای فناوری پزشکی و آینده اروپا، بحث و تبادل نظر می‌شود.

اصول اخلاقی در مباحث علمی حائز اهمیت است. هیچ موضوعی به صورت انتزاعی مورد بحث و تبادل نظر قرار نمی‌گیرد بلکه با توجه به آثار فرهنگی، اخلاقی و ارزش‌های مرسوم و تحولات مربوط به آنها، بحث و تبادل نظر می‌شود. علم و پژوهش از جهت استقلال و آزادی، وابستگی به مقامات ذیربط، محدودیت‌های اقتصادی و اهداف بشر دوستانه، مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرند. تأثیر جهانی شدن و فناوری اطلاعات و ارتباطات در کل جهان نیز به صورت نقادانه مد نظر قرار می‌گیرد.

انتشار اطلاعات علمی

دانش، اطلاعات و فرآیندهای علمی باید به شیوه‌ای قابل فهم و در ابعاد اجتماعی-سیاسی و اخلاقی ترویج یابند. یکی از اهداف اصلی آکادمی، قرار دادن اطلاعات در اختیار همگان است.

علاوه بر انتشارات ادواری، رسانه‌های الکترونیکی و سیستم‌های ارتباطی تعاملی جدید نیز برای انتشار اطلاعات، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

اجرای پروژه‌های بین‌المللی

علاوه بر توسعه علم و انتشار اطلاعات علمی، آکادمی علوم و هنرهای اروپا در خصوص موضوعات مختلف، پروژه‌های بین‌المللی اجرا می‌کند.

یکی از این موضوعات به بخش مراقبت‌های بهداشتی مربوط می‌شود. بر اساس اطلاعات و یافته‌های پژوهشی، خدمات درمانی بهینه در اروپا باید تضمین شود. شبکه ارتباطی صنعت و پزشکی در کانون توجه قرار دارد تا یافته‌های نظری در پزشکی را به صنعت انتقال دهد و ارتباط میان تئوری و عمل را ارتقا بخشد. برای ایجاد این ارتباط و ارتقای خدمات درمانی همگانی، لازم است که در آموزش تئوری و عملی در زمینه خدمات درمانی تجدید نظر شود. بر این اساس، یکی از اهداف اصلی آکادمی، ایجاد اصلاحات در آموزش پزشکی در سطح اروپا جهت تضمین استاندارد خدمات درمانی و اصلاح آموزش پزشکی و استفاده از دانشجویان در محیط عملی از ابتدای کار است. برای اجرای این پروژه، انجمنی مرکب از شش دانشگاه اروپایی توسط آکادمی تأسیس شده است که بر روی برنامه درسی پزشکی در اروپا کار کنند.

پروژه دیگر، مرتبط با آزادمنشی است. برای نمایندگان آکادمی علوم و هنرهای اروپا، آزادمنشی یک مزیت به شمار می‌آید که به وسیله آن بشر به عنوان یک فرد می‌تواند آزادانه در روح قانون زندگی کند. آزادمنشی یعنی کار کردن بدون آسیب رساندن به دیگران یا محدود کردن آزادی آنان. از سال ۱۹۹۷ م. آکادمی علوم و هنرهای اروپا، جایزه آزادمنشی را به افراد یا مؤسساتی که به آزادمنشی، انسانیت، گفتگوهای میان‌رشته‌ای و فراملی و ضد نژادپرستی پایبند هستند، اعطا می‌کند. در سال ۲۰۱۵ م.، آکادمی جایزه مذکور را به کمیته بین‌المللی المپیک برای ترویج آزادمنشی از طریق متحدکردن ملل و فرهنگ‌های مختلف، اعطا کرد.

سومین پروژه در خصوص آینده اروپا می‌باشد. اتحادیه اروپا بر روی ویرانه‌های تاریخی پنج دهه گذشته بنا نهاده شده است و ۲۸ کشور با زبان، جغرافیا و تاریخ مختلف را در بر دارد. اگرچه، با افزایش مشکلات اقتصادی و اجتماعی و تضاد منافع ملی و عمومی، اتحادیه در حال از دست دادن اتحاد و انسجام خود می‌باشد. آکادمی علوم و هنرهای اروپا برای پرداختن به این موضوع از تمام اعضای خود، سایر

آکادمی‌های جهان و کلیه شهروندان دعوت می‌کند تا در خصوص آینده اروپا کتباً اظهار نظر کنند.

بودجه آکادمی

آکادمی از حمایت مالی جمهوری اتریش، مؤسسه آکادمی علوم و هنرهای اروپا در اتریش، مرکز قلب سالزبورگ، انجمن قلب اروپا و مؤسسه سلامت اروپا برخوردار است.

بخش‌های آکادمی

آکادمی از هفت گروه تشکیل یافته است:

علوم انسانی

- فلسفه

- روان‌شناسی

- علوم تربیتی، علم آموزش

- علوم تاریخی

- فلسفه و مطالعات ادبی

- انواع دیگر مطالعات ادبی، زبان و تمدن ملی

- سایر

پزشکی

- آناتومی، پاتولوژی

- شیمی پزشکی، فیزیک پزشکی، فیزیولوژی

- بهداشت

- پزشکی بالینی (به استثنای جراحی و روان پزشکی)

- جراحی و علم بیهوشی

- روان پزشکی و عصب‌شناسی

- پزشکی قانونی

- دامپزشکی

- سایر

هنر

- موسیقی، اپرا

- ادبیات و تئاتر

- معماری، هنر

- علم هنر

- سایر

علوم طبیعی

- ریاضیات، انفورماتیک

- فیزیک

- شیمی

- زیست‌شناسی

- علوم زمین‌شناسی (زمین‌شناسی، کانی‌شناسی، هواشناسی،

آب‌نگاری، جغرافی، اقلیم‌شناسی)

- سایر

علوم اجتماعی، حقوق و اقتصاد

- علوم سیاسی

- حقوق

- اقتصاد

- علوم اجتماعی

- برنامه‌ریزی منطقه‌ای

- علوم اجتماعی میان‌رشته‌ای

- سایر

علوم فنی و محیطی

- فناوری انرژی

- فناوری اطلاعات

- فناوری مواد

- تأسیسات زیربنایی

- کشاورزی، پرورش و حفاظت از گیاهان

- باغبانی، پرورش میوه

- جنگل‌داری و صنعت چوب

- سایر

مذاهب جهانی

- مسیحیت

- اسلام

- آیین هندو

- آیین بودا

- یهودیت

- سایر

مؤسسات آکادمی

آکادمی علوم و هنرهای اروپا دارای ۹ مؤسسه به شرح ذیل می باشد:
مؤسسه اروپایی-لتونیایی مبادله فرهنگی و علمی^{۱۱}، ریگا، لتونی (۱۹۹۲ م.)

مؤسسه مبادلات علمی و فرهنگی میان رشته ای^{۱۲}، تیمیسوارا، رومانی (۱۹۹۲ م.)

مؤسسه جهانی نقشه برداری و پژوهش^{۱۳}، سالزبورگ، اتریش (۱۹۹۴ م.)
مؤسسه بهداشت اروپا^{۱۴}، سالزبورگ، اتریش (۱۹۹۹ م.)

مؤسسه حفظ و نگهداری سیستم زمین^{۱۵}، مونیخ، آلمان (۲۰۰۲ م.)
مؤسسه اپرا در دانشگاه موزارت^{۱۶}، سالزبورگ، اتریش (۲۰۰۵ م.)

آکادمی آموزش پزشکی هلنی^{۱۷}، آتن، یونان (۲۰۰۷ م.)
مؤسسه کاردینال کونینگ، سالزبورگ، اتریش (۲۰۰۹ م.)

شبکه مرکزی و شرقی اروپا

شبکه مرکزی و شرقی اروپا مکانی برای گفتگوی رؤسای آکادمی های ملی علوم کشورهای مرکزی و جنوب شرقی اروپا می باشد. در اوایل سال ۲۰۰۳ م.، آکادمی علوم و هنرهای اروپا شبکه مذکور را به دلیل گسترش قریب الوقوع اتحادیه اروپا، تأسیس کرد. شبکه مزبور به مسائل جامع و مهم ذیل می پردازد:

- جذب بهینه جوامع علمی اروپای مرکزی و جنوب شرقی در نهاد علمی اروپا ضمن حفظ آزادی و استقلال علمی در فرآیند انجام کار
- جذب کامل کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و تقویت همکاری با اتحادیه اروپا ضمن حفظ مسئولیت دموکراتیک لازم در طول مرحله گذار و فراسوی آن

اعضای شبکه مذکور از آکادمی های ذیل دعوت می شوند: آکادمی علوم آلبانی، آکادمی ملی علوم بلاروس، آکادمی علوم و هنرهای بوسنی هرزگووین، آکادمی علوم بلغارستان، آکادمی علوم و هنرهای کرواسی، آکادمی علوم جمهوری چک، آکادمی علوم استونی، آکادمی علوم مجارستان، آکادمی علوم و هنرهای کوزوو، آکادمی علوم لتونی، آکادمی علوم لیتوانی، آکادمی علوم و هنرهای مقدونیه، آکادمی علوم مولداوی، آکادمی علوم و هنرهای مونته نگرو، آکادمی علوم لهستان، آکادمی رومانی، آکادمی علوم و هنرهای صربستان،

آکادمی علوم اسلواکی، آکادمی علوم و هنرهای اسلوونی، آکادمی علوم جمهوری اسپسکا^{۱۸} و آکادمی علوم و هنرهای جهان.
در مواقع مقتضی، این شبکه در خصوص مسائل جاری مهم برای جامعه علمی یا به طور کلی برای جامعه اظهار نظر می کند.

پروژه های آکادمی

مؤسسه آلمانا ترا اروپا^{۱۹}

از جمله پروژه های این آکادمی، تأسیس این مؤسسه در سال ۲۰۱۰ م. می باشد که زیر نظر آکادمی فعالیت دارد. مقارین مؤسسه در شهر سالزبورگ است. هدف این مؤسسه، ارتقای نخبگان رهبری بین المللی در زمینه های آموزش، فرهنگ، اقتصاد، حقوق، بهداشت و محیط زیست می باشد. اعضای هیأت علمی مؤسسه را محققان سرشناس آکادمی علوم و هنرهای اروپا تشکیل می دهند.

کنفرانس آکادمی های دانوب^{۲۰}

کنفرانس آکادمی های دانوب، پروژه ای متعلق به آکادمی علوم و هنرهای اروپا می باشد که آکادمی های ملی منطقه دانوب را گرد هم می آورد و به توسعه در منطقه دانوب می پردازد. این کنفرانس محلی برای گفتگوی غیر رسمی میان رؤسای آکادمی های ملی اروپای مرکزی و شرقی می باشد. هدف این کنفرانس، تبادل چند جانبه جهت بهره بردن از تجربیات مختلف است.

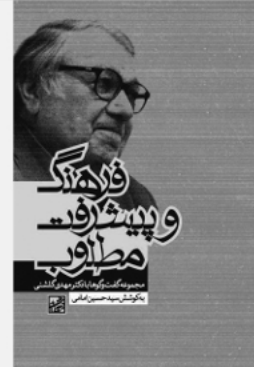
ایده اولیه کنفرانس به سال ۱۹۹۱ م. باز می گردد زمانی که وزیر امور خارجه پیشین اتریش، دکتر آلویس ماک - سناتور افتخاری آکادمی علوم و هنرهای اروپا-، از این آکادمی درخواست کرد تا جلسه ای تشکیل دهد که طی آن آکادمی های یوگسلاوی سابق را گرد هم آورد. در سال ۲۰۱۰ م.، پروژه جدیدی توسط اتحادیه اروپا به عنوان «خط مشی اتحادیه اروپا برای منطقه دانوب» پایه گذاری شد. هدف این پروژه بهبود هماهنگی نهادها و برنامه های ذیربط در جهت ارتقای توسعه منطقه دانوب می باشد.

بر اساس این پروژه، آکادمی علوم و هنرهای اروپا اولین کنفرانس آکادمی های دانوب را در سال ۲۰۱۱ م. دروین برگزار کرد.

منبع: <http://www.euro-acad.eu>

11-European-Latvian Institute for Cultural and Scientific Exchange
12-Institute for Interdisciplinary Science and Cultural Exchanges
13-Institute for Global Mapping and Research
14-European Institute of Health
15-Institute for Earth System Preservation
16-Opem Institut an der Universit?t Mozarteum Salzburg

17-Hellenic Academy of Medical Education
18-Srpska
19-Alma Mater Europaea
20-Danube
21-Dr. Alois Mock



فرهنگ و پیشرفت مطلوب

(مجموعه گفتگو با دکتر مهدی گلشنی)^۱

به کوشش سیدحسین امامی

چاپ اول، ۱۳۹۷، ۷۰۰ صفحه

تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر

این کتاب توسط آقای دکتر احمد کتابی استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ضمیمه روزنامه اطلاعات مورخ ۹۷/۳/۳۰ معرفی شده که خلاصه آن به شرح ذیل آمده است:

«فرهنگ و پیشرفت مطلوب»، عنوان با مسمای آخرین کتاب استاد گلشنی است که به تازگی به زیور طبع آراسته شده است. این کتاب مشتمل بر مجموعه گفت‌وگوها و مصاحبه‌هایی است که از سال ۱۳۹۲ تاکنون، به مناسبات مختلف، با استاد صورت گرفته و نیز شامل سخنرانی‌هایی است که مشارالیه در مجامع و محافل علمی، فرهنگی، دانشجویی، رسانه‌ای و غیره ایراد کرده است. شایان ذکر است که کتاب مزبور، پس از تدوین، از نظر استاد گذشته و تغییرات انجام شده مورد تأیید ایشان قرار گرفته و ضمناً جرح و تعدیل و ویراستاری مختصری هم از جانب خود استاد در متن اعمال شده است.

به هرتقدیر، کتاب «فرهنگ و پیشرفت مطلوب» یکی از آثار ماندگار و ارجمند استاد گلشنی است که چه از نظر کمیت و چه از جهت کیفیت و چه از لحاظ ویژگی‌های شکلی و چگونگی تنظیم و چه از نظر محتوا، واجد مزایا و نقاط قوت انکارناپذیری است که ذیلاً به اهم آنها اشاره

می‌شود:

۱- کتاب بالغ بر ۷۰۰ صفحه است و بنابراین، احتمالاً حجیم‌ترین کتابی است که تاکنون از استاد منتشر شده است (البته ترجمه) کتاب «فیزیک هالیدی»، برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی، چون دارای قطع بزرگ (رحلی) است، نمی‌تواند با کتاب حاضر مورد مقایسه قرار گیرد. خوشبختانه، چگونگی تنظیم و تنوع مباحث کتاب به گونه‌ایست که خوانندگان کم‌حوصله امروز را هم خسته نمی‌کند.

۲- تمام مقالات کتاب و حتی سخنرانی‌ها به صورت گفت‌وگو و دوجانبه (دیالوگ) و به شکل سؤال و جواب تنظیم شده و بدین ترتیب، از یکنواخت و کسل‌کننده بودن مطالب اجتناب شده است.

۳- نکته مهمی که در سراسر کتاب مشاهده می‌شود، آزاد و راحت بودن مصاحبه‌کننده و سؤال‌کننده در طرح پرسش‌ها و ارائه نظریات و آراء خود است تا آنجا که در بسیاری از موارد، مصاحبه‌کننده، به پاسخ ارائه شده قانع نمی‌شود و ایراداتی را به گفته‌های مصاحبه‌شونده وارد می‌آورد، به طوری که گفت‌وگو، در بعضی موارد، حالت مناقشه یا جدل علمی به خود می‌گیرد.

۴- امتیاز بسیار مهم و اساسی کتاب مورد بررسی جامعیت و وسعت شمول مباحث آن است تا آنجا که کمتر موضوعی در حوزه‌های فرهنگ، دانش، فلسفه، دین، اخلاق، تمدن، جهانی‌شدن، غرب‌گرایی و امثال آن را می‌توان سراغ گرفت که در کتاب مزبور، به نحوی مستوفی، درباره آن بحث و بررسی نشده باشد. به تعبیری دیگر، شاید این کتاب را بتوان عصاره اندیشه‌های استاد گلشنی در زمینه‌های گوناگون معرفت بشری و حاصل یک عمر تفکر، تعقل، تدبر و تجربه نوشته ایشان تلقی کرد.

۵- امتیاز شایان توجه دیگر کتاب، سادگی و فهم‌پذیری مباحث و مطالب کتاب و روانی و شیوایی نثر آن است که استفاده از آن را، حتی برای کسانی که به مباحث مطرح شده ورود و وقوفی ندارند، کم و بیش، میسر می‌سازد.

۶- کتاب، افزون بر نمایه عمومی، دارای نمایه‌های اختصاصی در مورد آیات، احادیث و اشعار مورد استناد است.

۷- نحوه تبویب و تنظیم کتاب، حروف‌چینی و طراحی جلد نیز، در مجموع، مطلوب و دلنشین است.

۱- عضو پیوسته فرهنگستان علوم، استاد فیزیک و مدیر گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف

۸- در بعضی بخش‌های کتاب، همپوشانی‌ها و مطالب بعضاً تکراری مشاهده می‌شود که باتوجه به مستقل بودن مقالات و فواصل زمانی حایل بین آنها، امری اجتناب‌ناپذیر و صرف‌نظر کردنی به نظر می‌رسد. در پایان، بی‌مناسبت نمی‌داند فهرست‌واره‌ای از بخش‌های چهارده‌گانه کتاب را که هریک دارای زیرمجموعه‌های تفصیلی است جهت استحضار علاقه‌مندان ارائه کند:

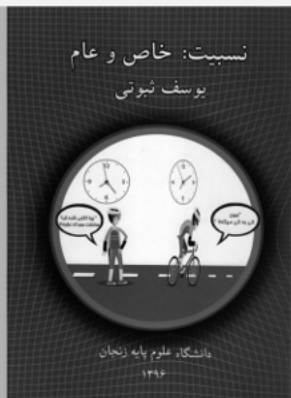
بخش اول: علوم قدیم و علوم جدید. بخش دوم: آموزش و پرورش خلاق پرور نیست. بخش سوم: تأثیر فرهنگ، اقتصاد و سیاست بر

علم. بخش چهارم: عوامل مؤثر بر پیشرفت علم. بخش پنجم: علم در تمدن اسلامی. بخش ششم: ارتباط علم، دین و فلسفه، بخش هفتم: علم دینی. بخش هشتم: اسلامی کردن علوم انسانی. بخش نهم: حوزه‌های علمیه و علوم جدید. بخش دهم: فلسفه و زندگی، فلسفه و علم و فلسفه علمی، بخش یازدهم: جهانی شدن و فرهنگ. بخش دوازدهم: فرهنگ و نقدپذیری. بخش سیزدهم: بررسی اندیشه‌های پیوپرو مطهری. بخش چهاردهم: زندگی شخصی و علمی دکتر مهدی گلشنی.

نسبیت: خاص و عام

اثر: دکتر یوسف ثبوتی^۱

ناشر: دانشگاه علوم پایه زنجان، چاپ اول: ۱۳۹۶



کتاب «نسبیت: خاص و عام» عنوان تازه‌ترین اثر آقای دکتر یوسف ثبوتی عضو پیوسته و رئیس گروه علوم پایه فرهنگستان علوم و استاد فیزیک است که توسط دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه - زنجان چاپ و منتشر شده است.

به نظر نگارنده کتاب: «همه زیر شاخه‌های فیزیک مبتنی بر اصول موضوعه‌اند و دانشجوی فیزیک تا با این اصول انس نگیرد، به توانایی‌ها و زیبایی‌های فیزیک راه نخواهد برد؛ به وسعت و مجال اندیشه‌ورزی که در آن نهفته است دست نخواهد یافت و در کاربردهای نظری و عملی فیزیک درخواهد ماند».

از این رو نویسنده به همکاران خوب و سختکوشش توصیه می‌کند که نوشته‌هایی مختص زیرشاخه‌های اصلی فیزیک تدوین و در نوشته‌ها بر مبنای نظری و جهان شمولی اصل موضوعه فیزیک تأکید کنند. کتاب حاضر مشتمل بر ۱۰ فصل است. در این کتاب کم حجم

با خواننده تازه‌کار، ولی کنجکاو، از چند چیز سخن به میان آمده است:

- از مبانی و اصول موضوعه الکترومغناطیس و ثابت بودن سرعت نور

- از برابری ناظران لخت و ثابت بودن سرعت نور برای همه آنها

- از پیدایش مکانیک نسبیتی

- از تعمیم اصل برابری ناظرهای لخت

- از پیدایش نسبیت عام با پذیرش نبود ناظر ممتاز

- از شواهد مشاهداتی تأییدکننده درستی نسبیت عام

- بالاخره از بعضی یافته‌های اختر فیزیکی و کیهان‌شناسی بر پایه

نسبیت عام

نگارنده کتاب «نسبیت: خاص و عام» تلاش کرده است که اندازه

کتاب متناسب با تدریس در دوره‌های کارشناسی ارشد و بالاتر، برای

دانشجوی ایرانی در یک سال تحصیلی باشد.

۱- عضو پیوسته و رئیس گروه علوم پایه فرهنگستان علوم، استاد فیزیک دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه - زنجان



مخاطرات زمین ایران

بیرونی و درونی (زلزله و آتشفشان)

دکتر علی درویش زاده، دکتر مهدی زارع^۲

بد نیست اضافه کنیم که مسئولان دولتی اعلام کرده‌اند که در سال ۱۳۹۶ بیش از ۱۰,۰۰۰ زلزله در کشور رخ داده است که از مهمترین زلزله‌های رخ داده در این سال می‌توان به زلزله ۲۱ آبان با بزرگای ۷/۳ در اژگله-سرپل ذهاب کرمانشاه، زلزله ۲۹ آذر با بزرگای ۵/۲ در ملارد تهران، رخداد سه زلزله از ۱۰ تا ۲۲ آذر با بزرگای ۶ در شرق همدک کرمان و زلزله‌های پیدری با بزرگای بیش از ۵ در سومار کرمانشاه اشاره کرد.

با توجه به لرزه‌خیزی بالای فلات ایران و افزایش ساخت‌وساز و گسترش شهرهای ایران (خصوصاً شهرهای تهران، تبریز و مشهد) در نزدیکی پهنه‌های گسل‌های لرزه‌زا و همچنین وجود آتشفشان‌های مهم در مناطق مختلف کشور، ارزیابی خطر و ریسک مخاطرات زمینی ضروری بوده و افزایش تاب‌آوری شهرها در برابر این مخاطرات جزء چالش‌های مهم قرن پیش رو در ایران خواهد بود. در این راستا، کتاب حاضر بیانگر داستان مهمترین مخاطرات زمین ایران یعنی زلزله و آتشفشان می‌باشد.

زمین سومین سیاره نزدیک به خورشید و تنها سیاره‌ای است که آب در آن به سه صورت مایع، بخار و جامد یافت می‌شود. ضمناً دما، فشار و ترکیب هوا در آن به صورتی است که امکان برقراری شرایط حیات در ۳/۵ میلیارد سال گذشته در آن فراهم شده و از این نظر سیاره منحصر به فردی در منظومه شمسی به شمار می‌رود که سطح آن زیستگاه موجودات زنده است که خود را با محیط‌های مختلف دریا و خشکی تطبیق داده و به نحوی با آن در حال تعادل‌اند. هر عاملی که این تعادل را در کوتاه‌مدت به هم بزند، موجب انهدام تمام یا بخشی از محیط‌زیست موجودات زنده می‌شود.

عوامل تغییر تعادل در محیط‌زیست ممکن است بیرونی (مثلاً بروز سیل، طغیان آب دریا، زمین‌لغزش، گرمایش هوا و...) یا درونی (زلزله و آتشفشان) و یا حتی فرازمینی باشند.

کشور ما ایران، علاوه بر مخاطرات طبیعی بیرونی، دچار مخاطرات درونی یعنی آتشفشان و زلزله است که همگان مورد دوم، یعنی بروز زلزله‌های مخرب در اکثر نقاط ایران را به یاد دارند.

۱- عضو پیوسته فرهنگستان علوم، استاد زمین‌شناسی دانشگاه تهران

۲- عضو وابسته فرهنگستان علوم، استاد پژوهشگاه زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله